



رحمن رحمت الله عليهم

الانبياء

مکدنتک

نوجوان، میاندا امر اصلی پیوندهای اجتماعی
علی آب انباری







طرح درس نوجوان

میوندار

نوجوان، میاندار اصلی پیوندهای اجتماعی



میوندار

نوجوان، میاندار اصلی پیوندهای اجتماعی

- به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی
- کاری از: گروه تولید محتوای تبلیغی «غیورمردان ایران زمین»
- نویسنده: علی آب انباری
- ویراستار: سجاد رستمی پور
- مدیر هنری: محمد صادق صالحی
- نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۱۰۰۰



سامانه شمع
shabaketabligh.ir

مرکز پخش کتب اداره راهبری محتوای تبلیغی
آدرس: قم، بلوار امین، کوچه ۸، فرعی سوم، پلاک ۲
ایتای اداره راهبری: rahbary_mohtava@eitaa.com
شماره تماس: ۰۲۱۹۱۳۰۰۳۲۲، داخلی ۴
شماره همراه: ۰۹۳۰۷۸۱۳۰۵۷



برای شرکت در نظر سنجی کتاب اسکن کنید

۹	درآمد
۳۱	مقدمه
	جلسه اول
۳۵	میوندار بررسی ابعاد مختلف میاندار در هیئت
۳۷	ارتباط اولیه
۳۹	شروع
۴۱	قالب جوانبی
۴۶	تنوع
۴۷	تکلیف
۴۷	دعای پایانی
	جلسه دوم
۴۹	میوندار خوبی‌ها باش!
۵۱	ارتباط اولیه
۵۴	شروع
۵۴	قالب نکته‌ای
۶۰	تنوع
۶۰	ادامه محتوا
۶۴	جمع‌بندی
۶۴	تکلیف
۶۵	دعای پایانی
	جلسه سوم
۶۷	ما به هم مربوطیم!
۶۹	ارتباط اولیه
۷۱	شروع
۷۴	قالب عددی:
۸۰	تنوع



- ۸۰ ادامه محتوا
۸۵ جمع بندی
۸۵ تکلیف
۸۶ دعای پایانی

جلسه چهارم

۸۷ خوشبختی با امام است!

- ۸۹ ارتباط اولیه
۹۰ شروع
۹۱ قالب تشبیهی - انواعی - مقایسه‌ای:
۹۶ تنوع
۱۰۳ جمع بندی
۱۰۳ تکلیف
۱۰۴ دعای پایانی

جلسه پنجم

۱۰۵ بودن یا نبودن!

- ۱۰۷ ارتباط اولیه
۱۰۸ شروع
۱۰۹ قالب مقایسه‌ای
۱۱۷ تنوع
۱۱۸ جمع بندی
۱۱۹ تکلیف
۱۱۹ دعای پایانی

جلسه ششم

۱۲۱ پله‌های سقوط!

- ۱۲۳ ارتباط اولیه
۱۲۴ شروع
۱۲۵ قالب نمادین
۱۳۴ تنوع
۱۳۴ جمع بندی:
۱۳۵ تکلیف
۱۳۵ دعای پایانی

جلسه هفتم

۱۳۷ پله‌های سقوط ۲!

- ۱۳۹ ارتباط اولیه
۱۴۰ شروع





- ۱۴۷ تنوع
۱۴۷ ادامه بحث
۱۵۱ جمع بندی
۱۵۲ تکلیف
۱۵۲ دعای پایانی

جلسه هشتم

۱۵۳ **مرد میدان!**

- ۱۵۵ ارتباط اولیه
۱۵۶ شروع
۱۵۸ قالب عددی - انواعی
۱۶۳ تنوع
۱۶۳ ادامه محتوا
۱۶۶ جمع بندی
۱۶۶ تکلیف
۱۶۷ دعای پایانی

جلسه نهم

۱۶۹ **یک دست صدا ندارد!**

- ۱۷۱ ارتباط اولیه
۱۷۲ شروع
۱۷۳ قالب نمادین - انواعی
۱۷۸ تنوع
۱۸۵ جمع بندی
۱۸۶ تکلیف
۱۸۶ دعای پایانی

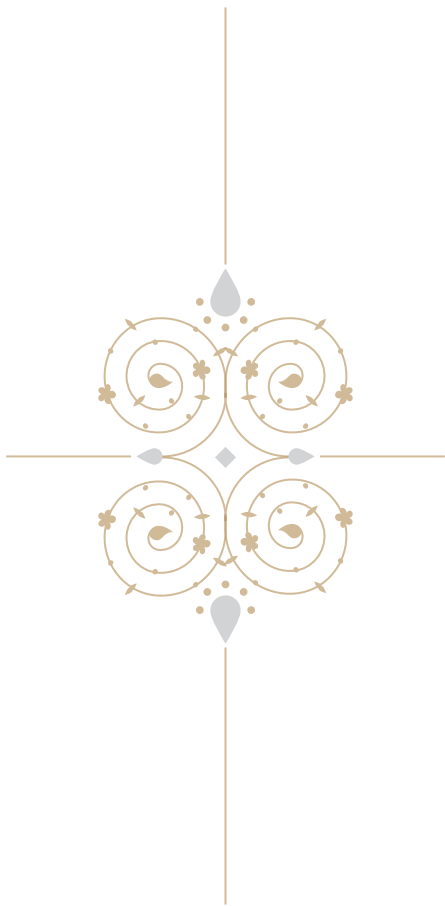
جلسه دهم

۱۸۷ **پسندم آنچه را جانان پسندد!**

- ۱۸۹ ارتباط اولیه
۱۹۰ شروع
۱۹۳ ارائه محتوا
۱۹۸ تنوع
۱۹۸ ادامه محتوا
۲۰۳ جمع بندی
۲۰۳ تکلیف
۲۰۳ دعای پایانی

۲۰۵ **کتب منتشر شده در این مجموعه**





درآمد

بِسْمِ رَبِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ
اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ
الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

باز ماه محرم رسید و توفیق نوکری برای سربازان لشکر تبیین و تبلیغ آغاز شد. حمد بی پایان خدای منان را که نعمت زندگی و خلعت بندگی و نوکری اربابمان را به ما ارزانی داشت. بوی پیراهن خونین کسی می آید. آسمان و زمین به هم می ریزد، فرشته ها کم طاقت می شوند و شیون کنان برای زیارت قبرش لحظه شماری می کنند. حال و هوای عشق حسینی که در کوچه و خیابان می پیچد، دل را روانه اشک و روضه می کند. امسال برای ارباب آستین نوکری بالا زدیم تا جرعه ای معرفت، از کوثر کثیر هدایت حسینی و زینبی بگیریم و در کام همه دوستداران و دلدادگان این خمیه و خانه بریزیم. خمیه، خمیه حسین است و خانه، خانه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. ممنون مادر این خانواده ایم که مادری را در حق ما تمام کرد. باز هم راهمان دادند،

مراقبمان بودند و نوازشمان کردند. آمده‌ایم امسال نگاهمان را عوض کنیم، دلمان را صاف کنیم و حواسمان را جمع. با خود می‌گوییم چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. ابی‌عبدالله علیه السلام همه را دعوت می‌کند؛ فرق نمی‌گذارد؛ همه را می‌خَرَد؛ دَرهَم می‌خَرَد. نگاه به قدوبالای اعمالمان نمی‌کند. با چشمِ بینای به پیدا و پنهانِ عالم، نگاهمان نمی‌کند که اگر چنین کند همه جامانده و وامانده خواهیم شد. همه را می‌خَرَد و با خود می‌برد. سفینه است دیگر؛ شمر هم که باشی لحظه آخر می‌گوید: اگر از روی سینه‌ام کنار بروی نجات می‌دهم. خودت را بیچاره نکن؛ برو.

امسال مراقبیم با چشم بد به میهمانان نگاه نکنیم؛ ما که باشیم که میهمانت را برنجانیم. زحمتش با خود شماست. با بچه‌هایتان: علی اکبر و علی اصغرتان، با نازدانه‌ها و کودکان معصوم و مظلومتان، کوچه‌به‌کوچه و خانه‌به‌خانه می‌گردید، پیدایشان می‌کنید و به میهمانی عشق دعوتشان می‌کنید؛ ما همیشه این زمزمه را باور داشتیم؛ آری! خیلی حسین زحمت ما را کشیده است.

امسال با صدای بلند فریاد می‌زنیم حسین جان! در سلم و سلامت است هر آنکه تو پناهش دادی. با صدای بلند فریاد می‌زنیم «**سَلِّمْ لِنِ سَائِكُمْ**». حسین جان! میهمان شما نور چشم ماست. با نور خودت در تاریکی هیئت، در میان اشک و روضه‌ها، جلوی پایمان را روشن می‌کنی؛ زندگی‌مان را نور می‌بخشی؛ فرق نمی‌گذاری. نور تو همه را روشن می‌کند؛ ما کار سختی نداریم؛ فقط کافیست خودمان را به تو برسانیم، فقط باید خود را در مسیر این نور خاموش نشدنی قرار دهیم. آری! ارباب، خود رسم ذره‌پروری داند.

نوکرِی مان به کجا رسید؟

اداره راهبری محتوای تبلیغی در شمع، بعد از دو ماه گفت‌وگو و تشکیل جلسات مختلف برای تعیین مسیر، سیاست‌ها و تعیین راهبردهای محتوایی سازمان تبلیغات اسلامی و بعد از پیگیری دغدغه‌ها و راهبردهای کلان معاونت محترم راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی، برنامه و مدل



راهبری خود را در محتواهای تبلیغی محرم امسال به این شکل ترسیم و تقدیم می‌کند:

جهاد تبیین، قانونی همیشگی!

قانون نانوشته، نوشته شده و پیش شرط جدی مادر مناسبت‌های تبلیغی پیش رو، اهتمام گروه‌های تولید محتوای تبلیغی، به نقشه‌های جهاد تبیین و تبعیت از شاخصه‌های یک تبلیغ جهادگونه است. شورای مرکزی شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی و هیئت نظارت و ارزیابی محتوایی سازمان تبلیغات، این اصول و شاخصه‌ها را مطمع نظر قرار داده و تولیدکنندگان محترم محتوای تبلیغی باید این شاخصه‌های جهاد تبیینی را در آثار خود مدنظر قرار دهند. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از:

۱. تبیین مفاهیم عالی اسلامی و مبانی انقلاب بارویکردی جامع (که رویکرد اجتماعی دارند)؛
۲. تبیین آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی (برای نشان دادن قله و امیدآفرینی برای حرکت روبه‌جلو)؛
۳. تبیین پیشرفت‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی (برای ازبین بردن لجن پراکنی‌ها و ایجاد حس «ما می‌توانیم»)؛
۴. تبیین روایت درست از حوادث (برای جلوگیری از تحریف و خنثی‌سازی جنگ شناختی).

کلان‌راهبردها در تولید محتوا و دو تحول در تبلیغ

ذهنیت ما در فضای تبلیغ، این است که مبلغ باید یک پیام را به مخاطب برساند. تصویر کلی ما در فضای تبلیغ، این‌طور شکل گرفته است که کدام حرف را چگونه و به کدام مخاطب برسانیم؟ سؤال اینجاست که این تبلیغ در چه ظرف و فضایی در حال شکل‌گیری است؟ ما بیش از آنکه به پیام

۱. دین بارویکرد جامع و حداکثری در دو بعد فردی و اجتماعی باید محقق شود و برای زندگی انسان حرف برای گفتن دارد.



فکر کنیم باید به ظرف انتقال پیام فکر کنیم. فضایی که در آن، پیام تبلیغی منتقل می‌شود، مهم است. در مسئله انتقال پیام، دو نکته باید مورد توجه واقع شود: اول، فضای فرستنده و دوم، فضای گیرنده پیام است. اگر بهترین محتواها با بهترین بسته‌بندی و تبلیغ در اختیار مبلغ قرار گیرد و به مخاطبین منتقل شود، اما دو تحول در فضای تبلیغی شکل نگرفته باشد، در عمل، خروجی لازم را نخواهیم گرفت.

تحول اول: نشر خوبی‌ها رویکردی ۵ ساله!

تحول اول، تحول در شنونده و مخاطب است. فضایی که ما داریم یک چیز است؛ ولی دریافت مخاطب و شنوایی او یک چیز دیگر. مخاطب لزوماً آنچه ما می‌خواهیم را نمی‌شنود. شاید این تجربه برای بسیاری از مبلغین وجود داشته باشد که گاهی ما دستاوردهای جمهوری اسلامی را بیان می‌کنیم ولی مخاطب مان برداشتی برعکس دارد. از این واکنش مخاطب می‌فهمیم که این پیام، امیدآفرین نیست. اتفاق خوبی افتاده و ما این اتفاق را مطرح کردیم؛ ولی او طور دیگری دریافت می‌کند! لزوماً قدرت خود پیام و طراحی پیام خیلی مهم نیست. اینکه مخاطب عیب‌یاب است، منفی‌یاب است، با هرچه مواجه می‌شود اول نقاط منفی را می‌بیند، مهم است. حقیقتاً تبیین برای چنین مخاطبی به مشکل می‌خورد. در نتیجه در فضای تبلیغ پیام، به آنچه که زمینه را برای انتقال پیام فراهم می‌کند باید توجه کرد.

رهبر معظم انقلاب اخیراً در دیدار مداحان فرمودند: «اشکال کار ما این است که دستور می‌دهیم، نصیحت می‌کنیم استدلال می‌آوریم، اثر نمی‌کند. چرا؟ چونکه فضای عمومی، فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. این‌ها را در فضایی انجام می‌دهیم که متناسب با پیام ما نیست؛ لذا اثر نمی‌گذارد.»^۱ باید فرهنگ‌سازی انجام شود. آن فضایی

۱. «شما باید مبارزه با طاغوت را، مبارزه با ظالم را، مبارزه با استکبار را، مبارزه با فساد را در فضای کشور منتشر کنید. اشکال کار ما در بسیاری از جاها این است که دستور می‌دهیم، نصیحت می‌کنیم، استدلال می‌کنیم، منطقی می‌آوریم، اثر نمی‌کند؛ چرا؟ برای اینکه فضای عمومی، فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. من بارها تکرار کرده‌ام «فرهنگ‌سازی»؛ فرهنگ‌سازی یعنی همین کاری که شما



که پیام ما در آن اثر می‌کند با فرهنگ‌سازی ایجاد می‌شود. ما در جامعه باید فرهنگ‌سازی کنیم. آدمی که روحیه‌اش ناامیدانه است کارش خیلی سخت است. اینکه بخواهید ظرفیت‌ها و پیشرفت‌ها را به او بدهید به تنهایی عمل نمی‌کند؛ مثلاً اگر شما پیشرفت در ساخت زیردربایی را مثال بزنید او کیفیت پرابرد را مثال می‌زند.

تا وقتی فضا را نسازیم پیام ما به خوبی سر جایش نمی‌نشیند. به صرف ارائه محتوا و اطلاعات، جواب نمی‌دهد؛ زمانی جواب می‌دهد که زمینه و آمادگی برای فرد، فراهم باشد. اگر بتوانیم صفت «دیدن خوبی‌ها» را در جامعه ایجاد کنیم، آن وقت ارائه محتوا و اطلاعات، طوری جواب می‌دهد که دیگر مدام دنبال عُرزدن نباشد. حالا باید ببینیم چطور می‌شود جامعه را به این سمت برد.

ویژگی امیدوار بودن و سرمایه‌ها را دیدن چطور در جامعه گسترش یابد؟ ما انگار تعهد نانوخته داریم که هر ضعفی که می‌بینیم را همه جا جار بزنیم تا تسکین خاطر پیدا کنیم؛ [مانند والدینی که فرزند را برای تربیت، تنبیه نمی‌کنند بلکه برای تسکین دل خودشان او را تنبیه می‌کنند]. این را با فرهنگ و تعهد دیگری باید جایگزین کرد. اینکه هر جا یک خوبی می‌بینیم آن را بیان کنیم، آن وقت در آن فضا منطق اثر می‌کند. جامعه ما باید هر امر خوبی می‌بیند نقل کند. مردم دائماً که خوبی‌ها را می‌بینند، برای همدیگر نقل کنند. این حالت اگر پرتکرار شود فضا خیلی خوب می‌شود.

می‌توانید بکنید. یکجا لازم است فضای کشور فضای استقامت در مقابل دشمن باشد، یکجا لازم است فضای هجوم به دشمن باشد، یکجا لازم است فضای پیروی از دانش و علم باشد، یک روز لازم است فضای تعقل و تدبّر باشد؛ فضا سازی باید بشود. من راجع به «خانواده» به شما گفتم، راجع به «فرزندآوری» به شما گفتم؛ نقشی که شما در این زمینه می‌توانید ایفا کنید از نقش وزارت بهداشت و سازمان بهداشت و مانند این‌ها خیلی بیشتر است. می‌توانید فضا به وجود بیاورید، می‌توانید بصیرت دهی کنید، می‌توانید امید دهی کنید. امروز می‌بینید که یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن تزریق ناامیدی است. کجا؟ در مهم‌ترین نقطه وجودی کشور، یعنی جوانان که آن‌ها را با انواع شیوه‌ها و طرق و شگردها مأیوس کنند. شما می‌توانید درست ضدّش عمل کنید، امید دهی کنید؛ شما می‌توانید در فکر و عمل هدایت کنید، منتها خوب شرط دارد.» (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام ۲۲ دی ۱۴۰۱؛ دسترسی در: <https://khl.ink/f/51746>).



صرف اینکه جریانی تبلیغی راه بیندازیم که محتواهای امیدوارکننده تولید و بیان کند، مسئله حل نمی‌شود بلکه باید توسط خود مردم این فضا ایجاد شود. با تریبون‌های دولتی و حکومتی این کار قابل انجام نیست. دشمن در جنگ شناختی در حال تغییر دادن شناخت‌هاست. به ما می‌گوید شما ناتوانید، بدبختید و روزبه‌روز بدتر می‌شوید.

نقطه‌ی تمرکز ما ارائه اطلاعات و تحلیل نیست بلکه نقطه‌ی تمرکز ما این است که انسان‌ها را به این توجه دهیم که چه مقدار مثبت‌گرا یا منفی‌گرا هستند. اگر تلاش کنیم ویژگی‌های مخاطب را تغییر دهیم موفق خواهیم بود.

«نشر خوبی‌ها» رویکردی ۵ ساله برای بازتعریف و اصلاح نگاه مردم به عرصه‌ی اجتماعی و زندگی پیرامون آن‌هاست که یکی از جدی‌ترین برکات آن، امیدآفرینی در جامعه‌ی ایرانی-اسلامی ماست. نشر خوبی‌ها، یک فرهنگ است و صرفاً یک کنش و الگوی رفتاری یا یک عملیات و پویش نیست. نشر خوبی‌ها می‌خواهد در فرهنگ، تغییر ایجاد کند و به تعبیر دقیق‌تر، یک پیش‌ران تحول فرهنگی در جامعه است.

نشر خوبی‌ها بنا دارد فرهنگ دیدن خوبی‌ها و روایت و نشر آن‌ها، همچنین قدردانی و تکریم خوبان را، در جامعه توسعه بدهد. همچنین بنا دارد برای الگوسازی از کارهای خوبی که امروزه در جامعه اولویت دارند، تلاش کند.

رویکرد نشر خوبی‌ها، وقتی کارساز و کارگشا خواهد بود که تبدیل به فرهنگ شود و بتواند دایره وسیعی از مردم را با خود همراه کند؛ به همان وزانی که عیب‌بینی و آسیب‌شناسی، در نقطه‌ی مقابل این رویکرد، تبدیل به فرهنگی شایع در میان ما شده و در مواجهه با هر انسان و هر اتفاقی، ابتدا آسیب‌ها، عیوب، آفت‌ها و چالش‌هایش برای ما جلوه‌گری می‌کند.

نمونه‌ی بارز ایجاد حاکم‌شدن ملکه زیبانگری و خوب‌اندیشی و صدور، زمزمه و تبلور این ملکه مقدس، آن‌هم در همه‌ی مراحل زندگی یک انسان را، به راحتی می‌توانیم در تاروپود زندگی حسینی و زینبی علیهم‌السلام مشاهده کنیم. یکی از شاه‌بیت‌های این غزل بی‌بدیل تاریخ بشریت که قدرت این الگوی



درخشان را بیش از پیش روشن می‌کند، کلام رازآلود و معجزه‌آسای عقیده بنی‌هاشم حضرت زینب کبری ع.ا.س. است که فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا». شاخصه و گام‌های عملیاتی این داروی کم‌نظیر، عبارت‌اند از:

۱. شناخت خوبی‌ها؛
۲. دیدن خوبی‌ها؛
۳. روایت خوبی‌ها؛
۴. قدردانی و تکریم خوبان.

ابعاد نشر خوبی‌ها

۱. شناخت خوبی‌ها (کدام خوبی‌ها، امروز ضرورت دارند؟)

در هر برهه‌ای از زمان و موقعیتی از تاریخ، بر اساس شرایط و اولویت و مسائل جبهه حق، گزاره‌هایی از معارف الهی، ضرورت و اولویت پیدا می‌کنند و باید جامعه را متوجه آن گزاره‌ها کرد. این نکته درباره صفات و ویژگی‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز صادق است؛ یعنی در برخی مقاطع، ضرورت ایجاد می‌کند تا خلقیات و صفات اجتماعی خاصی در جامعه ترویج و توسعه یابد. مثلاً گاه، غیرت دینی، اولویت می‌یابد و گاه، صبر و مصابره و گاهی سلم و مدارا. نشر خوبی‌ها، فرصتی برای گفت‌وگو درباره این امر مهم در مهندسی فرهنگی جامعه است.

۲. دیدن خوبی‌ها (در هر مواجهه‌ای، اول خوبی‌ها و دارایی‌ها را ببینیم)

آسیب‌شناسی، عیب‌یابی و ضعف‌بینی، امروز به‌عنوان یک رویکرد و یک فرهنگ، در جامعه ایران، بروز و ظهور زیادی دارد. هرکدام از ما، آسیب‌شناسانی حرفه‌ای و پرمدعا در عرصه‌های مختلف هستیم. امروز یکی از ضرورت‌های جامعه در جنگ شناختی، تغییر این منظر است. جامعه باید ذائقه خوب‌بینی پیدا کند و خوبی‌ها، دارایی‌ها و قوت‌های خود و اطراف خود را ببیند. دیدن خوبی‌ها، خودش یک فرهنگ است. فرهنگی که در تعارض با فرهنگ آسیب‌شناسی و دیدن خلأهاست. دیدن خوبی‌ها، وقتی



کارساز و کارگشا خواهد بود که تبدیل به فرهنگ عمومی شود و در متن حیات اجتماعی ما جاگیر شود؛ درست به همان وزانی که دیدن عیب‌ها در نقطهٔ مقابل این رویکرد، فرهنگی شایع در بین ماست و در مواجهه با هر انسان و هر اتفاقی، اول آسیب‌ها، عیوب، آفت‌ها و چالش‌هایش برای ما جلوه می‌کند.

اگر جامعه در نگاه به اطراف خود، فقط ضعف، کاستی و عیب و نقص ببیند، ناامید و متوقف می‌شود؛ ولی اگر سرمایه‌ها و نقاط قوت را ببیند - که عزم‌آفرین و حرکت‌زا هستند - برمی‌خیزد و پیش می‌رود.

۳. ابراز و اعلان (آنچه معتقدیم و می‌پسندیم را اعلام کنیم)

امروز، دنیای ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، به وضوح قدرت ابراز و اعلان را در ایجاد غلبه اجتماعی، نشانمان می‌دهد. وقتی یک پست در دنیای مجازی، پسندهای مکرر دریافت می‌کند و پیام‌های متعدد در تأیید خود می‌گیرد، هر بیننده‌ای، طبیعتاً نتیجه می‌گیرد که پیام کلیدی آن پست، موافقان پرشماری دارد.

یکی از مسیرها برای نشر خوبی‌ها، همین ابراز و اعلان پسندها و ناپسندهای متکثر توسط آحاد جامعه است. این فرمول، یکی از رهیافت‌ها برای اظهار حق و ازهاق باطل است. اگر عموم اهل ایمان، آنچه عقیده دارند را در صورت‌های مختلف ابراز کنند و آنچه می‌پسندند را اعلان نمایند، غلبه اجتماعی حق بر باطل شکل می‌گیرد. لذا "شعار" در فرهنگ دینی، مورد تأکید است. چرا که قالبی برای اعلان و ابراز عقاید و پسندهاست.

این فرهنگ در فضای مجازی، سیطره و سطوت می‌سازد و هر عقیده و مطلوبی که بیشتر ابراز می‌شود، قدرت بیشتری می‌یابد.

۴. دعوت به خوبی‌ها (دیگران را به خیر و خوبی دعوت کنیم)

یکی از وظایف جامعهٔ ایمانی که در قرآن کریم، در عداد امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده، دعوت به خیر است. دعوت به خیر، مفهومی بسیار



گسترده‌تر از امر به معروف و نهی از منکر است و حتی می‌توان آن را مقدمه و پیش‌نیاز دانست. امر به معروف و نهی از منکر، قالبی محدّد و چارچوبی شرعی و فقهی دارد اما دعوت به خیر، مفهومی موسّع و دارای صورت‌ها و اشکال عملی متنوعی است.

۵. روایت خوبی‌ها (خوبی‌های خوبان را برای دیگران روایت کنیم)

اینکه هرکس در متن زندگی و روابط خود، رویکرد دیدن خوبی‌ها را اتخاذ کرده باشد، هرگز کافی نیست. دیدن خوبی‌ها وقتی می‌تواند به ما قدرت ایجاد تغییر در جامعه را بدهد که به مرحله روایت خوبی‌ها برسد.

اگر مردم ما، به‌عنوان یک رسالت انسانی و تعهد اجتماعی، خوبی‌هایی که در اطراف خود می‌بینند را در قالبی ساخت یافته و آمیخته با احساس با دیگران در میان بگذارند و از تجربه خود در مواجهه با خوبان و خوبی‌هایشان، با دیگران سهیم شوند، «کلان‌روایت» خلق می‌شود و هرچه کم و کیف مشارکت عمومی در روایت خوبی‌ها بیشتر شود، این کلان‌روایت قدرت و سطوت بیشتری می‌یابد و بر احساس ناامیدی و ضعف و ناراستی جامعه، غلبه تام و تمام پیدا می‌کند.

۶. قدردانی و تکریم خوبان (خوبان را تکریم کنیم)

در نشر خوبی‌ها به دیدن و روایت خوبی‌ها بسنده نمی‌کنیم؛ حتی خوبانی که واجد خوبی‌ها هستند را مورد تکریم و قدردانی قرار می‌دهیم. به تعبیر دیگر، فرهنگ قدردانی و تکریم خوبان، بُعد مهمی از نشر خوبی‌ها و مکمل آن است که هم خوبان را در خوبی‌هایشان راسخ‌تر می‌کند و هم برای دیگران، الگوهای متعدد و قابل تکثیر می‌سازد.

امروزه فرهنگ قدردانی، در گردهمایی‌ها و مراسمات بسیاری دیده می‌شود؛ اما نباید در این اندازه محدود شد. فرهنگ نشر خوبی‌ها، می‌گوید هر کجائیت و اقدام و اثر خوبی دیدیم، همانجا از فردی که آن خوبی را خلق کرده قدردانی کنیم، یا اینکه با جمعی از افراد به محل زندگی یا موفق اثرگذاری او برویم و او را تکریم کنیم.



انسان‌ها وقتی می‌فهمند کارشان دیده شده و موردپسند و قبول دیگران واقع شده، انگیزهٔ مضاعفی برای ادامه مسیر خوب بودن می‌یابند. فرهنگ قدردانی از خوبان و خوبی‌هایشان، انرژی اجتماعی قدرتمندی برای پیشبرد جامعه در مسیر خوبی‌ها، به مردم می‌دهد.

تحول دوم: توجه به لوازم، شرایط و ابزارهای ایجاد «ولاء طرفینی» برای تقویت اتحاد و پیوندهای اجتماعی

تحول دوم، تحول در گوبنده و کنشگر است. حرف دوم که بسیار مهم هم است و ناظر به گوبنده و تبیین‌کنندگان و طیف متدینین باید موردتوجه قرارگیرد بحث ولاء و رفق و مداراست.

اعلام بی‌زاری از بی‌حجاب‌ها کار اشتباهی است. انزجار از گناه موجب شده که از خود گنهکار منجز شویم. ما باید گوهر وجودی آن‌ها را ببینیم؛ کاری که خود حضرت آقا تلاش کردند به ما منتقل کنند. باید بی‌حجاب را از فعلش تفکیک کرد. از خود او متنفر نبود بلکه از فعلش متنفر بود و گرنه احساس کینه و غضب نسبت به بی‌حجاب‌ها زیاد می‌شود و بالعکس. ابراز کینه‌ها از هر دو طرف یعنی باحجاب و بی‌حجاب زیاد می‌شود. [متأسفانه] فضای سلم، محبت واقعی، انتقال معارف و هم‌نشینی و گفت‌وگو کم است.

ایشان در عید فطر امسال از مردم خواستند که اتحاد خودشان را حفظ کنند. اینکه مردم با هم بجنگند به خاطر عقاید و سلاقی، خواست شیطان است. همه در کنار هم زندگی کنند و با هم مهربان باشند. این بغضی که درحال ایجاد و زیادشدن است وحدت را از بین می‌برد. رهبر انقلاب در همین خطبه‌ها فرمودند: این معنویتی که به دست آورده‌اید را خرج اتحاد و همدلی و خنثی‌سازی دوقطبی‌ها کنید!

۱. «از مردم عزیزمان هم انتظار می‌رود که به برکت ماه مبارک رمضان و دستاوردهای بزرگی که در این ماه داشتند، اتحاد خودشان را حفظ کنند. بحمدالله از اوّل انقلاب که امام بزرگوار در کلمات نورانی خود به طور دائم بر روی وحدت مردم، اتحاد مردم تکیه میکرد، مردم ما متحد بوده‌اند و این اتحاد در موارد بسیاری توانست راه‌های دشواری را، تنگه‌های سختی را برای مردم باز کند و راهگشای راه‌ها باشد؛ این اتحاد باید حفظ بشود. دشمن با اتحاد ملت ایران مخالف است؛ با یکپارچگی شما مخالف است؛ با یکدست بودن



با مردم اهل شفقت باشیم؛ اهل دوستی باشیم. اگر می‌خواهیم فضا برای انتقال پیام، مناسب شود، این تحول در مبلّغ و کنشگر ضروری است. ما امروز به‌واسطهٔ افزایش بغض و غضب، امکان دسترسی به مردم را از دست داده‌ایم. در روایت داریم که «قلبیت را پر از محبت به مردم کن.»^۱ ماه محرم یکی از بهترین فرصت‌ها برای ایجاد تحول دوم است. می‌توانیم این گفت‌وگو را با مردم مطرح کنیم که «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَ» همین معنا را می‌رساند. این سلم در بین دوستان حسین علیه السلام موقعیت مناسبی ایجاد کرده است که باید از این فرصت استفاده کرد؛ ولی اگر این برائت زیاد شود نمی‌توانیم کاری کنیم و فرصت تأثیرگذاری را از دست می‌دهیم.

باید اعلام کنیم که ما مشکلات و اختلاف‌هایمان را در خیمه امام حسین علیه السلام حل کرده‌ایم. «مُحِبِّ لِمَنْ أَحَبَّكُمْ»، «وَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاكُمْ» و «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَ وَحَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَكَ»، یعنی محرم بهترین فرصت است که قلبمان را مالا مال از محبت همدیگر کنیم. این پیام را به جامعه منتقل کنیم که برای حل مشکلات، محبت واقعی نسبت به مردم را در خودمان ایجاد کنیم. ما نسبت به گنهکار محبت داریم ولی از گناه او بیزاریم. پس اتحاد مردم، نتیجهٔ آن تحول دوم است و ما برای محرم امسال توجه به این اتحاد را در محتوای‌های تبلیغی ضروری می‌دانیم. جدای از اینکه برای چه مسئله‌ای و در مورد چه موضوعی صحبت خواهیم کرد، باید به‌صورت موضوعی به مسئلهٔ اتحاد بپردازیم و اگر به موضوع دیگری در محرم می‌پردازیم، توجه به این بحث به‌صورت یک راهبرد محتوایی، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

ملت مخالف است. دشمن مایل است که مردم به خاطر عقاید و سلايق مختلف با هم بجنگند، با هم دعوا کنند. در یک جامعه، سلايق مختلفی هست، عقايد مختلفی هست، نگاه‌های مختلفی به مسائل هست؛ باشد، مانعی ندارد؛ همه در کنار هم زندگی کنند، با هم کار کنند، با هم مهربانی کنند؛ رأفت میان مردم، بایستی و سوسه‌های دشمن را برای بدبین کردن مردم به یکدیگر یا بدبین کردن مردم به مسئولان زحمت‌کش کشور باطل کرد.» (بیانات در خطبه‌های عید فطر ۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، دسترسی در: <https://khl.ink/f/52602>).

۱. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر فرمودند: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لِمَنْ وَالَ الطُّفَّ بِهَمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَمُّ أَعْيُنُهُمْ؛ دلت را از محبت به مردم و مهربانی و لطف در حق آنها پر گردان. مبادا مانند حیوان درنده در فکر دریدن آنان باشی...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).



خروجی این دو تحول که حتماً احتیاج به گذر زمان و پیگیری و ممارست دارد، تقویت امید به آینده و زندگی بهتر در سایهٔ دین و اهل بیت علیهم السلام است و باعث افزایش اتحاد و اتصال بین آحاد جامعه شده و اختلاف‌ها را کم‌رنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌کند و اتحاد جامعهٔ اسلامی را روزبه‌روز بیشتر خواهد کرد؛ ان شاء الله.

فعال‌ترین گسل در محرم امسال

حضرت آقا در دیدار روز اول فروردین اشاره فرمودند که یک‌جاهایی باید اغماض و چشم‌پوشی کرد تا دوقطبی ایجاد نشود.^۱ مسئله این است که گسل‌هایی در جامعه ایجاد شده و در حال تبدیل شدن به دوقطبی است. یکی از اصلی‌ترین محمل‌های این دوقطبی، حجاب است. از جسارت‌ها و اهانت‌های برنامه‌ریزی شده علیه بانوان محجبه گرفته تا ماست‌پاشی‌های افراطی و بدون مجوز عقل و شرع، همه در همین راستا هستند تا همدلی و اتحاد و همنشینی مؤمنین و مسلمانان و عاشقان و دوستداران سید و سالار شهیدان را خدشه‌دار کنند و نگذارند از قبل این گردهمایی‌های نورانی و تحول‌آفرین، دل و دین و دنیای ما جلا پیدا کرده و به این چشمهٔ پاک‌کننده و حیات‌بخش متصل شود. جامعه در دوقطبی با حجاب و بی‌حجاب دارد نفرت و کینه را بیشتر بروز می‌دهد و فاصلهٔ بین مردم زیادتر می‌شود. بی‌حجاب‌ها در برنامه‌ها و گردهمایی‌های عمومی شرکت نمی‌کنند و آن‌ها را تحریم کرده‌اند. این زنگ خطر بزرگی است. گسل‌هایی در حال فعال شدن است که باید به صورت جدی به آن توجه کرد. مسئله مهم، تقابل و صف‌آرایی است. امسال حتماً باید به مسئله پوشش و این درگیری کاذب پردازیم و آن را به نفع جبههٔ انقلاب و

۱. «یک‌جاهایی اغماض و گذشت لازم است، [اما] گذشت نمی‌کنیم. سربک اختلاف نظر کوچک، یقه‌ی همدیگر را می‌گیریم؛ چرا؟ ممکن است دو نفر در یک مسئله‌ای - مثلاً در یک مسئله‌ی سیاسی - اختلاف نظر داشته باشند؛ خوب داشته باشند؛ چرا باید با هم دعوا کنند؟ چرا باید یقه‌ی همدیگر را بگیرند؟ چرا باید دوقطبی در جامعه ایجاد بشود؟ باید اغماض کرد. یک‌جاهایی بایستی چشم‌پوشی کرد، باید اغماض کرد. این هم یکی از مشکلات ما است.» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی فروردین ۱۴۰۲؛ دسترسی در: <https://khl.inl/f/52275>).



مکتب امام حسین علیه السلام مصادره کنیم تا موج سواران خائن، از این فرصت و شکاف استفاده نکرده و آن را تبدیل به یک گسل اجتماعی در جامعه ایرانی و اسلامی نکنند. پرداختن به مسئله حجاب، از باب ضرورت و برای آرام کردن آتشفشان نهفته و نیمه‌فعالی است که دشمن با مرگ مهسا امینی طراحی آن را وارد مرحله جدیدی کرد و الان برای بهم زدن آرامش و امنیت حسینی و سلیم جوشیده در سایه خیمه سیدالشهدا علیه السلام به انتظار نشسته است. پرداختن به این مسئله به معنای بی‌اهمیت بودن مسئله اقتصاد، جمعیت، خانواده و دیگر مسائل مورد عنایت رهبری نبوده و ما در محتوای تبلیغی گذشته به آن توجه کرده‌ایم و باز هم در محتوای‌های محرم به آن‌ها خواهیم پرداخت؛ اما این گسل‌شناسی و پرداخت به این گسل نیمه‌فعال را برای خود فرض می‌دانیم و شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی را به پرداختن به همین مسئله مهم اجتماعی دعوت می‌کنیم.

توجه به این موضوع از این جهت ضرورت دارد که با ایجاد گسل‌های اجتماعی - که گاهی برخی از آن‌ها فعال شده - [در حقیقت] به یک اصل بسیار حیاتی و کلیدی در حکومت اسلامی، که عبارت است از «ولاء طرفینی در میان مردم» لطمه وارد می‌شود. این شاخصه «ولاء طرفینی در میان مردم» شاخصه‌ای مهم در چرخه ولایت الهی است که زمینه را برای تحقق ولایت ولی جامعه بر مردم فراهم می‌کند. اگر ولاء طرفینی و رفق و مدارا و محبت بین مردم به خطر بیفتد، امیرالمؤمنین علیه السلام هم که باشد باید ۲۵ سال خانه‌نشین باشد تا مردم به هم متصل شده و ملت و امت را تشکیل دهند تا بیعت با ولایت معنا پیدا کند.

«ولاء طرفینی» و آسیب‌های پیش‌روی آن^۱

ما باید حرف نو انقلاب اسلامی را در مسائل مهم فرهنگی دنبال کنیم. حرف نو انقلاب اسلامی چیست؟ بهترین جایی که می‌شود این اندیشه را فهمید،

۱. حجت الاسلام محسن قنبریان (استاد حوزه و دانشگاه و پژوهشگر)



بیانات خود آقااست که ۳۵ فیش در سایت ایشان تحت عنوان «حرف نو انقلاب اسلامی» آمده است. وقتی گفتیم حرف نو انقلاب اسلامی، پس دو مقابل و معارض دارد: یکی روشنفکری و تجدد و دیگری تحجر و سلفی‌گری. انقلاب، مقابل این دو است و امام بزرگوار هم تا آخر مقابل همین‌ها بود.^۱

الان بین جهادگران جهاد تبیین با مطالبه‌گران، جنگ در جریان است. توجه به این نقشه و نصب‌العین قرارداد آن، به برخی از ماموریت‌هایی که در میدان بچه‌های انقلابی بر سرش جنگ است، نظم می‌دهد. آن اندیشه و حرف نو، مابازاءهایی دارد که اگر آن‌ها را نشناسیم، در خط انحرافی سقوط می‌کنیم که آن دیگری‌ها یا تجدد است یا تحجر. این مابازاءها خیلی مهم هستند. به نظر می‌رسد اگر به این ویژگی‌های جداکننده توجه نشود، در مسائلی مثل امتدادهای فرهنگی و گفتمانی و تبلیغی نمی‌توانیم خط‌کش بگذاریم که آیا الان داریم محصول انقلاب اسلامی را سر منبر می‌بریم یا اندیشه دیگری را؛ چون این اندیشه‌ها خیلی به هم نزدیکند؛ مخصوصاً انقلابی‌هایی که حرف نو دارند با اندیشه تحجر در یک حجره زندگی می‌کنند و در یکجا استنشاق می‌کنند و مسئله‌هایشان هم خیلی مشترک است؛ ما می‌گوییم «حجاب» او هم می‌گوید «حجاب»، ما می‌گوییم «حکومت» او هم می‌گوید «حکومت» ما می‌گوییم «حدود» او هم می‌گوید «حدود».

یکی از حرف‌های نو انقلاب اسلامی «توحید و کرامت انسان» است. اگر این مابازاء نیاید بقیه هم قاطی می‌شوند. کرامت انسان به تنهایی شعار متجددین و روشنفکرها شده است. آن‌ها توحید را حذف کرده‌اند و عملاً مثل قائلین به اومانیزم عمل می‌کنند؛ چون وقتی استمرار توحید نیامد به نوعی پذیرش سکولاریسم است. توحید نیز به تنهایی شعار متحجرین شده است. آن‌ها کرامت انسان را حذف کرده‌اند؛ به همین خاطر، طالبان نه رأی می‌گیرد و نه قانون اساسی دارد. داعش هم می‌گوید «توحید» اما توحید واقعی نیست.

۱. در برخی موارد ادبیات آقا و امام متفاوت شده است مثلاً حضرت آقا در برخی از سخنرانی‌های رحلت امام مثلاً تحجر را به نحوه‌های دیگری خوانده است اما اصل ماجرا یکسان است و هر دو در یک خط هستند.



از دیگر حرف‌های نوی که آقا می‌فرمایند، «ولایت و مردم»، «اسلام و جمهوریت»، «مردم سالاری دینی» و... است. این چیزهایی که ظاهراً پارادوکس هستند را در کنار هم می‌شنوید. آقا بایک بیان صریحی فرمودند که خلاصهٔ جمهوری اسلامی، خدا و مردم است. ما نمی‌خواهیم ثبوتاً خدا و مردم را در کنار هم بگذاریم؛ اصلاً سخن در اثبات است؛ یعنی وقتی از خدا خواهش می‌کنی، اگر «مردم» در آن وجود ندارد، این آن توحید پیامبر اسلام نیست.

پس توجه به این مابازها و ویژگی‌های جداکننده و توجه به آن دیگری‌ها مهم است و مثل مقدمه و پیش‌درآمد می‌ماند. حالا با توجه به این دو مورد، مسئله را سرمیز می‌گذاریم.

مسئله حجاب، مثالی جدی، پیش‌روی هیئت‌ها در محرم و معجزه «ولاء طرفینی» برای حفظ و تقویت اتحاد و پیوندهای اجتماعی

در بحث حجاب باید چند اصل اندیشه‌ای را وسط بگذاریم (مثل قانون اساسی که بالادست قانون عادی می‌نشیند. بالاتر از این لایه و بالاتر از آن کنش، یک اصولی وجود دارد که این کنش‌ها در آن اصول، یک معنا و بدون آن اصول معنای دیگری دارند)؛ یکی از آن اصول مهم، ولاء طرفینی و ولاء اجتماعی است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در آخر کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، در فصل ولایت معتقدند: «ولاء» یعنی پیوستگی، چسبندگی، کنار هم بودن و هیچ فاصله‌ای نداشتن. ایشان به‌طور واضح و روشن، ولایت را دارای سه رکن می‌دانند:

۱. ولاء مردم با هم؛

۲. پیوستگی مردم با ولی؛

۳. گسستگی آن‌ها از دشمن.

مرحوم علامه شاه‌آبادی در کتاب «شذرات‌المعارف» همین را تعبیر کرده است به «خیط نبوت و ولایت» و «خیط اخوت» که حالت طولی و عرضی



دارد. ولاء حاکم، ولاء خداست که بر مردم حکومت دارد ولی مردم بر او حکومت ندارند. علامه طباطبایی ذیل آیات مربوطه، همین مطلب را گفته و علامه مطهری نیز در کتاب «روحانیت و رهبری» همین مطلب را دارند؛ یعنی تقریباً در کلمات همه آمده است و فرقی فقط اجمال و تفصیل است. «ولاء اجتماعی» و «ولاء طرفینی» جامعه‌سازی می‌کند و «ولاء طولی» حکومت‌سازی؛ یعنی اگر ولاء عمومی و اجتماعی آسیب دید جامعه دچار غسل و شکاف می‌شود و بدون شک «ولاء طولی» هم آسیب می‌بیند. آیت‌الله شاه‌آبادی این را توضیح داده است و تعبیری نزدیک به این دارد که در «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ»، «ولئ» معصوم است؛ او مثل نگین انگشتر است و باید یک رکابی باشد تا نگین بر آن قرار بگیرد. اگر خیط اخوت تشکیل نشود خیط نبوت در هواست. اگر پود نباشد حتی اگر تار باشد باز هم فایده‌ای ندارد و درهم‌تنیده نمی‌شوند.

پیامبر خدا ﷺ وقتی به مدینه مهاجرت کردند اولین کاری که انجام دادند اخوت بین «اوس» و «خزرج» و بعد بین مهاجر و انصار بود تا حاکمیت اسلام تثبیت شد؛ یعنی اول جامعه‌سازی کردند و بعد حکومت تشکیل دادند.

«ولاء» و «اسلم» چه افرادی را شامل می‌شود و چه مرزی دارد؟

حالا محدوده این «ولاء» بین مردم تا کجاست؟ محدوده این ولاء تا مستضعفین در زمین است؛ یعنی فقط کافر و آن کسی که جحود دارد از این ولایت بیرون است؛ حتی آن مستضعفی که امام را نشناخته است را هم شامل می‌شود؛ به دلیل روایت صحیح عمر بن عوام از امام صادق علیه‌السلام که فرمودند: «آن مستضعفین فکری، هم اهل ولایت هستند، اما در حد مناکحه و موارثه و مخالطه، ولی ولایت در دین ندارند». امثال این‌ها جزء جامعه ما هستند ولی ولایت در دین ندارند.

ولاء، سکه دورواست!

این ولاء یک سکه دورواست که یک روی آن در سوره انفال آیه ۷۲ بیان شده و روی دیگرش در آیه ۷۱ سوره توبه.



در سوره مبارکه انفال یک روی سکه را می‌گویند که عبارت است از: نصرت دادن، حامی شدن و انجام خدمات. ولاء یعنی شخصی که برادر توست مثل پیکر توست که باید به آن خدمت کنی و اگر گرسنه خوابیدی، تو مسلمان نیستی. شارع مقدس ۳۰ حق برای برادر مؤمن گفته است که در همه این‌ها مؤمن ظاهری منظور است، نه مؤمنی مثل سلمان. این ولاء موجب تصحیح عمومی می‌شود؛ «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». لذا شیخ محمد سند از این ولاء به ولایت توأسی تعبیر می‌کند؛ «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ».

نکته این است که این اصل، راه حل مسئله امر به معروف و نهی از منکر است؛ یعنی اگر این ولاء طرفینی از بین رفت امر به معروف قاعدتاً از بین می‌رود. آن چیزی که خدای متعال تعبیر کرده است که «مَصْلِحَتاً لِلْعَوَامِّ» و ۸۰ درصد آن با نهی از منکر لسانی است، از کار می‌افتد و به طور طبیعی اگر نهی از منکر لسانی از کار افتاد همه کارها گردن قوه قهریه می‌افتد و این همان وضعی می‌شود که ما الان گرفتار آن هستیم. ولاء اجتماعی باید احیا شود. این یک اصل است که در کلمات همه بزرگان هست، هم به صورت مصرح و هم به صورت غیرمصرح؛ مثل تعبیری که رهبری دارند مانند «انسجام اجتماعی» و «وحدت و همدلی» و امثال این‌ها که پرتکرار هم است. همین ماه‌هایی که گرفتار غسل حجاب هستیم، هر جا در مورد حجاب مطلبی را فرموده‌اند، وحدت و همدلی و زیست مهربانانه را هم بیان کرده‌اند.

روش‌های حل مسائل فرهنگی از دریچه امر به معروف و نهی از منکر (پند و بند و تدبیر)

اگر نظریه مبنا داشته باشیم می‌توانیم بر اساس آن‌ها نظریه‌پردازی کنیم و روش‌ها را به دست آوریم. شهید مطهری در کتاب «امر به معروف» می‌گوید: روش «پند و بند و تدبیر» راه حل مسئله است. همین، در جامعه حزب‌اللهی ما، دوگانه خوانده می‌شود. در جامعه نخبگانی و روحانی ما این، دوگانه شده است. اینکه می‌بینید دوستان حزب‌اللهی نسبت به



کار فرهنگی شرطی شده‌اند و کار فرهنگی را قسیم کار قضایی گرفته‌اند و همین‌که می‌گویی کار فرهنگی، عصبانی می‌شوند که آقا! تو می‌خواهی برخورد قضایی را کم‌رنگ کنی، این دوگانه نیست بلکه سه‌گانه است:

۱. «بند» همان کار فرهنگی و تبیینی و امثال این‌هاست؛

۲. «بند» مقابله قانونی است. ما در مقابل کسی که می‌گوید هیچ الزام و تعزیری در اسلام در مورد حجاب وجود ندارد می‌گوییم در این زمینه تعزیر و حکم الزامی وجود دارد؛ چون ما اسلام سیاسی را پذیرفته‌ایم و اسلام سیاسی در ارزش‌ها نیز مداخله می‌کند و حتی ممکن است یک جاهایی به حد و تعزیر هم برسد پس «بند» هم داریم؛

۳. «تدبیر» هم سومی است.

اگر گفتیم «ولاء طرفینی» پشت دست امر به معروف و نهی از منکر است و اگر ولاء طرفینی نباشد هیچ تأثیر لسانی‌ای صورت نمی‌گیرد و شارع مقدس ۸۰ درصد بار امر به معروف را در تذکر لسانی قرار داده است، پس باید این را احیا کنیم.

بنابراین شما نه فقط محصول تبلیغی برای حجاب یا امر به معروف بنویسید بلکه برای خود این همدلی و انسجام هم باید محصول تولید شود؛ اما به صورت مقید. نه این همدلی می‌خواهد توصیه‌ها را حذف کند - که این خواسته متجددین است و می‌گویند با هم برادر باشید ولی کاری به هم نداشته باشید که دیگری چگونه می‌خواهد زندگی بکند - و نه خوانش برخی از دوستان حزب‌اللهی که به علت هم‌حجره بودن با برخی متحجرین اصلاً همدلی را بر نمی‌تابند و کسی را که کشف حجاب کرده را دشمن و برانداز می‌دانند. اصلاً فرض کنیم این‌ها برانداز هستند - درحالی‌که برخی این‌گونه نیستند - این‌ها مثل تیراندازهای میدان ژاله در زمان امام رحمة الله علیه هستند که آدم‌ها را می‌کشتند. امام با تفنگ‌دار میدان ژاله متفاوت از تفنگ‌دار شلمچه برخورد کرد. او بعثی بود و این ایرانی. امام رحمة الله علیه کاری کرد که او از سربازخانه خارج شود و به سمت ما بیاید. اصلاً به قول برخی، لباس



بد پوشیدن هم نوعی براندازی است، ولی به هر حال براندازی که خارج از مرز است و آن براندازی که داخل مرز است نوعش و روش خلع سلاحش با هم تفاوت دارد.

دو کار اساسی برای انتقال پیام

باید اولاً ظرف را فراهم کنیم. پیام، آن وقتی شنیده می‌شود که ظرفش فراهم شود. اینکه ما صرفاً در فضای مجازی یا در هیئات مطالبی را بگوییم و او نشنود و ارتباط نگیرد که فایده‌ای ندارد. باید از انواع روش‌هایی که می‌شود گفت و گو کرد استفاده شود. مثلاً آتاقی طراحی شود و پدیده‌هایی که ثبوتاً و لاء اجتماعی را بیان می‌کند یا ظرفیت روایت و لاء اجتماعی یا همدلی را دارد را بسازیم و آن‌هایی که ساخته شده است را خوب روایت کنیم. این یکی از وظایف اصلی ماست.

کار دوم ما برای حل این مسئله مربوط به پیام‌هایی است که می‌خواهیم به این ظرف انتقال بدهیم. اولین اتفاقی که باید در این عرصه رقم بزنیم این است که دعوای بین خودمان را جمع کنیم و با هم متحد شویم.

بحث بعدی، در مورد محتواهای تاریخی و آیه و روایی است که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. در روایت صحیح، ریان بن سهل از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که عده‌ای از اهل بیت امام رضا علیه السلام به خراسان آمدند. به امام رضا علیه السلام اطلاع دادند که این افراد امور قبیحه‌ای انجام می‌دهند، این‌ها را نهی کنید. حضرت فرمودند که من این‌ها را نهی نمی‌کنم زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: «النصیحةُ خشنهٌ» یعنی نصیحت تیزی‌ای دارد که موجب درگیری می‌شود و طرف نمی‌پذیرد. امام رضا علیه السلام که این قدر در مورد امر به معروف روایت دارد قطعاً نمی‌خواهد حکم امر به معروف را نقض کند. اگر دقت کنیم می‌بینیم که اینجا و لاء آسیب دیده است و آسیب می‌بیند. به فضای آن زمان که نگاه می‌کنیم می‌بینیم و لاء آسیب دیده است؛ مثلاً وقتی امام جواد علیه السلام به دنیا آمده مردم می‌گویند بچه‌ی امام رضا علیه السلام نیست، بر سر ارث و میراث با برادران ایشان اختلاف پیش آمد؛ لذا در این فضایی که



ولاء آسیب دیده است حضرت می فرماید: «النَّصِيحَةُ خَشْيَةٌ». سیره ایشان را که نگاه می کنیم می بینیم که ایشان ولاء را ترمیم کرده است؛ همان جایی که بر اثر اختلاف بر سر ارث با برادر خود به دادگاه می رود، به او می گوید: من می دانم تو نیازمند هستی و من همه بدهی تو را می دهم.

از این گونه موارد در سیره معصومین عليهم السلام زیاد است. فی الحال پیام و دّ به جامعه بده و بعد نهی از منکر هم بکن؛ اما وقتی که می بینیم بین افراد، یک گارد و مقاومتی هست در اینجا نمی شود نهی از منکر کرد و اثر هم ندارد.

«هم قلم» جریانی برای صحنه گردانی تریبون و تبلیغ!

ما، تولیدکنندگان محتوای تبلیغی را به مثابه فرماندهان و بخشی از صحنه گردانان تریبون های نظام مقدس جمهوری اسلامی و اثرگذاران بر منبر و تبلیغ می دانیم. قدرت تولیدکنندگان محتوای تبلیغی برای درهم تنیدن این مسائل و موضوعات پیرامون آن ها برای طراحی موضوعی جذاب و سناریویی اثرگذار از دل کربلا و عاشورا را ارج نهاده و مورد مباحثات خود قرار می دهیم. تولید محتواهای تبلیغی مورد علاقه و صدالبته مورد نیاز مخاطب است و اثرگذار بر جان و جهان او را در توان و تخصص شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی (هم قلم) می دانیم و به انتظار محصولات تبلیغی ارزشمند در همه مناسبت های تبلیغی خواهیم نشست.

ایجاد رویکرد «نشر خوبی ها» در مخاطب و شاخص قرارداد «ولاء طرفینی» و محبت و اتحاد با شعار «سَلِّمْ لِمَنْ سَلَّمَ» در گوینده و کنشگران میدان دینداری برای ما بسیار مهم است. ما این دو تحول را برای ایجاد انگیزه و تغییر در دنیای تبلیغ، از اثرگذارترین موتورهای پیشران در تحقق جهاد تبیین و تبلیغ مؤثر، برای رسیدن به اهداف والای ایران قوی و جمهوری اسلامی می دانیم.



قدرشناسیم

مجموعه حاضر با تلاش شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی تألیف شده است. بر خود لازم می‌دانیم از تمام عزیزانی که ما را در طراحی و تعیین راهبردها و مسئله مهم محرم امسال یاری رساندند، صمیمانه قدردانی کنیم: حجج اسلام: محسن قنبریان، علی اصغر سهرابی، محمد جنتی‌محب، علیرضا پناهیان، و شورای مرکزی شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی.

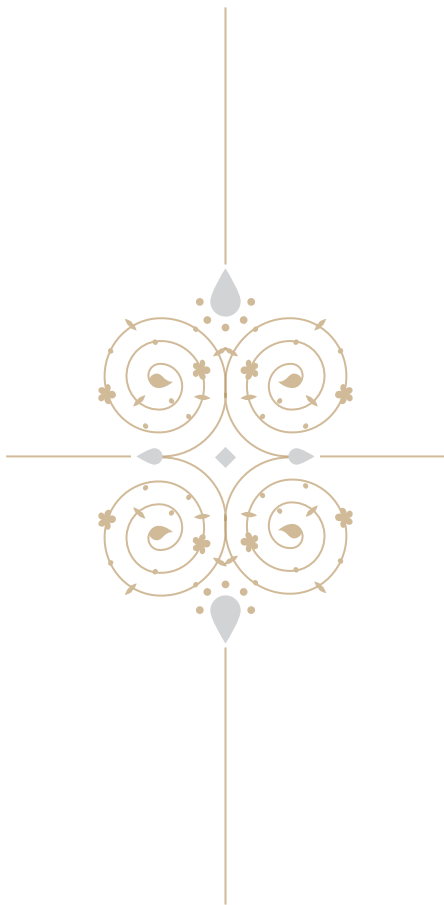
وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ

رضازندوکیلی

مدیراداره راهبری محتوای تبلیغی

شمع (شبکه مبلغان و عملیات‌های تبلیغی)







مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی، رسیدن به تمدن نوین اسلامی آخرین مرحله‌ای است که انقلاب به دنبال آن است. تحقق تمدن اسلامی متوقف بر تشکیل جامعه اسلامی است و جامعه اسلامی به معنای تحقق ولایت الهی در آن جامعه است که مهم‌ترین لازمه آن، تحقق ولایت بین مردم است و بعد هم ارتباط مردم با ولی جامعه. رهبر معظم انقلاب ولایت بین مؤمنان را این‌گونه تعریف می‌کنند: اتصال شدید یک عده از مردم که دارای فکر واحد و راه واحد هستند و برای رسیدن به مقصد، در حرکت و تلاش‌اند و مرزبندی خود را با دشمن مشخص کرده‌اند، برای اینکه هضم نشوند. طبق این بیان، نقطه مرکزی ولایت، آن اتصال شدید است که چند ویژگی دارد، به طوری که اگر این اتصال بین مردم از بین برود، آن ولایت الهی زمینه تحقق خود در جامعه را از دست می‌دهد. ولایت مانند آن نگین انگشتری است که اگر اتصال رکاب آن از بین برود، آن نگین نمی‌تواند بر جای خودش قرار بگیرد.

با این نگاه (توقف اعمال ولایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر تحقق ولایت بین



مؤمنان)، اتحاد و اتصال و پیوستگی مردم خط قرمزی است که نباید از آن عبور کرد، باید عوامل آن را شناخت و موانعش را برطرف ساخت.

اتصال بین مردم از اموری ناشی می‌شود مثل رفق و مدارا با دیگران، برآوردن نیازها، سعه صدر داشتن در مقابل خطای آن‌ها و از همه این‌ها مهم‌تر، خدمات اجتماعی که نشانه همدلی و هم‌دردی و خیرخواهی برای دیگران است. باید از عواملی که این اتصال را به هم می‌زند، دوری کرد؛ چه عوامل درونی باشد مانند حسادت، غرور، تکبر، نداشتن سعه صدر، کینه، اختلاف و امثال آن و چه عوامل بیرونی مانند تفاوت‌های قومیتی، اختلاف طبقاتی، فقر و ثروت، چپ و راست و امثال آن.

و باید به چالش‌های فکری در این زمینه پاسخ داد: آیا با منکر مماشات می‌کنیم؟ آیا از امر به معروف عقب نشسته‌ایم؟

پرداختن به سیره اهل بیت علیهم‌السلام، هم شناخت صحیحی از عوامل و موانع این اتصال به ما می‌دهد و هم چالش‌های ذهنی را به بهترین وجه پاسخ خواهد داد.

تمام تلاش اهل بیت علیهم‌السلام درباره مردم، برطرف کردن گره‌های ذهنی آن‌ها و جلب قلوب آن‌ها برای جبهه حق بوده است. برای نمونه، به این دو روایت درباره سیدالشهدا علیه‌السلام توجه کنیم که هم به بُعد عاطفی و هم به بُعد معرفتی اشاره می‌کند:

روایت اول: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا.» یعنی نحوه شهادت سیدالشهدا علیه‌السلام چنان در لایه‌های عاطفی انسان اثر کرده است که هیچ‌گاه از بین نمی‌رود. شهادت فرزند خردسال حضرت، نحوه شهادت علمدار او و اسارت خاندان ایشان چنان غیرت را به جوش می‌آورد که هیچ‌گاه انسان دچار بی‌اعتنایی در مقابل ظلم نمی‌شود.

روایت دوم: در زیارت اربعین آمده است: «وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيِّرَةَ الصَّلَاةِ.» (خون دل خودش را داد تا بندگان را از گمراهی و حیرت نجات دهد.) خون علی‌اصغر علیه‌السلام ریخته شد تا برای



همیشه سند حقانیت حسین علیه السلام و نشان‌دهندهٔ ظلمت چهرهٔ باطل باشد.

حتی گاهی اثرگذاری سیرهٔ عملی بیش از بیان است. امام مجتبی علیه السلام با مهربانی، مرد شامی را تغییر دادند. نگاه اهل بیت علیهم السلام به خطای مؤمن این بوده که باید از فعل او تبری جست، نه از فاعل. این نگاه باعث می‌شود با تمام خیرخواهی، برای رفع عیب مؤمن تلاش کنیم. از فعل او نهی می‌کنیم؛ ولی اتصال خود با او را نیز تقویت می‌کنیم. امر به معروف می‌کنیم تا او را به جبههٔ حق متصل کنیم، نه اینکه موجب جدایی او از این جبهه شویم.

بنابراین به هم‌پیوستگی مؤمنان در جامعهٔ اسلامی و نیز اتصال آن‌ها به امام جامعه، از کلان‌ترین و مهم‌ترین و راهبردی‌ترین مسائل جامعه است. این پیوستگی مؤمنان را به پیکر واحد تبدیل می‌کند که به وسیلهٔ آن‌ها امت اسلامی تشکیل می‌شود و جامعهٔ اسلامی به وجود می‌آید. در این میان، آن عنصری که مایهٔ اتصال و ارتباط بوده و از طرفی نقش حیات‌بخش برای تحقق و لاء طرفینی بین مؤمنان دارد و از طرف دیگر، در اتصال مؤمنان با امام جامعه نقش ایفا می‌کند، عبارت است از حلقه‌های میانی و میدان‌داران پیوستگی امت با هم و با امام. حلقهٔ میانی در واقع همان میان‌دار و میدان‌دار ایستاده در میانهٔ میدان است که با نقش‌آفرینی خود، مانع از هم‌گسستگی مؤمنان از یکدیگر و نیز از امام جامعه می‌شود و با ترویج گفتمان وحدت و ایجاد یکپارچگی، زمینهٔ نصرت امام را فراهم می‌سازد. با میان‌داری حلقه‌های میانی، انسجام اجتماعی و حرکت عمومی که لازمهٔ قطعی تمدن‌سازی است، به بهترین شکل خود محقق می‌شود.

با توجه به حساسیت و اهمیت مسئلهٔ و لاء طرفینی در همهٔ عصرها و زمان‌ها، ایدهٔ «میان‌دار»، گفتمان و لاء طرفینی مؤمنان با یکدیگر را به مخاطب هیئتی با ادبیات خود هیئتی‌ها به راحتی منتقل می‌کند و حتی قابلیت آن را دارد که به عنوان سخت‌افزار اصلی حرکت عمومی در جامعه نقش ایفا کند؛ چراکه هم حلقهٔ اتصال مؤمنان با همدیگر است و هم حلقهٔ اتصال امام و مؤمنان است و نیز به لحاظ موضوعی و گفتمانی هم، مطالبهٔ



مد نظر امام امت و نیاز جامعه را به راحتی برای اقشار مختلف به ویژه برای مخاطب هیئتی که بخش اعظمی از جامعه ایرانی اسلامی را تشکیل می دهند، به گفتمان و در نهایت به جریان تبدیل می کند.

ایده «میان دار» برگرفته از بیانیه گام دوم انقلاب است، آنجا که رهبر معظم انقلاب به نقش میدان داری جوانان اشاره می کند: «انقلاب... آن گاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد. روحیه و باور ما می توانیم را به همگان منتقل کرد. به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این، منشأ برکات بزرگ شد.»

از آنجا که توسعه اجتماعات مذهبی اصلی اساسی برای ارتباط و دوستی متدینان با یکدیگر و موجب حفظ رشته اخوت است، ایده فوق، گفتمان «نصرت ولی» و نیز تقویت گفتمان «ولاء طرفینی مؤمنان» را با ادبیات گفتاری مخاطب هیئتی ترویج می کند. لذا سه کلیدواژه «امام، میدان دار و مردم» با سه کلیدواژه مشهور هیئتی ها یعنی «مداح، میان دار و سینه زن ها» مقایسه می شود و با تبیین وجوه شباهت این کلیدواژه ها و نیز مفاهیم و راهبردها و راهکارهای عملیاتی برآمده از آن ها، گفتمان «ولاء طرفینی» را تقویت می کند.

والسلام علی من اتبع الهدی.
مؤسسه تخصصی امیربیان

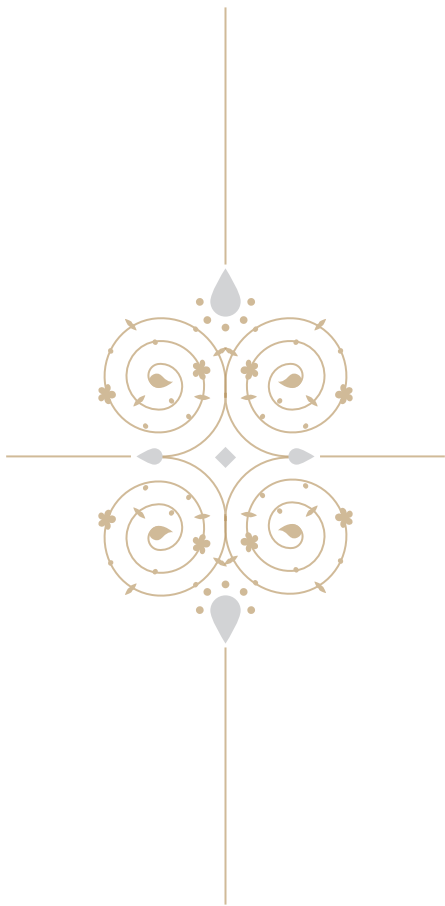
این اثر ناقابل پیشکشی است به محضر میان دار حقیقی
امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای عَلَيْهِ السَّلَامُ



جلسه اول

میاندار!

بررسی ابعاد مختلف میاندار در هیئت



ارتباط اولیه

به نام خدای محرم
به نام خدای شهیدان
به نام خداوند گریه
به ذکر شریف حسین جان

به نام خدای امام حسین علیه السلام!
دوستان و رفقای امام حسینی، سلام!
امیدوارم که حال دل تان همیشه خوب باشد و امام حسینی.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست
این رستخیز عام که نامش محرم است
در بارگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه برزانوی غم است

جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند

گویا عزای اشرف اولاد آدم است^۱

تسلیت عرض می‌کنم فرارسیدن ایام عزاداری اباعبدالله الحسین علیه السلام و ۷۲ تن از یاران باوفای حضرت را، خدمت همه شما عزیزان و گل‌های داغ‌دار سیدالشهدا علیه السلام و آفرین به شما دوست‌داران امام حسین که به عشق وجود نازنین اباعبدالله علیه السلام هم لباس مشکی به تن کردید و هم در جلسات امام حسین علیه السلام شرکت می‌کنید.

بیاید همین ابتدای اولین جلسه یک عهدی را با هم ببندیم که آغاز تمامی جلسات مان را با سلام بر وجود نازنین اباعبدالله و یاران باوفایش علیه السلام شروع کنیم. تا هم جلسات مان پربرکت شود، هم به واسطه یاد امام حسین علیه السلام ثوابی به ما برسد و هم امید داشته باشیم که امام حسین علیه السلام به کلاس و برنامه ما نظری کنند و ان شاء الله گوشه‌چشمی به ما نمایند.

چه زیباست که این سلام روزانه را هربار به یک یا چند نفر از اصحاب امام، هدیه بدهیم و یاد و ویژه از آنان داشته باشیم.

سلام امروز را به سفیر غریب امام یعنی مسلم بن عقیل و دو فرزند شهیدش هدیه می‌دهیم.

به رسم ادب، دست ادب بر سینه می‌گذاریم و با عشق، سلام می‌دهیم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ
مَتَى سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَثُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي
لِزِيَارَتِكُمْ»

«السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى
أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»



هر چقدر امام حسین علیه السلام را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

شروع

در روایتی نقل است که وجودنازنین امام صادق علیه السلام به مسمع بن عبدالملک فرمودند: مسمع! تو اهل عراقی. «أَمَا تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ؟» (آیا به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌روی؟) مسمع گفت: خیر، من میان مردم بصره شناخته شده‌ام. دشمنان ما زیادند و من در امان نیستم. آن‌ها به خلیفه گزارش می‌دهند. برای همین به زیارت حضرت نمی‌روم. حضرت فرمودند: «أَفَمَا تَذَكَّرُ مَا صُنِعَ بِهِ؟» (به یاد مصائبی می‌افتی که بر آن حضرت وارد شد؟) عرض کرد: بله. امام گفت: «فَتَجِئُ؟» (بی‌تابی هم می‌کنی؟) مسمع پاسخ داد: «إِیَّی وَاللَّهِ...» (بله به خدا قسم! به یاد مصائب حضرت اشک می‌ریزم، چنانکه اهل و عیال من را در من می‌بینند و از خوردن غذا امتناع می‌کنم، چنانکه از چهره‌ام معلوم می‌شود.) امام صادق علیه السلام هم در حقیقت دعا کرد و فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ دَمَعَتَكَ» (خدا رحمت کند اشک‌های تو را.) یعنی خدا بابت این اشک‌ها تو را رحمت کند. بعد حضرت در ادامه فرمودند: (ای مسمع! تو برای جد ما اشک ریختی، گریه کردی و دلت شکست. حالا پاداش تو این است که هنگام مرگ، اجداد بالای سرت می‌آیند و سفارش تو را به ملک الموت می‌کنند و بشارتی به تو می‌دهند که برتر از هر چیز است و ملک الموت با تو از مادر مهربان‌تر خواهد بود.)^۱

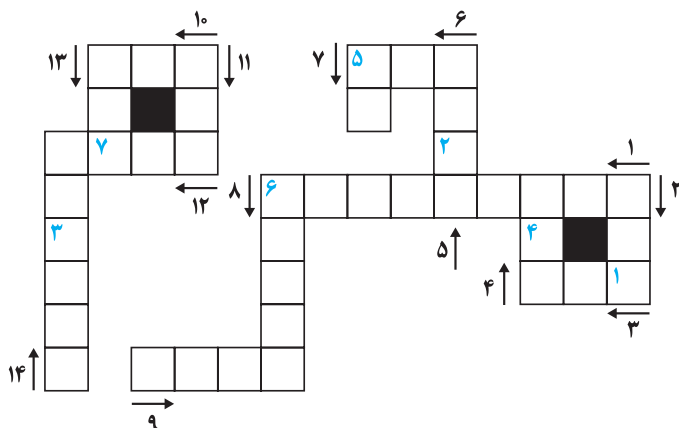
ماه، ماه عزای اباعبدالله الحسین علیه السلام است. ماه، ماه گریه بر پسر فاطمه علیه السلام است. خوشا به حال کسانی که در این ماه، جوری اشک می‌ریزند که امام صادق علیه السلام به آن‌ها می‌گوید: «رَحِمَ اللَّهُ دَمَعَتَكَ!»

ماه، ماه محرم است و در این چند جلسه می‌خواهیم درباره‌ی موضوعی با هم حرف بزنیم که هم مهم است و هم مربوط به محرم. برای اینکه به موضوع

۱. جعفرین محمدابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۰۱.



جلسات مان پی ببریم، باید ابتدا جدول محرم را تکمیل کنیم و به رمز جدول دست یابیم.



سؤالات

۱. یکی از القاب مشهور امام حسین علیه السلام است!
۲. اباعبدالله علیه السلام چندمین امام شیعیان هستند؟
۳. قمر بنی هاشم علیه السلام به معنای بنی هاشم است.
۴. نام کسی که در تاریخ به جگرخوار معروف بود.
۵. نام مادر حضرت علی اکبر علیه السلام چیست؟
۶. یکی از القاب حضرت علی علیه السلام به معنای شیر است.
۷. مدت امامت امام حسین علیه السلام چند سال است؟

۱. سیدالشهدا علیه السلام.

۲. سوم.

۳. ماه.

۴. هند.

۵. لیلا.

۶. اسد.

۷. ۵۰.



۸. تنها شهید زن کربلا چه نام دارد؟^۱
۹. نام مادر حضرت علی اصغر علیه السلام چیست؟^۲
۱۰. به معنای جنگ و پیکار است.^۳
۱۱. نوعی شعر خوانی در میدان جنگ است.^۴
۱۲. نام مادر امام حسین علیه السلام چیست؟^۵
۱۳. نام سجده‌گاه مادر نماز چیست؟^۶
۱۴. امام حسین علیه السلام در چه روزی به شهادت رسیدند؟^۷

رمز جدول: برای اینکه به موضوع این دهه ما دست پیدا کنید، باید حروفی که مشخص شده است را کنار هم بگذارید.

خب رمز جدول چه شد؟

احسنت به شما. رمز جدول ما شد: **میوندار**.

بله دوستان من، "میوندار" همان موضوعی است که ما در این جلسات می‌خواهیم درباره آن صحبت کنیم.

قالب جوانبی

شاید برای تان سؤال شود که حالا چرا میوندار؟! برای اینکه به این سؤال پی ببریم بیایید ابتدا به چند سؤال ساده جواب بدهیم.^۸

۱. ام و هب.

۲. رباب.

۳. رزم.

۴. رجز.

۵. زهرا.

۶. مَهر.

۷. عاشورا.

۸. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که برای هر سؤال، ابتداء پاسخ کامل متریبان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود و در صورت ناقص بودن پاسخ، مریبی باید پاسخ صحیح و درست را ارائه دهد.



به نظر شما میوندار کیست؟^۱

ممنونم و سپاسگزار از پاسخ‌های درستی که دادید. همان‌طور که گفتید میوندار همان کسی است که اداره و هدایت یک جلسه یا یک گروه را بر عهده دارد. اگر اهل ورزش‌های باستانی باشید و بازی‌ها و مسابقات زورخانه‌ای را مشاهده کرده باشید، حتماً با میوندار آن نیز آشنا خواهید بود. در هیئت نیز میوندار؛ آن کسی است که در میان صف سینه‌زنان یا زنجیرزنان قرار می‌گیرد و مباشر و مسئول هماهنگی و یکنواختی و نظم کار آن‌هاست.^۲ به زبان ساده‌تر، میوندار هماهنگ‌کننده میان مداح و مستمع یا همان سینه‌زن است.

برویم سراغ سؤال بعدی.

به نظر شما چرا باید میوندار وجود داشته باشد؟

به نظر شما واقعاً بودن میوندار ضروری است؟ تفاوت میان هیئتی که میوندار دارد با هیئتی که ندارد، در چیست؟^۳

احسنت به شما به خاطر این پاسخ‌های دقیق. همان‌طور که گفتید، میوندار به شخصی اطلاق می‌شود که در اداره مجلس، مداح رایی می‌کند و به مجلس، نظم می‌بخشد. هیئتی که در آن میوندار نیست، نظم‌دادن به جلسات در آن بسیار دشوارتر است. امکان اختلال هم در جلسه بالا می‌رود. از طرفی کار مداح نیز سخت‌تر است چراکه علاوه بر اینکه باید تمرکز خود را بر متن نوحه و روضه بگذارد، باید حواسش را به مدیریت جلسه نیز بدهد که مبادا جلسه از هم بپاشد.

جایگاه میوندار در هیئت کجاست؟

به عبارتی دیگر، محل قرارگیری میوندار کجاست؟ میوندار، کجا باید باشد تا

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۲. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، نشر معروف، به نقل از سایت ویکی‌اهل بیت دسترسی در:

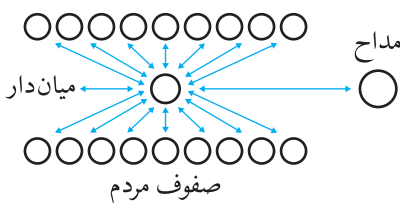
<https://wiki.ahlolbait.com>

۳. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.



ارتباط صحیح او با مداح و مردم، به درستی انجام گیرد؟
همانطور که گفتید، جایگاه اصلی میوندار، وسط جلسه است.

فاصله میوندار با مداح نه باید آنقدر زیاد باشد که کلاً نتواند هیچ ارتباطی با او بگیرد و نه آنقدر نزدیک که کلاً از صفوف مردم فاصله داشته باشد.



میوندار باید برای چه کسی میونداری کند؟

به عبارتی دیگر، میوندار چه کسی باید باشد؟ آیا هرکسی که وسط هیئت خوش صدا بود را باید حمایت کند یا با یک نفر خاص باید هماهنگ شود؟ پر واضح است که میوندار باید برای مداح جلسه میونداری کند و اگر کسی از انتهای جلسه از راه رسید و صدای خوبی داشت، توجهی نکند. در واقع میوندار، حلقه وصل میان مداح جلسه با مردم است. او میوندار جلسه خویش است.

چقدر باید میونداری کرد؟

به نظر شما میوندار تا چه اندازه باید میونداری کند؟ آیا می تواند وسط جلسه بگوید: من دیگر خسته شده‌ام و دیگر بس است؟ قطعاً پاسخ همه این است که اصلاً این حرف، خنده‌دار است و میوندار حق عقب نشینی و بی خیال شدن را ندارد و تا آخرین نفس باید به وظیفه خود ادامه دهد.

اما برویم سراغ آخرین سؤال.



به نظر شما ویژگی‌های میوندار چیست؟^۱

ممنونم از همه عزیزانی که مشارکت کردند و به این سؤال مهم پاسخ دادند. همان‌طور که گفتید میوندار برای اینکه کار خود را دقیق انجام دهد، باید ویژگی‌هایی داشته باشد و اصولی را رعایت کند. از آنجاکه در جلسات بعدی به برخی از آن‌ها به‌طور کامل اشاره خواهیم کرد، برای همین فقط به چند مورد به صورت تیتروار اشاره می‌کنم.

هماهنگ باشد.

مرد میدان باشد.

سبک‌شناس باشد.

ضعف، نداشته باشد.

اهل کار گروهی باشد.

به همه، توجه داشته باشد.

در سختی‌ها اهل همدلی باشد.

اما شاید تا الان هم برای‌تان سؤال شده باشد که: «ببخشید حاج آقا، همیشه بگین ارتباط این بحث با ما چیه؟!» اگر این سؤال به ذهن شما هم خطور کرده است باید خدمت‌تان عرض کنم که پاسخ این است که: شما میونداران اصلی آینده جامعه‌اید.

مقام معظم رهبری عَظَمَةُ می‌فرمایند:

«شما مردان فردا، مدیران فردا، فعالان فردا و شخصیت‌های فردا هستید. فردای این کشور متعلق به شما نوجوانان است. شماها هستید که این کشور و ملت را و این حرکت را و این تاریخ را اداره خواهید کرد. خودتان را

۱. از آنجاکه این سوال، مبنای جلسات آینده می‌باشد لذا ضروری است که مرئبان گرامی پاسخ‌های مترئبان به این سؤال را به صورت کامل بشنوند.



برای آن روز آماده کنید.»^۱

این عبارت مقام معظم رهبری علیه السلام یعنی شما عزیزان، میونداران آینده این کشور هستید.

یا در جایی دیگری فرمایند:

«نوجوان‌های عزیز، بچه‌های عزیز من، قدر این موقعیت و این امکان را بدانید. شماها همان نسلی هستید که این کشور را بِسْمِ اللَّهِ به اوج خواهید رساند.»^۲

در این بیانات، صراحتاً حضرت آقا فرمودند که شما عزیزان، میونداران اصلی آینده این کشور هستید. دوستان من، دقت داشته باشید که هیئت، نمادی است از یک جامعه مدنی. هیئتی که من و شما در آن شرکت می‌کنیم، نماد همین جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. میوندار قبل از اینکه یک فرد باشد یک جایگاه و دارای شخصیتی خاص و مهم است.

میوندار، کف میدان است و بین مردم. میوندار در واقع همان نوجوان و جوان انقلابی و دغدغه‌مند است که قرار است میان امام و امت رابطه پایدار و پرثمر ایجاد کند. مداح خوب، سینه‌زن خوب و میوندار خوب، اگر همه اینها در کنار هم قرار بگیرند، غوغا می‌شود و مجلس از حالت قفل‌زدگی خارج می‌شود. حال در جامعه اسلامی، رهبر خوب و عادل، مردم خوب همیشه در صحنه و مدیران جوان انقلابی و حزب‌اللهی، اگر در کنار یکدیگر قرار گیرند، با این ترکیب مگر می‌شود قفلی بدون کلید بماند؟! مگر می‌شود ظهور عادل منتظر به تأخیر بیفتد؟! از این ترکیب، در ادبیات دینی، به عنوان «کار تشکیلاتی» هم یاد می‌شود که در جلسات بعدی به‌طور کامل از آن صحبت خواهیم کرد؛ بِسْمِ اللَّهِ.

۱. بیانات در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان، ۲۳/۰۹/۱۳۹۵ دسترسی در:

<https://khl.ink/f/35141>.

۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۱/۰۸/۱۳۹۶ دسترسی در:

<https://khl.ink/f/38083>



تنوع

برای اینکه جلسه امروزمان را متبرک کنیم، بیایید این چند بیت^۱ را از عمق جان به ابا عبدالله الحسین علیه السلام هدیه دهیم و از حضرتش بخواهیم که دست ما را در دنیا و آخرت بگیرند؛ **إن شاء الله**.^۲

حسین جان ای آبروی دو عالم
 نگین سلیمان به حلقه خاتم
 خدا حافظ ای برادر زینب
 به خون غلطان در برابر زینب
 برادر جان بی تو در دل صحرا
 شده تنها خواهرت، گل زهرا
 تنت بی سر، مانده در دل صحرا
 سرت هر دم روی نیزه اعدا
 زند سیلی دشمنت به رخ من
 دلم خون است از جسارت دشمن
 حسین جان ای آبروی دو عالم
 نگین سلیمان به حلقه خاتم

هر کس عاشق امام حسین علیه السلام است، بلند صلوات بفرستد.

«اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم»

جمع بندی

قبل از اینکه بحث امروزمان را خاتمه دهیم، کدام یک از دوستان می تواند به طور خلاصه بگوید که امروز چه گفتیم؟^۳

۱. چه زیباست که مریبان گرامی، ابیات مذکور را به صورت سینه زنی بخوانند.

۲. مریبان گرامی جهت آشنایی و تسلط بر سبک، می توانند به کلیپ های آقای پویانفر در آپارات مراجعه کنند. برای این کار کافی است عبارت زیر را جستجو کنند: «حسین جان ای آبروی دو عالم + پویانفر»

۳. ابتدا مشارکت گیری و تشویق انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.



سپاس فراوان دارم از همه عزیزانی که با مشارکت‌های خود، عامل دلگرمی کلاس و برنامه هستند. همان‌طور که گفتید بحث امروز ما درباره میوندار بود و گفتیم در این دهه نیز می‌خواهیم در این باره گفت‌وگو کنیم. اشاره کردیم که شما عزیزان و غیور مردان ایران زمین نیز میونداران اصلی آینده این کشور و جامعه‌اید. جامعه‌ای که شبیه به هیئت است و در واقع هیئت، نمادی است از یک جامعه.

در ادامه نیز گفتیم که: میوندار، قبل از اینکه یک فرد باشد، یک جایگاه است و دارای شخصیتی خاص و مهم است.

میوندار، کف میدان است و بین مردم. میوندار در واقع همان نوجوان و جوان انقلابی و دغدغه‌مند است که قرار است میان امام و امت رابطه پایدار و پرتیر ایجاد کند.

تکلیف

دوستان و رفقای دوست‌داشتنی و امام حسینی من، لطف کنید و برای جلسه بعدی از خواهر و برادر یا دوست صمیمی خود کمک بگیرید و پاسخ سؤالی که می‌پرسم را برای جلسه بعد همراه داشته باشید.

سؤالی که قرار است شما به کمک خواهر و برادر یا دوست صمیمی خود پاسخ دهید این است که: به نظر شما، آیا میونداری ویژگی‌های دیگری هم دارد؟ سایر ویژگی‌های میوندار واقعی چیست؟

دعای پایانی

در انتهای کلاس نیز بیاید با همدیگر دعا کنیم!

خدایا! ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را برسان.

خدایا! ما را از یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار بده.

خدایا! به ما کمک کن همیشه در مسیر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ باشیم.



بارالها! به ما کمک کن که همیشه یار و یاور کشورمان باشیم.

خدایا! به ما کمک کن که میوندانان خوبی برای امام زمان مان باشیم.

خدایا! با همدلی و همبستگی ما، ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را نزدیک تر قرار بده.

إن شاء الله که همگی مقدمه ساز ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام باشیم، یک صلوات بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



جلسه دوم

میوندار خوبی‌ها باش!

تعیین مخاطب به عنوان میوندار اصلی جامعه



ارتباط اولیه

به نام والی والا، قسم به نام علی
علی امام من است و منم غلام علی

به نام خدای امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام
دوستان و رفقای امام حسینی، سلام! امیدوارم که حال دلتان همیشه
خوب باشد و امام حسینی.
مجدداً تسلیت عرض می‌کنم فرارسیدن ایام عزاداری اباعبدالله
الحسین علیه السلام و ۷۲ تن از یاران باوفای حضرت را، خدمت همه شما عزیزان و
گل‌های داغ‌دار سیدالشهدا علیه السلام
دیروز که اولین جلسه ما بود، همان ابتدای کار، یک عهدی را با هم بستیم.
کدام یک از عزیزان به خاطر دارد که آن عهد زیبا چه بود؟
احسنت به شما تیزهوشان ایران زمین.

۱. جهت مشارکت و همراهی مترجمان، ضروری است که پاسخ کامل مترجمان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.



با هم عهد بستیم که آغاز تمامی جلساتمان را با سلام بر وجود نازنین اباعبدالله و یاران باوفایش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ شروع کنیم تا هم جلساتمان پربرکت شود، هم به واسطه یاد امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ ثوابی به ما برسد و هم امید داشته باشیم که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ به کلاس و برنامه ما نظری کنند و ان شاءالله گوشه چشمی به ما نمایند.^۱

علاوه بر اینکه قرار شد این سلام روزانه را به یک یا چند نفر از اصحاب امام هدیه بدهیم و یادی ویژه از آنان داشته باشیم.

سلام دیروز را به سفیر غریب امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ یعنی مسلم بن عقیل و دو فرزند شهیدش هدیه دادیم. سلام امروز را هم هدیه می‌دهیم به تمامی یاران باوفای سیدالشهداء که مثل پروانه دور حضرت چرخیدند و تا پای جان ماندند و در راه ایشان به شهادت نائل شدند؛ مخصوصاً حبیب بن مظاهر اسدی.

امروز هم به رسم ادب، دست ادب بر سینه می‌گذاریم و با عشق، سلام می‌دهیم.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اباعبدالله وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ
مَتَى سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي
لِزِيَارَتِكُمْ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ
الْحُسَيْنِ»

هرچقدر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

خب بفرمایید که بحث دیروز ما درباره چه بود؟^۲

۱. این متن را در هر جلسه از باب مهارت «تعبدبخشی» تکرار می‌کنیم.

۲. مربیان عزیز توجه داشته باشند که مشارکت‌گیری فراموش نشود.



احسنت به همه شما غیورمردان ایران‌زمین. همان‌طور که گفتید بحث ما درباره «میوندار» بود و قرار شد در این جلسات درباره آن صحبت کنیم. علاوه بر اینکه قرار بود به کمک خواهر و برادر یا دوست صمیمی خود، درباره سایر ویژگی‌های میوندار حقیقی گفتگو کنید و نتیجه آن را بیاورید. خب هر عزیزی که تکلیف دیروز را انجام داده است و الان آماده پاسخ دادن است، لطف کند بیاید اینجا کنار من و برای بقیه توضیح دهد.^۱

قبل از اینکه وارد بحث امروز شویم، بیایید با بردن نام زیبای اباعبدالله علیه السلام دسته‌گلی زیبا را به ملائک هدیه دهیم. هرکسی آماده است بلند بگوید: یا حسین! نه نشد! بلند بگو: یا حسین!

بلندتر بگو: یا حسین!

با عشق بگو: یا حسین!

محکم بگو: یا حسین!

قوی بگو: یا حسین!

از جان بگو: یا حسین!

اگر خسته جانی بگو یا حسین
اگر ناتوانی بگو یا حسین
تنت گریفتد میان بلا
نترس از بلا و بگو یا حسین

الهی که امام حسین علیه السلام همیشه محافظ و نگهدار شما عزیزان امام حسینی باشد. الهی آمین.

۱. مربیان عزیز توجه داشته باشند که حتماً از کسانی که تکالیف را انجام می‌دهند، تقدیر و تشکر کنند تا علاوه بر سپاسگزاری از شخص انجام دهنده، انگیزه‌ای برای سایرین نیز باشد.



شروع

شاید برای تان سؤال شده باشد که مگر کوفیان برای امام نامه ننوشتند و حضرت را خودشان دعوت نکردند، پس چرا آن همه بلا را سر حضرت و خانواده ایشان آوردند؟! به راستی دلیل اصلی این اتفاق چه بود؟! اگر وجود نازنین اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام حق بود که بود، پس چرا عده‌ای مقابل حضرت قد علم کردند؟! مسیر رسیدن به خداوند، مگر از کوچه اباعبدالله نمی‌گذشت، پس چرا برخی راه این کوچه را سد کرده و چراغش را خاموش کردند؟!

شاید بتوان ساعت‌ها درباره این اتفاق صحبت کرد و مطمئناً شما عزیزان نیز پاسخ‌های قطعی برای این سؤالات خواهید داشت اما هدف من از پرسش این سؤالات، چیز دیگری است.

قبل از اینکه مراد خودم را از این سؤالات مطرح کنم، لطف کنید و سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَجَلُ الْفَرَجِ بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

قالب نکته‌ای

دوستان من، همان‌طور که می‌دانید از قدیم‌الایام تا به امروز، تقابل جبههٔ حق و باطل وجود داشته است؛ از خلقت حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام بگیر تا نبوت پیامبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و قطعاً این تقابل ادامه‌دار خواهد بود تا ظهور حضرت حجت‌بن‌الحسن امام زمان عَجَلُ الْفَرَجِ

پس تقابل جبههٔ حق و باطل دائمی بوده است اما چند نکته را می‌توان در این باره مطرح کرد.

نکته اول اینکه این تقابل، از قدیم‌الایام هم بوده است.

کدام یک از دوستان می‌تواند چند مثال از این تقابل‌ها در زمان قدیم بزند؟

۱. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.



احسنت به شما عزیزان با این اطلاعات عمومی بالا.

اگر بخواهیم به چند تا از تقابل‌های حق و باطل در قدیم اشاره کنیم این موارد را می‌توانیم ذکر کنیم:

هابیل و قابیل؛

اولین تقابل حق و باطل در دنیای خاکی، توسط فرزندان حضرت آدم ابوالبشر یعنی هابیل و قابیل اتفاق افتاد. کدام یک از دوستان^۱ صوت زیبایی دارد و می‌تواند چند آیه قرآن را برای ما با صوت زیبا بخواند؟ خداوند در آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مائده، داستان تقابل هابیل و قابیل را برای ما به نمایش می‌گذارد. خداوند در این آیات می‌فرماید:

﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (و داستان دو پسر آدم [هابیل و قابیل] را به درستی بر آنان بخوان، آنگاه که قربانی‌ای به پیش آوردند، پس از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [قابیل] گفت: بی‌گمان تو را خواهم کشت. [هابیل] گفت: خدا تنها از کسانی می‌پذیرد که پارسایند.)
 ﴿لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ بِيَدَيْ إِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ (اگر تو دستت را به سویم گشایی تا مرا بکشی، من هرگز دستم را به سویت نمی‌گشایم تا تو را بکشم؛ من از خدایی می‌ترسم که جهانیان را پرورد.) ﴿إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ﴾ (من می‌خواهم تو با گناه من و گناه خویش بازگردی و از دوزخیان باشی و این سزای کسانی است که ستمکارند.) ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الخَاسِرِينَ﴾ (پس نفس او کشتن برادرش را برای وی آراست و او را کشت و از زیانکاران گردید.) ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ﴾ (پس خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را همی کاوید تا

۱. اولویت با این است که جهت قرائت قرآن، از مترجمان استفاده شود اما اگر کسی نبود، بهتر است خود مرئی با صوتی زیبا تلاوت کند و در غیر این صورت می‌توان از صوت قراء مشهور استفاده کرد.



به وی بنمایاند که چگونه جسدِ برادرش را بپوشاند. [قابیل] گفت: وای بر من، آیا ناتوانم که همانند این کلاغ جسدِ برادرم را بپوشانم؟ و بدین سان از پشیمانشدگان گردید.

امام صادق علیه السلام در خصوص علت قربانی فرزندان آدم می فرمایند:

«خداوند به آدم وحی فرمود که اختصاصات نبوت را به هابیل تسلیم نماید و اسم اعظم را به او تعلیم دهد و او را وصی خود قرار بدهد؛ قابیل چون از حیث سنی بزرگتر از هابیل بود و خود را شایسته تر از برادرش می دانست، به هابیل حسادت کرد. حضرت آدم بنا به فرمان خداوند به آن دو برادر دستور داد که در راه خدا قربانی کنند؛ قربانی هر کدام مورد قبول واقع شد، جانشین پدر گردد؛ نتیجه آزمایش الهی به نفع هابیل شد، به همین سبب حسادت قابیل شعله ور شد.»^۱

این اولین تقابل جبهه حق و باطل بود و البته آغازی برای بقیه تقابل ها.

انبیا و فراعنه

همان طور که می دانید در کنار تمامی انبیاء الهی، کسانی بودند که به شکل های مختلف، مقابل پیامبران خدا می ایستادند و عاملی برای گمراهی دیگران بودند؛ از نمرودی که حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداخت گرفته تا فرعونی که مقابل حضرت موسی علیه السلام قد علم کرد و ادعای خدایی کرد.

اسلام و کفر

زمان گذشت و تقابل حق و باطل به اوج خود رسید تا جایی که پیامبر مهربانی ها، پرچم دین اسلام را در برابر کفر برافراشت و در راه برافراشتن این پرچم، چه سختی ها و بلاهایی را که تحمل نکرد؛ از تمسخر و ریختن شکمبه شتر بر سر ایشان گرفته تا محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب.

۱. محمد بن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۳۱۲ و عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰.



امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ و سقیفه؛

عجیب اینجاست که پس از آمدن اسلام نیز این تقابل ادامه پیدا کرد و مشهورترین تقابل حق و باطل مربوط شد به ولایت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و البته در مقابل ایشان، شورای ننگین سقیفه.

امام مجتبی عَلَيْهِ السَّلَامُ و معاویه؛

در ادامه، نوبت به امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید و تقابل حق یعنی امام در برابر باطل یعنی معاویه اتفاق افتاد که همه عزیزان داستان آن را بارها شنیده‌اید و در کتاب‌های درسی خود نیز خوانده‌اید.

ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ و یزیدیان؛

اما غم‌انگیزترین تقابل عالم خلقت نیز در عصر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و در کربلای معلی و روز عاشورای سال ۶۱ اتفاق افتاد و نامردمردان روزگار، عزیز دل پیامبر و دردانه امیرمؤمنان و نور چشمان حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ را به بدترین شکل ممکن سربردند و سرش را به نیزه زدند و خانواده‌اش را به اسیری بردند!

سه‌غم آمد سراغم هر سه یکبار غریبی و اسیری و غم‌یار

غریبی و اسیری چاره‌داره ولی آخر گشتد ما را غم‌یار

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و دشمنان؛

متأسفانه این مسیر ادامه پیدا کرد تا جایی که دلیل غیبت حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز همین تقابل حق و باطل گشت چراکه جبهه باطل، قصد کشتن ایشان را داشتند و خداوند با غیبت ایشان، از حضرتش محافظت نمود.

اما برویم سراغ نکته دوم.

دومین نکته این است که این تقابل فقط مربوط به گذشته نبوده و در زمان ما نیز ادامه دارد. انقلاب اسلامی و خاندان پهلوی که نماینده استکبار بود، نماد تقابل حق و باطل بودند. هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس،



نماد تقابل حق با بعضی‌ها یعنی باطل بود. جنگ با داعش در عراق و سوریه، نماد این تقابل است و... و متأسفانه هنوز هم که هنوز است این تقابل ادامه دارد و البته باید بگوییم تا زمان ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام هم ادامه خواهد داشت.

نکته سومی که می‌خواهم به آن اشاره کنم، نکته بسیار مهم و اساسی است که دوست دارم همه عزیزان با دقت کامل به آن گوش دهند. نکته سوم این است که در طول تاریخ و البته در هر دو جبهه، میونداران وجود داشته‌اند که دیگران را تشویق به جبهه خود می‌کرده‌اند؛ یعنی میونداران خوبی‌ها، دیگران را به خوبی‌ها سوق می‌داده‌اند و میونداران بدی‌ها، تشویق به بدی‌ها می‌کرده‌اند.

بیاید ابتدا از میونداران خوبی‌ها در تاریخ شروع کنیم. کدام یک از عزیزان می‌تواند به حافظه تاریخی خود مراجعه کند و نام چند نفر از میونداران خوبی‌ها را ذکر کند؟

ممنونم و سپاسگزار از مشارکت همه دوستان امام‌حسینی.

میونداران خوبی‌ها: اگر بخواهیم نام برخی از میونداران جبهه حق در طول تاریخ را ذکر کنیم می‌توانیم به این موارد اشاره کنیم.

□ هارون برای موسی عَلَيْهِ السَّلَام

حضرت هارون عَلَيْهِ السَّلَام برادر بزرگ حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام بود. حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام هنگام مبعوث شدن به رسالت، از خداوند درخواست کرد که هارون را وزیر و همراه ایشان برای مقابله با فرعون قرار دهد.

در آن ۴۰ روزی که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام برای میقات به طور سیناء رفته بود، هارون میوندار جبهه حق بود و جانشینی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام را بر عهده

۱. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ از زبان متریبان شنیده شود و البته از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر گردد.



داشت. خداوند در این رابطه در آیه ۱۴۲ سوره اعراف^۱ می‌فرماید: ﴿وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ خُلْفِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾ و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش؛ و آن‌ها را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!»

□ امیرمؤمنان برای رسول خوبی‌ها ﷺ

امیرمؤمنان و امام شیعیان حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه نیز مصداق بارزی است از میونداران جبهه حق که با وجود تمام سختی‌ها و مشکلات، تمام قد پای پیامبر ﷺ ایستاد و تا پای جان، از پیامبر و آیینش دفاع کرد و مردم را به سوی اسلام ناب سوق می‌داد. در مجد و عظمت و منزلت و میونداری حضرت امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه همین بس که پیامبر گرامی اسلام ﷺ «حدیث منزلت» را در شأن ایشان بیان فرمودند.

از مشهورترین نقل‌های «حدیث منزلت» آن است که پیامبر اکرم ﷺ از خطاب به حضرت علی رضی الله عنه فرمودند: «أَنْتَ مَعِيَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَجَى بَعْدِي»^۲ (منزلت تو نسبت به من، مانند منزلت هارون به موسی است، جز اینکه بعد از من، پیامبری نیست).^۳

۱. اولویت باقرائت آیه توسط متریبان است.

۲. رجوع کنید به مسلم بخاری، ج ۷، جزء ۴، قسم ۱، ص ۳۰۱؛ ابونعیم اصفهانی، ج ۴، ص ۳۷۵، ج ۷، ص ۱۹۷، ۱۹۵؛ بیهقی، ج ۱۳، ص ۲۷۶، ۲۷۵؛ خطیب بغدادی، ج ۴، ص ۴۶۵، ۴۶۲، ج ۵، ص ۳۳۲، ج ۱۰، ص ۴۹۹؛ هیشمی، ج ۹، ص ۱۰۹؛ متقی، ج ۱۱، ص ۵۹۹، ج ۱۳، ص ۱۵۱، ۱۹۲..

۳. مریبان گرامی در صورت داشتن زمان می‌توانند از این حدیث وام گرفته و موارد زیر را به عنوان معرفت‌افزایی نسبت به حضرت امیر رضی الله عنه برای متریبان نقل کنند. هارون نزد موسی دارای مقام‌ها و جایگاه‌های فراوانی بوده است و از اینجاست که توان به عظمت مقام حضرت علی رضی الله عنه و سزاواری او بر خلافت بعد از رسول اکرم ﷺ پی برد. با تکیه بر ماجرای هارون و موسی رضی الله عنه در قرآن کریم در می‌یابیم که: هارون وزیر و شریک موسی در کارش بود، پس علی نیز در امر خلافت و ولایت، جز نبوت، شریک پیامبر بود. هارون دومین شخصیت بعد از موسی در میان بنی اسرائیل بود، علی رضی الله عنه هم در میان امت پیامبر چنین بود.

هارون برادر موسی رضی الله عنه بود و امام علی به دلیل حدیث متواتر «مؤاخات»، که در کتب شیعه و سنی نقل شده است، برادر رسول خدا بود.

هارون برترین و محبوب‌ترین فرد قوم حضرت موسی نزد خدا و پیامبرش بود، علی رضی الله عنه نیز چنین بود. هارون خلیفه موسی در غیبتش به طور مطلق بود، علی نیز چنین بود، به ویژه با تصریح پیامبر که فرمود:



تنوع

نام زیبای پیامبر و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام آمد، بیایید شادی دل حضرات معصومین، این صلوات مخصوص و البته مشهور را همه با هم بخوانیم.^۱

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَى النَّبِيِّ
صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ النَّبِيِّ

ادامه محتوا

□ عمار برای حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام

در طول تاریخ اسلام به خصوص بعد از شهادت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در همه زمان‌ها نخبگانی از عوام و خواص در جامعه بوده‌اند که همواره سعی‌شان بر میونداری جبهه حق بوده است. یکی از میونداران جبهه حق، جناب عمار بوده است و در میونداری عمار همین بس که پیامبر درباره او فرمود: **«عَمَّارٌ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ»** (عمار با حق و حق با عمار است. او با حق می‌چرخد؛ هرکجا که حق برود).^۲

□ مسلم بن عقیل برای اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام

میوندار بعدی که همه شما عزیزان با ایشان آشنا هستید و همگی داستان میونداری او را می‌دانید، جناب مسلم بن عقیل است که جهت میونداری جبهه حق و سوق دادن مردم به سوی امام جامعه، با اذن امام راهی کوفه شد و متأسفانه با نامردی کوفیان مواجه شد و در نهایت در

«لَا يَبْقَى أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلَيْتِي».

هارون عالم‌ترین فرد قوم موسی بود، علی هم به تصریح پیامبر عالم‌ترین فرد بعد از پیامبر بود. اطاعت از هارون بر یوشع بن نون (وصی موسی) و ائمت حضرت موسی واجب بود، اطاعت از علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز با فرض وصایت ابوبکر، عمر، عثمان یا هر فرد دیگری، بر آنها واجب بود. خدا پشت موسی را با برادرش هارون، نیرومند و محکم ساخت و پشت پیامبر اکرم را با علی عَلَيْهِ السَّلَام ... رجوع کنید به میرحامد حسین، عقبات الانوار، ج ۲، ص ۱۲۹۸۶.

۱. مریبان گرامی جهت تنوع بخشیدن به فضای کلاس می‌توانند چندین مرتبه این صلوات را با اوج و فرود صدایی مختلف بخوانند و از متریبان بخوانند با او تکرار کنند.

۲. محمدبن علی الصدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۳؛ علامه محمدتقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۵.



مسیر میونداری امام زمان خود به شهادت رسید.

□ حبیب بن مظاهر برای امام حسین علیه السلام

کربلا نماد میونداری یاران اباعبدالله الحسین علیه السلام بود و هرکدام در میونداری در مسیر امام بر دیگری سبقت می‌گرفتند. یکی از میونداران کربلا، جناب حبیب بن مظاهر اسدی است. همان کسی که وجود نازنین سیدالشهداء برای ایشان نامه نوشتند که به کربلا بیاید. در میونداری حبیب بن مظاهر همین بس که به محض دریافت نامه امام، سریعاً سراغ رفیق خود یعنی مسلم بن عوسجه می‌رود و دست دوستش را می‌گیرد و به سوی خوبی‌ها می‌برد.

□ حضرت زینب کبری علیها السلام برای جریان کربلا؛

حضرت زینب کبری علیها السلام نماد میونداری جریان کربلا پس از وجود نازنین اباعبدالله الحسین علیه السلام بود و از آنجاکه با این میوندار آشنا هستید، هیچ توضیحی نمی‌دهم به جز یک بیت شعر:

سَرّ نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

□ حاج قاسم سلیمانی برای مقام معظم رهبری؛

بعید می‌دانم برای میونداری سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی عزیز نیازی به توضیحاتی داشته باشیم چراکه شما عزیزان به چشم خود میونداری حاج قاسم را مشاهده کرده‌اید.

نام چند تن از خوبان عالم را بردیم، لطف کنید و شادی روح همه میونداران جبهه حق بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

میونداران بدی‌ها: در مقابل میونداران خوبی‌ها نیز بوده‌اند کسانی که پرچم‌دار جبهه باطل بوده و دیگران را به بدی‌ها سوق می‌داده‌اند. چه



کسی می‌تواند نام چند نفر از میونداران بدی‌ها را در طول تاریخ ذکر کند؟
 سپاس فراوان از همه عزیزانی که مشارکت کردند و به سؤال پاسخ دادند.
 اگر بخواهیم فقط به نام برخی از میونداران جبهه باطل در طول تاریخ اشاره
 کنیم می‌توانیم این موارد را ذکر کنیم.^۲

✘ سامری در زمان حضرت موسی؛

✘ عمروعاص برای معاویه؛

✘ شمر برای یزید؛

✘ محمد رضاشاه برای استکبار؛

✘ صدام برای بعثی‌ها؛

✘ ابوبکر بغدادی برای داعش؛

نام چند تن از میونداران جبهه کفر را آوردیم، من ۲ تا دعا می‌کنم شما بلند
 آمین بگویید.

خدایا! شرّ شیاطین جَنّی و انسی را از سر ما بردار!

خدایا! به عذاب هر آن کس که میوندار جبهه کفر بود، بیافزای!

اما برویم سراغ نکته بعدی.

نکته بعدی این است که وجود میوندار در هر دو جبهه جهت سوق به
 خوبی‌ها یا بدی‌ها، می‌تواند دنیایی درس را برای ما به همراه داشته باشد.
 یکی از ساده‌ترین درس‌ها این است که با وجود این همه میوندار خوبی‌ها
 و بدی‌ها، نقش ما چیست؟ من و شما کجای این بحث قرار داریم؟ نکند
 دیر به فکر بیفتیم و ناگهان خودمان را غرق در منجلاب ببینیم و به عبارتی
 دیگر، نکند چشم باز کنیم و خودمان را میوندار بدی‌ها ببینیم؟!

۱. ضرورت مشارکت‌گیری فراموش نشود.

۲. در صورت داشتن زمان کافی، می‌توان برای هر کدام از موارد، توضیحات کوتاهی ارائه کرد.



شهید محمد فرخی در بخشی از وصیت‌نامه خود آورده است: «جنگ بین حق و باطل با تمام قوا ادامه دارد بر شماست در صحنه باشید و به دشمن امان ندهید.»^۱

ما باید تمام تلاشمان را انجام دهیم تا میوندار خوبی‌ها باشیم. ما باید ادامه دهنده کار میونداران خوبی‌ها باشیم. ما باید پایمان را جای پای میونداران خوبی‌ها بگذاریم.

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۰ می‌فرمایند: «در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه کارها به شما متوجه است.»^۲

این عبارت دنیایی از حرف را به همراه دارد؛ یعنی مهم نیست کجا ایستاده‌ای و چه می‌کنی، مهم این است که همان‌جا، میوندار خوبی‌ها باشی! مهم این است که در هر کجای عالم که قرار داری، خودت را میوندار خوبی‌ها بدانی.

این توئی که باید میوندار خوبی‌ها باشی!

این توئی که باید مردم را به خوبی‌ها بکشانی!

این توئی که باید دعوت‌کننده به خوبی‌ها باشی!

این توئی که باید دعوت‌کننده به سوی حق باشی!

این توئی که باید ایجادکننده اتحاد و همدلی باشی!

این توئی که باید برقرارکننده پیوندهای اجتماعی باشی!

و در یک کلام: هر کجا که هستی، باید میوندار خوبی‌ها باشی!

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «در محیط مدرسه و خانه، به عنوان یک

۱. شهید محمد فرخی، جنگ بین حق و باطل ادامه دارد، خبرگزاری فارس، دسترسی در:

<http://fna.ir/opre/27.60> بهمن ۱۴۰۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰/۱۲/۰۵، دسترسی در:

<https://khl.ink/f/2596>



نوجوان شاداب، فعال، کاری، مثبت، حضور خودتان را مؤثر قرار بدهید. سعی کنید در اطرافیان خودتان اثر بگذارید.»^۱

دوستان من، خیلی ساده اگر بخواهیم این صحبت را تحلیل کنیم، اثرگذاری در اطرافیان یعنی میوندار خوبی‌ها بودن. همین.

هر کس دوست دارد میوندار مسیر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام باشد، بلند صلوات بفرستد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

جمع‌بندی

خلاصه اینکه گفتیم:

اولاً از قدیم‌الایام تا به امروز، تقابل جبهه حق و باطل وجود داشته است؛

ثانیاً در طول تاریخ و البته در هر دو جبهه، میوندارانی وجود داشته‌اند که دیگران را تشویق به جبهه خود می‌کرده‌اند؛

ثالثاً ما باید تمام تلاشمان را انجام دهیم تا میوندار خوبی‌ها باشیم.

تکلیف

دوستان و رفقای دوست‌داشتنی و امام‌حسینی من، لطف کنید و برای جلسه بعدی از پدر و مادر خود کمک بگیرید و سؤالی که می‌پرسم را به کمک آن‌ها پاسخ دهید و به صورت مکتوب برای من بیاورید.

سؤالی که قرار است شما به کمک والدین خود پاسخ دهید این است که: به نظر شما، آیا میونداری کردن شما عزیزان در جامعه انواع مختلفی دارد؟ اگر دارد، بفرمایید که انواع میونداری در جامعه چیست.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان، ۱۳۹۵/۰۹/۲۳. دسترسی در: <https://khl.ink/f/35137>



دعای پایانی

در انتهای کلاس نیز بیاید با همدیگر دعا کنیم.^۱
خدایا! ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برسان.
خدایا! ما را از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بده.
خدایا! به ما کمک کن میونداران خوبی‌ها باشیم.
بار الهی در نسل ما کم محبت به اهل بیت علیهم السلام قرار مده.
خداوندگارا ما را برقرارکننده پیوندهای اجتماعی و اتحاد و همدلی قرار بده.
ان شاء الله که همگی میوندار جبهه حق و خوبی‌ها باشیم، یک صلوات
بلند بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

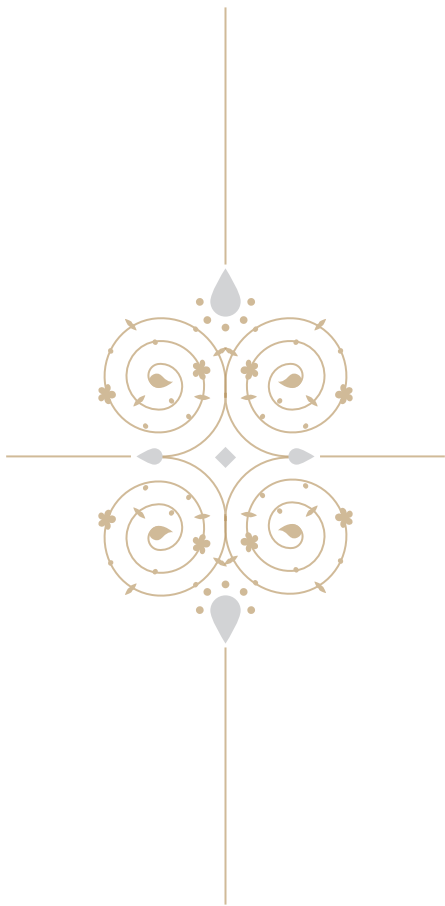
۱. مریبان عزیز می‌توانند در صورت کم بودن تعداد متریبان، از هر نفر بخواهند که یک دعا کنند.



جلسه سوم

ما به هم مربوطیم!

(تبیین ضرورت خیرخواهی و توجه به پیوندهای اجتماعی)



ارتباط اولیه

نامه‌ام را می‌گذاریم باز بر دوش نسیم
راه دشوار است بسم الله الرحمن الرحیم
به نام خدای امام حسین علیه السلام

«یا رَبَّ الحَسَنِ بِحَقِّ الحَسَنِ
إِشْفِ صَدْر الحَسَنِ بِظُهُور الحِجَّةِ»
دوستان و رفقای امام حسینی، سلام! امیدوارم که حال دلتان همیشه
خوب باشد و امام حسینی. ان شاء الله به حق سه‌ساله اباعبدالله
الحسین علیه السلام عزاداری‌های تک‌تک شما عزیزان مورد رضایت حضرتش
قرار گرفته باشد.

همان‌طور که در جریان هستید، ما یک عهده‌ی را با هم گذاشته‌ایم و سر
آن عهد هستیم. با هم عهد بستیم که آغاز تمامی جلساتمان را با سلام بر
وجود نازنین اباعبدالله و یاران باوفایش علیه السلام شروع کنیم تا هم جلساتمان
پربرکت شود، هم به واسطه‌ی یاد امام حسین علیه السلام ثوابی به ما برسد و هم
امید داشته باشیم که امام حسین علیه السلام به کلاس و برنامه‌ی ما نظری کنند و

ان شاء الله گوشهٔ چشمی به ما نمایند.^۱

علاوه بر اینکه قرار شد این سلام روزانه را به یک یا چند نفر از اصحاب امام هدیه بدهیم و یادی ویژه از آنان داشته باشیم.

از آنجاکه امروز روز سوم محرم است و غالباً روز سوم را اختصاص به سه ساله سیدالشهداء یعنی حضرت رقیه علیها السلام می دهند، ما نیز سلام امروز را هدیه می دهیم به تمامی دخترانی که در کربلا حضور داشتند و با چشمانی اشک بار، امام زمان خود را بدرقه کرده و با اشک خون، امامشان را راهی گودال کردند. هدیهٔ ثواب سلام امروز ما باید برای آن نازدانه‌هایی که گرد یتیمی را در کودکی به جان خریدند؛ مخصوصاً نازدانه حضرت، یعنی حضرت رقیه علیها السلام

به رسم ادب، دست ادب بر سینه می گذاریم و با عشق، سلام می دهیم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِبَاعِدَاللهِ وَ عَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ
مِنِّی سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَجَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی
لِزِیَارَتِکُمْ

السَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَصْحَابِ
الْحُسَیْنِ»

هر چقدر امام حسین علیه السلام و حضرت رقیه علیها السلام را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

خب بفرمایید که بحث ما درباره چه بود؟^۲

احسنت به همه شما غیور مردان ایران زمین. همان طور که گفتید بحث ما درباره «میوندار» بود و قرار شد در این جلسات درباره آن صحبت کنیم.

۱. این متن را در هر جلسه از باب مهارت تعبد بخشی تکرار می کنیم.

۲. مریدان عزیز توجه داشته باشند که مشارکت گیری فراموش نشود.



علاوه بر این، قرار بود به کمک پدر و مادر خود، درباره انواع میونداری گفتگو کنید و نتیجه آن را به صورت مکتوب بیاورید. خب هر عزیزی که تکلیف دیروز را به صورت مکتوب و البته به کمک والدین عزیزش نوشته است، لطف کند و برگه را برای من بیاورد!^۱

الهی که حضرت رقیه رضی الله عنہا همیشه محافظ و دعاگوی شما عزیزان امام حسینی باشد. الهی آمین.

شروع

وقتی به تاریخ کربلا نگاهی می‌اندازیم، میوندارانی را مشاهده می‌کنیم که به نوبه خود کارهای بسیار زیادی را برای سوق دادن مردم به سوی جبهه حق انجام داده‌اند. میوندارانی که با تلاش‌ها، خطبه‌ها، سخنرانی‌ها و حتی گاهی با شهادت خود، عامل زنده ماندن یاد و خاطره کربلا و عاشورا شدند. اگر بخواهیم نام برخی از میونداران تاریخ حسینی را ذکر کنیم، به نظر شما نام کدام یک از این عزیزان، زیاد به چشم می‌آید؟^۲

بسیار سپاسگزارم از شما عزیزان امام حسینی که اطلاعات عاشورایی خوبی دارید. همان‌طور که شما هم اشاره کردید، می‌توانیم ادعا کنیم که تک‌تک یاران سیدالشهدا علیه السلام همگی میونداران تاریخ حسینی هستند و هرکدام به نحوی، عامل سوق دادن به سوی خوبی‌ها بودند. کربلا، آن زمانی کربلا شد که همه افراد مانند اعضاء یک بدن عمل کردند و چون همه خود را به دیگری مربوط می‌دانستند؛ کربلا، کربلا شد؛ اما اگر بخواهیم نام چند نفر را به زبان آوریم به این موارد می‌توانیم اشاره کنیم.

حضرت زینب رضی الله عنہا

شاید بتوان گفت میوندار اصلی «نهضت عاشورا»، خانم زینب کبری رضی الله عنہا

۱. مریبان عزیز توجه داشته باشند که حتماً از کسانی که تکالیف را انجام می‌دهند، تقدیر و تشکر کنند تا علاوه بر سپاسگزاری از شخص انجام دهنده، انگیزه‌ای برای سایرین نیز باشد.

۲. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.



بودند. همان میونداری که با خطبه‌های شام و کوفه خود، هم نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام رازنده کرد، هم بلندگوی حق و حقیقت شد، هم نام و یاد و هدف کربلا رازنده نگه داشت.

من ابتدای این شعر را می‌خوانم و ادامه اش را شما بگویید:

کربلا در کربلا می‌ماند...!

احسنت به شما بچه‌هیئت‌های خُبره.

سزنی در نینوا می‌ماند، اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می‌ماند، اگر زینب نبود

چهره سرخ حقیقت بعد از آن طوفان رنگ

پشت ابری از ری می‌ماند، اگر زینب نبود

در عبور بستر تاریخ، سیل انقلاب

پشت کوه فتنه جامی‌ماند، اگر زینب نبود

شادی دل حضرت زینب علیها السلام بلند صلوات بفرستید.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

حضرت سجاد علیه السلام

یکی دیگر از میونداران اصلی کربلا، وجود نازنین امام سجاد علیه السلام است. میونداری که «نهضت اشک حسینی» را راه انداختند. میونداری که قریب به ۳۴ سال بعد از حادثه کربلا یک‌تنه ایستاد و مانع از ویران شدن بنای اسلام شد؟! میونداری که با دیدن آب از پدرش یاد می‌کرد، با دیدن نان یاد اباعبدالله علیه السلام رازنده می‌کرد و حتی با دیدن بریدن سرب یک گوسفند...؟!

حضرت رقیه علیها السلام

میوندار بعدی کربلا، دختر خانم سه‌ساله اباعبدالله، حضرت رقیه علیها السلام است. حضرت رقیه علیها السلام با مظلومیتشان در خرابه شام، پرچم میونداری



سیدالشهدا را به دوش کشیدند. مگر غیر از این است که ماجرای خرابه و دختر سه ساله اباعبدالله علیه السلام دل‌ها را تا قیام قیامت لرزاند؟! نه یک روز، نه دو روز، نه ده روز، نه یک سال و دو سال، بلکه بعد از ۱۴۰۰ سال روز به روز بر مجالس حق افزودند.

مسلم بن عقیل علیه السلام

دیگر میوندار کربلا که قبل از اتفاقات کربلا به شهادت رسید، حضرت مسلم بن عقیل بود. مسلم بن عقیل، میوندار نهضت کوفه حسینی بود. مسلم برای سوق دادن مردم کوفه به سوی خوبی‌ها، یک تنه ایستاد و در همین مسیر نیز به شهادت رسید.

حبیب بن مظاهر رضی الله عنه

دیروز درباره حبیب بن مظاهر، دیگر میوندار کربلا اندکی صحبت کردیم و گفتیم وقتی خبر رسیدن اباعبدالله علیه السلام به کربلا با نامه امام به او رسید، سریعاً سراغ دوست و رفیق خود یعنی مسلم بن عوسجه رفت و او را به سوی جبهه حق فراخواند و راهی کربلا شد. در تاریخ نوشته‌اند که حبیب بن مظاهر، حتی با برادر و خانواده خود راهی کربلا شد. میونداری حبیب فقط به اطرافیان ختم نشد و چند روز قبل از عاشورا، وارد قبیله خود شد و آن‌ها را نیز برای یاری امام زمانش فراخواند.^۲

۱. علی بن مظاهر اسدی، یکی از اصحاب و شهدای کربلاست که به همراه همسر خود وارد کربلا شد و تا پای جان در مسیر اباعبدالله الحسین علیه السلام ماند و به فیض شهادت نائل گشت. ابراهیم ابن علی عاملی کفعمی، المصباح، ص ۴۸۹.

۲. حبیب بن مظاهر به حضور امام حسین علیه السلام آمد و گفت: یا بن رسول الله! در این نزدیکی ما قبیله‌ای از بنی اسد هستند. آیا به من اجازه می‌دهی آنان را برای یاری تو دعوت کنم. چه بسا خدا به وسیله ایشان برای تو دفاع نماید؟ امام حسین علیه السلام فرمود: «مانعی ندارد.» حبیب شبانه بطور ناشناس متوجه آن گروه شد و نزد آنان رفت. ایشان حبیب را شناختند که از قبیله بنی اسد می‌باشد. لذا گفتند: چه منظوری داری؟ گفت: «من بهترین چیزی را برای شما آورده‌ام که مهمانی برای گروهی بیاورد.

من نزد شما آمده‌ام تا شما را برای یاری کردن پسر دختر پیامبرتان دعوت کنم. زیرا آن حضرت در میان گروهی از مؤمنین می‌باشد که هر مردی از آنان بهتر از هزار مرد است. آن گروه هرگز امام حسین را رها و به دشمن تسلیم نخواهند کرد. این عمر بن سعد است که امام حسین را محاصره نموده است، شما



سلیمان بن صرد خزاعی؛

میوندار بعدی کربلا که پس از واقعه عاشورا به خود آمد، شخصی است به نام سلیمان بن صرد خزاعی که با برگزاری جلسات هفتگی و راه اندازی گروه توأبین، میونداری جبهه حق را به عهده گرفت.

این‌ها برخی از میونداران تاریخ حسینی بودند که به اجمال از آن‌ها یاد کردیم.

حالا شادی روح همه کسانی که در مسیر اهل بیت علیهم‌السلام و میونداری جبهه حق بودند و در این راه به شهادت رسیده‌اند، بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

قالب عددی؛

دوستان من، همان‌طور که شنیدید میونداران تاریخ حسینی، تمام تلاش خود را برای سوق دادن دیگران به سوی خوبی‌ها انجام دادند؛ اما نکته‌ای که حائز اهمیت است اینجاست که میونداران تاریخ حسینی، برای دیگران اهمیت قائل می‌شدند و با پیوندهای اجتماعی، خیرخواهی خود به دیگران را به نمایش می‌گذاشتند.

یکی از ویژگی‌های اصلی میوندار، این است که او باید به همه توجه داشته باشد؛ حتی به حرکات و سکنات دیگران. میوندار نمی‌تواند بگوید: دیگران به من مربوط نیستند؟! خیر، ما همه به هم مربوطیم. میوندار باید حواسش به دیگران هم باشد. میوندار نمی‌تواند بدون توجه به دیگران، به میونداری خود ادامه دهد. اصلاً میونداری زمانی معنا پیدا می‌کند که با همراهی دیگران باشد. میوندار، حلقه وصل میان مداح و مردم است لذا چاره‌ای جز ارتباط با آن‌ها را ندارد.

خویشاوندان من هستید. من این نصیحت را به شما می‌کنم. پس بیائید و امروز سخن مراد را به نصرت حسین بشنوید تا بدین وسیله به شرافت دنیا و آخرت نائل شوید. من به خدا قسم می‌خورم احدی از شما با پسر پیامبر در راه خدا شهید نخواهد شد مگر اینکه در اعلیٰ علیین بهشت با حضرت علیه‌السلام رفیق خواهد بود...» محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۴، ص: ۳۸۷.



انواع ارتباط میونداری

دوستان من، همان طور که گفتیم، میوندار ناچار است که با دیگران در ارتباط باشد و این ارتباط هم بر ۲ نوع است. کدام یک از عزیزان می تواند این ۲ نوع ارتباط را ذکر کند؟^۱

پرواضح است که ارتباطات میوندار به ۲ قسمت تقسیم می شود:

۱. ارتباط با سینه زن ها یا همان مردم

۲. ارتباط با مداح یا همان امام و رهبر جامعه؛ که این قسمت را ان شاء الله در جلسه بعد توضیح خواهیم داد.

ضرورت توجه به پیوندهای اجتماعی

دوستان من، همان طور که گفتیم، میوندار ناچار است که با مردم در ارتباط باشد و از آنجاکه زندگی ما، زندگی اجتماعی است، دغدغه مندی و توجه به دیگران و پیوندهای اجتماعی، امری کاملاً بدیهی و ضروری است.

در زندگی اجتماعی، بی توجهی و بی تفاوتی ممنوع است.

در زندگی اجتماعی، زندگی دیگران به ما نیز مربوط است.

در زندگی اجتماعی، عاقبت به خیری دیگران نیز به تو مربوط است.

در زندگی اجتماعی، به فکر رفیق هم باید باشی.

در زندگی اجتماعی، جمله «من برای خودم زندگی می کنم و دیگران برای خودشان!» جمله ای است کاملاً باطل!

در زندگی اجتماعی، کسی نمی تواند بگوید که زندگی دیگران هیچ ارتباطی با من ندارد. کدام یک از دوستان^۲ می تواند آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه را برای ما با صوت زیبا بخواند؟ خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ

۱. ابتدا مشارکت گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

۲. اولویت با این است که جهت قرائت قرآن، از مترجمان استفاده شود اما اگر کسی نبود، بهتر است خود مربی با صوتی زیباتر و کند و در غیر این صورت می توان از صوت قراء مشهور استفاده کرد.



الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!)

این آیه یعنی ما نسبت به دیگران، مسئولیت داریم و باید آنان را یار و یاور باشیم.

اصلاً امر به معروف و نهی از منکر یعنی توجه به پیوندهای اجتماعی.

علاوه بر اینکه وجود نازنین پیامبر مهربانی‌ها می‌فرمایند: «أَلَا كَلِمَةٌ رَائِعَةٌ، وَ كَلِمَةٌ مَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۱ یعنی هرکدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد.

این روایت به وضوح به این مطلب اشاره می‌کند که ما نسبت به دیگران باید دغدغه‌مند باشیم.

زندگی بدون توجه به پیوندهای اجتماعی، برابر است با زندگی چراگاهی!

کدام یک از دوستان تا به الان به گاوداری‌ها سر زده است؟ زندگی بدون توجه به دیگران یعنی دقیقاً همان زندگی در گاوداری! چه کسی می‌تواند بگوید چرا؟^۲

احسنت به همگی، شما وقتی به گاوداری مراجعه می‌کنی، گاوهایی را مشاهده می‌کنی که در چراگاهی مشغول چرا هستند؛ اما هیچ‌کاری به هم ندارند! آن‌ها در کنار هم می‌چرند اما هیچ ارتباطی با دیگران برقرار نمی‌کنند. هر بار هم صاحب چراگاه یکی از آن‌ها را به کشتارگاه می‌برد و ذبح می‌کند و بقیه هم بی‌اعتنایند.^۳

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۸؛ حسن بن ابی الحسن دلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۴؛ محمد شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۱۹؛ ورام بن ابی الفراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶؛ زین الدین بن علی العاملی، منیة المرید، ص ۳۸۱.

۲. ضرورت مشارکت‌گیری فراموش نشود.

۳. برگرفته از کتاب «از دحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها»، تألیف جمعی از پژوهشگران، ص ۲۸.



حالا باور کردید که زندگی بدون توجه به پیوندهای اجتماعی، برابر است با زندگی چراگاهی؟!

دوستان من، آرامش واقعی در پیوندهای اجتماعی است و گاهی عاقبت به خیری من و شما نیز به آن مرتبط است.

ما اگر به پیوندهای اجتماعی، توجهی نداشته باشیم، عواقب آن به مرور زمان، دامن ما را هم خواهد گرفت. وقتی درد دیگران، درد ما نشد، آن درد به ما هم خواهد رسید. وقتی به آرامش دیگران اهمیت ندهیم، کم کم آرامش خود ما هم از بین خواهد رفت. بیایید باور کنیم که اگر به دنبال آرامش حقیقی هستیم، باید به فکر آرامش دیگران هم باشیم؛ یعنی اگر به فکر آرامش دیگران بودیم، آرامش واقعی به سمت ما سرازیر خواهد شد؛ و صدا البته به فکر دیگران نمی توانیم باشیم مگر اینکه اهل پیوندهای اجتماعی باشیم.

کدام یک از عزیزان شعر معروف سعدی را که جهانی هم شده و مربوط به بحث ما نیز می باشد را بخواند؟^۱

احسنت به شما شاعران دوست داشتنی!

سعدی در رابطه با ضرورت توجه به پیوندهای اجتماعی می گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی
یعنی تو به درد همان زندگی چراگاهی می خوری و بس!

۱. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می دهند، تقدیر و تشکر شود.



دوستان من، ما باید به پیوندهای اجتماعی توجه کنیم چراکه گاهی عاقبت به خیری ما نیز در آن است.

بیا یید مثالی بزنیم. اگر شما در کشتی باشید و یک نفر به خاطر ناراحتی و عصبانیتی که دارد شروع به آسیب رساندن به خودش و کشتی کند شما در برابر او چه می‌کنید؟!۱

همه می‌دانیم که ما نمی‌توانیم بگوییم کار او به ما ربطی ندارد! اگر به او توجهی نداشته باشیم و او را به حال خود رها کنیم مطمئناً بجز خود، باعث غرق شدن تمام افراد خواهد شد!

خدا رحمت کند همه شهدای عزیزمان را. سردار بی‌سر شهید محمد ابراهیم همت می‌گوید: «ما در قبال تمام کسانی که به گناه می‌افتند، مسئولیم!»

یعنی ما نباید شاهد غرق شدن دیگران باشیم و قطعاً باید حواسمان به آن‌ها باشد.

مثالی دیگر: اگر خانه همسایه شما آتش بگیرد یا مغازه کناری شما در حال سوختن باشد واقعاً چه می‌کنید؟!۱

دو راه جلوی پای شما قرار دارد؛ یکی این که بگویید به من هیچ ارتباطی ندارد و خانه و مغازه من نیست! که هر عاقلی هم می‌داند که اگر خیر دیگری را نخواهد و صبر کند تا منزل یا مغازه کاملاً آتش بگیرد، مطمئناً آتش به خانه و مغازه او نیز سرایت خواهد کرد! راه دیگر این است که شما به کمک همسایه بروید و از بقیه همسایه‌ها نیز کمک بگیرید تا آتش منزل و مغازه همسایه را خاموش کنید!

برقراری پیوند اجتماعی، دقیقاً معنای همان شعر معروف است که می‌گوید:

هر چه کنی، به خود کنی
گر همه نیک و بد کنی

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.



پس میوندار واقعی کسی است که اهل برقراری ارتباط با همه و به عبارتی اهل پیوندهای اجتماعی است.

راستی به نظر شما، ما باید با چه کسی یا چه کسانی پیوند اجتماعی برقرار کنیم؟^۱

انواع پیوندهای اجتماعی

میونداران آینده ایران زمین، اگر بخواهیم در یک دسته بندی منظم به این سؤال پاسخ بدهیم، پیوندهای اجتماعی را به ۵ دسته می توانیم تقسیم کنیم.

۱. خانواده؛

اولین گروهی که ما باید پیوندهای اجتماعی مان را با آن ها قوی کنیم، خانواده خودمان است. همان کسانی که شبانه روز با آن ها زندگی می کنیم؛ پدر و مادر و خواهر و برادرمان. در زندگی خانوادگی، خانواده ای موفق است که پیوندهای ارتباطی بین افراد بسیار قوی باشد.

ما باید در خانه کمک یار و کمک حال همدیگر باشیم.

ما باید در خانه راه گشای مشکلات هم باشیم.

ما باید در خانه هوای همدیگر را داشته باشیم.

ما باید در خانه اهل همدلی و اتحاد باشیم.

ما باید در خانه از یکدیگر تشکر کنیم.

خب شما دوستان بفرمایید که ما در خانه، چگونه می توانیم پیوندهای محبتی خودمان را برقرار کنیم؟^۲

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۲. مریبی باید پاسخ هایی که خود نیز مدنظر دارد را به واسطه راهنمایی ها و گره هایی که می زند، از زبان مخاطب بیرون بکشد.

برخی از پاسخ های مناسب:

پهن و جمع کردن سفره



تنوع

صحبت از خانواده شد، بیايید این صلوات مخصوص را به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هدیه دهیم تا هم ثوابی کرده باشیم و هم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برای سلامتی خانواده مادعايي کنند!^۱

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَى النَّبِيِّ

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ و عَلَى آلِ النَّبِيِّ

الهی که زندگی همه شما میونداران حسینی، مملو از عشق و محبت باشد. البته ممکن است عزیزی بین ما باشد و خدایی ناکرده یکی از اعضای خانواده‌اش را از دست داده باشد، بیايید شادی روح همه اموات، مخصوصاً اموات مرتبط با این جمع هم یک صلوات محمدی بفرستیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

ادامه محتوا

۲. اقوام و آشنایان؛

دومین گروهی که ما باید پیوندهای اجتماعی‌مان را با آن‌ها قوی کنیم، اقوام و آشنایان ما هستند؛ همان فامیل و بستگان نزدیک. عمو، عمه، خاله، دایی و مابقی.

به نظر شما چگونه می‌توانیم پیوند اجتماعی خودمان با اقوام و آشنایان را افزایش دهیم؟^۲

احسنت به همه شما غیورمردان ایران زمین.

بهترین و ساده‌ترین و البته پرسودترین راه، صلح‌رحم است.

خرید و سائل ضروری مثل نان

رعایت مسائل اقتصادی

صرفه‌جویی در مصارف

۱. مریبان گرامی جهت تنوع بخشیدن به فضای کلاس می‌توانند چندین مرتبه این صلوات را با اوج و فرود صدایی مختلف بخوانند و از متریبان بخواهند با او تکرار کنند.

۲. ضرورت شنیدن نظرات متریبان.



کدام یک از دوستان، حدیث یا روایتی را در رابطه با صلہ رحم و یا ترک آن در ذهن دارد تا برای همه بیان کند؟^۱

روایات بسیار زیادی در رابطه با صلہ رحم وجود دارد اما بخاطر کمبود وقت فقط به ۲ مورد آن اشاره می‌کنم.

وجود نازنین پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسَيِّطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَجَلِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ» (هر که خوش دارد روزی اش زیاد شود و مرگش به تأخیر افتد، صلہ رحم کند).^۲

یا در جایی دیگر می‌فرمایند: (هر کس با جان و مال خود در راه صلہ رحم کوشش کند، خداوند عزوجل پاداش یک صد شهید به او می‌دهد).^۳

خداوکیلی چه دین زیبایی ما داریم؟! ثواب ۱۰۰ شهید با صلہ رحم؟!!

تو می‌توانی به راحتی با صلہ رحم، با شهدا شریک شوی. این خیلی نکته مهمی است. در خاطرات شهید حمیدرضا نوبخت از زبان خواهرش آمده است که:

به صلہ ارحام توجه داشت. به عمه بزرگ ما علاقه زیادی داشت؛ و هر وقت فرصتی می‌یافت به دیدارش می‌شتافت. در صلہ رحم، موضوعات اعتقادی را زیاد دخالت نمی‌داد. ایشان از ضعف‌هایی که بعضی از خویشاوندان داشتند، خوشحال نبود، ترجیح می‌داد ارتباط داشته باشد و صلہ رحم به‌جا آورد و احتمالاً تاثیرگذار باشد.^۴

در مقابل نیز قطع ارتباط با اقوام و به فرمایش دین، قطع رحم، آنقدر مورد مذمت دین قرار گرفته است تا جایی که رسول مهربانی‌ها ﷺ در این باره

۱. در صورت پاسخ دادن، تشویق فراموش نشود.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار: ۵/۸۹/۷۴.

۳. «مَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ لِيَصِلَ رَحْمَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ» (محمد بن علی الصدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶)

۴. شهید حمیدرضا نوبخت، یا به بای شهید، ش ۲۶، ص ۲۱.



می فرمایند: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعُ رَحِمٍ» (قاطع رحم، داخل بهشت نمی شود!) یا حضرت می فرمایند: (بوی بهشت از هزار سال راه به مشام می رسد ولی عاق والدین و قاطع رحم، بوی آن راهم نخواهند شنید!)^۲

و بالاتر از همه اینکه قاطع رحم در قرآن کریم، مورد لعن خداوند قرار گرفته است؛ خداوند در سوره محمد آیه ۲۲ و ۲۳ می فرماید: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ» (شما اگر اختیار امور را به دست بگیرید در زمین فساد کرده و قطع رحم می کنید. چنین افرادی را خدا لعنت کرده است.)

هر کسی اهل صلح و رحمت و انجام این پیوند اجتماعی است، بلند صلوات بفرستد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خب برویم سراغ سومین گروهی که باید پیوند اجتماعی خودمان را با آن‌ها قوی کنیم.

۳. دوستان و رفقا؛

سومین گروهی که در پیوندهای اجتماعی قرار دارند، دوستان و رفقای ما هستند. همین رفقای که در مدرسه و مسجد و محله با آن‌ها در ارتباط هستیم. به نظر شما راه افزایش پیوندهای اجتماعی با دوستان چیست؟^۳

کارهای زیادی را در جمع دوستان و رفقای ما می توان انجام داد اما اگر بخواهیم فقط به ۲ مورد آن اشاره کنیم، خواهیم گفت: اولین کار برای این پیوند اجتماعی، انجام کارهای گروهی و تشکیلاتی است. ما باید دست در دست هم بدهیم و اهل کار تشکیلاتی شویم. ساده ترین کار تشکیلاتی برای امام حسین علیه السلام در

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، جلد ۷۱، صفحه ۹۱.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ يُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ مَا يَجِدُهَا عَائِقٌ وَلَا قَاطِعٌ رَحِمٍ وَلَا شَيْخٌ زَانٍ وَلَا جَائِرٌ إِزَارُهُ خِيَلَاءٌ وَلَا فَتَانٌ وَلَا مَثَانٌ وَلَا جَعْفَلَرِيٌّ». قَالَ: قُلْتُ: فَمَا الْجَعْفَلَرِيُّ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَسْتَشِعُّ مِنَ الدُّنْيَا» (محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، جلد ۸، ص ۱۹۳).

۳. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.



محرم این است که باکمک یکدیگر، یک تکیه مخصوص خودتان بزنید یا اگر نشد، باچند ظرف شربت، ایستگاه صلواتی برای حضرت راه بیندازید. دومین کار برای این پیوند، دستگیری از دوستان در سختی‌هاست. سیدجلیل مسعودیان از دوستان شهید عباس بابایی می‌گوید:

پنج یا شش روز به عید سال ۱۳۶۱ مانده بود. ساعت ده شب شهید بابایی به منزل ما آمد و مقداری طلا به من داد و گفت: «فردا به پول نیاز دارم، این‌ها را بفروش.» گفتم: «اگر پول نیاز داری، بگو از جایی تهیه کنم.» او جواب داد: «تو نگران این موضوع نباش. من قبلاً این‌ها را خریده‌ام و فعلاً نیازی به آن‌ها نیست. در ضمن با خانواده‌ام هم صحبت کرده‌ام.» من فردای آن روز به اصفهان رفتم، آن‌ها را فروختم و برگشتم. بعد از ظهر با او تماس گرفتم و گفتم که کار انجام شد. او گفت که شب می‌آید و پول‌ها را می‌گیرد. شهید بابایی شب به منزل ما آمد و از من خواست تا برویم بیرون و کمی قدم بزنیم. من پول‌ها را با خودم برداشتم و بیرون رفتم. کمی که از منزل دور شدیم، گفت: «وضع مناسب نیست. قیمت اجناس بالا رفته. حقوق کارمندان و کارگران پایین است و درآمدشان با خرجشان نمی‌خواند و...» حدود نیم‌ساعت از همین حرف‌ها زد. بعد رو به من کرد و گفت: «شما کارمندها هم عیال وارید. خرجتان زیاد است و من نمی‌دانم باید چه کار کنم.» بعد از من پرسید: «این بسته اسکناس‌ها چندی است؟» گفتم: «صدتومانی و پنجاهتومانی.» پول‌ها را از من گرفت و بدون اینکه بشمارد، بسته پول‌ها را باز کرد و از میان آن‌ها یک بسته اسکناس پنجاهتومانی درآورد و به من داد. گفت: «این هم برای تو و خانواده‌ات. برو شب عیدی چیزی برای‌شان بخر.» اول قبول نکردم. بعد چون دیدم ناراحت شد، پول را گرفتم و پس از خداحافظی، خوشحال به خانه برگشتم. بعداً از دوستی شنیدم که همان شب پول‌ها را بین سربازان متأهل که قرار بوده فردا برای مرخصی عید پیش زن و فرزندشان بروند، تقسیم کرده است.^۱

۱. کورش بوستانی، «پاکباز عرصه عشق شهید سرلشگر خلبان عباس بابایی»، پایگاه اطلاع‌رسانی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دسترسی در:



۴. هم محله‌ای‌ها!

چهارمین گروهی که ما باید پیوندهای اجتماعی‌مان را با آن‌ها قوی کنیم، همسایه‌ها و هم محله‌ای‌های ما هستند. ما به راحتی می‌توانیم با محکم‌کردن این پیوند اجتماعی، میونداری محله را در دست بگیریم. راه اندازی هیئت هفتگی یا ماهانه و کمک به یکدیگر از جمله کارهایی است که می‌توان برای آن‌ها انجام داد.^۱

شهید حسن آقاسی زاده اهل خراسان بود. نقل می‌کنند:

«برای خرید کفش مقداری پول کنار گذاشته بود و قرار بود برای خودش کفش بخرد. بعد از گذشت مدتی دیدم همان کفش‌های فوتبالی قبلی پیش هست. سؤال کردم چرا کفش نگرفتید؟ جوابی به من نداد. تا اینکه بعداً متوجه شدم با همان پول کفشی خریده و به یک فردی که نیازمند بوده هدیه کرده است.»^۲

یا شهید محمد فلاح؛ خانواده‌اش نقل می‌کنند:

«همه ازش راضی بودند. تمام تعطیلاتش را صرف کمک به دیگران می‌کرد. اوقات فراغتش خلاصه می‌شد در کمک‌کردن به مردم. هر وقت

<https://siasi.aja.ir/portal/home/?EVENT/14790/14792/60581>.

۱. در صورت داشتن زمان، می‌توان از این داستان نیز استفاده کرد: مرحوم سید جواد عاملی، از شاگردان علامه سید مهدی بحر العلوم بود. شبی موقع شام، علامه بحر العلوم، سید را به منزلش احضار کرد. وقتی شاگرد به منزل استاد رسید، دید استاد کنار سفره نشسته و دست به غذا نمی‌زند. علامه بحر العلوم با خشم شاگرد را عتاب کرد: «سید جواد! از خدا نمی‌ترسی؟! از خدا شرم نداری؟!» شاگرد که متحیر مانده بود، تقصیر خود را از استاد جویا شد. ظاهراً خانواده‌ای در همسایگی سید جواد عاملی هفت شبانه روز چیزی برای خوردن نداشتند، جز خرمایی که مرد خانواده در این مدت از بقال قرض می‌گرفت. روز هفتم دیگر بقال به او قرض نداده و او شرمند شده بود. شاگرد از این ماجرا اظهار بی‌اطلاعی کرد. علامه او را اینطور توبیخ کرد: «همه داد و فریادهای من برای این است که چرا اطلاع نداشتی؛ وگرنه، اگر باخبر بودی و کمک نمی‌کردی که مسلمان نبودی و بیهودی محسوب می‌شدی!» سپس سینی غذای بزرگی را که آماده کرده بود، با مقداری پول به شاگرد داد تا به همسایه‌اش برساند. (رضا مختاری، سیمای فرزانتگان، ص ۲۵۲).

۲. شهید حسن آقاسی زاده شعرباف، اطلاعات دریافتی از کنگره سرداران و ۳۲۰۰۰ شهید استانه‌ای خراسان.



دنبالش می‌گشتم، می‌توانستیم او را کنار مزرعه در حال کمک به پدر یا در خانه مددکار مادر و یا خانه یکی از خواهرانش در حالی که فرزندان آن‌ها را نگهداری می‌کرد، پیدا کنیم. پدر او را آچار فرانسه می‌نامید و باعث شادی همه می‌شد.»^۱

۵. امام و رهبر جامعه

پنجمین و مهم‌ترین پیوند اجتماعی، پیوند با امام و رهبر جامعه است که ان‌شاءالله در جلسه بعد توضیح خواهیم داد.

جمع‌بندی

اگر بخواهیم خیلی خلاصه وار مطالب امروز را مرور کنیم این می‌شود که در ابتدا از میونداران تاریخ حسینی نام بردیم و سپس به انواع میونداری اشاره کردیم و گفتیم که ۲ نوع میونداری داریم: یکی با مردم است و دیگری با امام جامعه. در ادامه به توضیح ضرورت توجه به پیوندهای اجتماعی پرداختیم و در آخر، انواع پیوندهای اجتماعی را که ۵ مورد بود توضیح دادیم که عبارت بودند از:

خانواده؛

اقوام و بستگان؛

دوستان و رفیقان؛

همسایه‌ها و هم‌محله‌ای‌ها؛

امام و رهبر جامعه که بعداً توضیح خواهیم داد.

تکلیف

برای جلسه بعد دوستان عزیز با کمک همدیگر به این سؤال ساده پاسخ بدهید و راهکارهای عملیاتی خودتان را یادداشت کنید و بیاورید.

اما سؤال این است که به نظر شما چه کارهای تشکیلاتی را می‌توانیم با

۱. غلامعلی رجایی، سیرت شهیدان، صفحه: ۸۵.



دوستان و رفقایمان در مسجد، محله و مدرسه انجام دهیم؟

دعای پایانی

در انتهای کلاس نیز بیایید با همدیگر دعا کنیم!

خدایا! ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را برسان.

خدایا! ما را از یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار بده.

خدایا! به ما کمک کن اهل برقراری پیوندهای اجتماعی باشیم.

بارالها! ما را بی توجه به خانواده، دوستان، اقوام و همسایه‌ها قرار مده.

خداوندگارا! ما را برقرارکننده پیوندهای اجتماعی و اتحاد و همدلی قرار بده.

ان شاء الله که همگی میوندار خوبی‌ها و برقرارکننده پیوندهای اجتماعی

باشیم، یک صلوات بلند بفرستید.

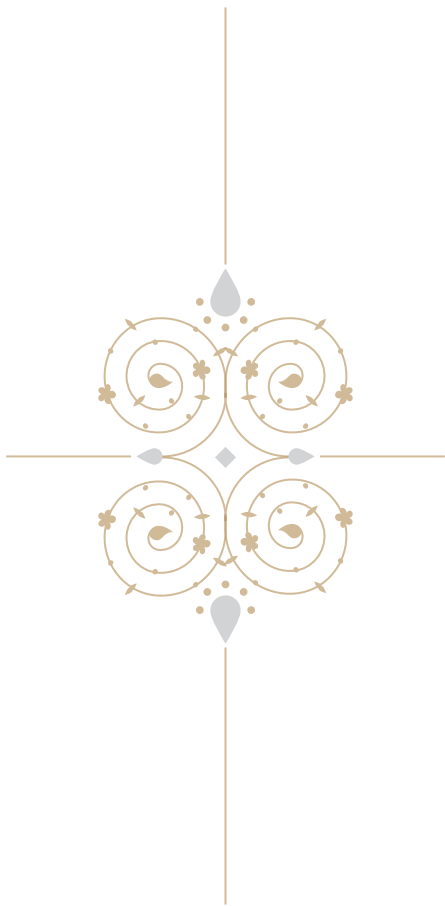
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



جلسه چهارم

خوشبختی با امام است!

(تبیین تنظیم زاویه نگاه با امام جامعه)



ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام قلب بندگان را!
به نام خدای امام حسین علیه السلام

دوستان و رفقای امام حسینی، سلام! به سبک دعای همیشگی، امیدوارم که حال دلتان همیشه خوب باشد و امام حسینی.

بر اساس عهدی که در جلسه اول با هم بستیم، آغاز تمامی جلساتمان را با سلام بر وجود نازنین ابوالفضل علیه السلام و یاران باوفایش علیهم السلام شروع می‌کنیم تا هم جلساتمان پربرکت شود، هم به واسطه یاد امام حسین علیه السلام ثوابی به ما برسد و هم امید داشته باشیم که امام حسین علیه السلام به کلاس و برنامه ما نظری کنند و ان شاءالله گوشه چشمی به ما نمایند.^۱

علاوه بر اینکه قرار شد این سلام روزانه را به یک یا چند نفر از اصحاب امام هدیه بدهیم و یادی ویژه از آنان داشته باشیم.

سلام دیروز را به تمامی دخترانی که در کربلا حضور داشتند، مخصوصاً حضرت رقیه علیها السلام هدیه دادیم. سلام امروز را هم می‌خواهیم هدیه بدهیم به تمامی پسرانی که در کربلا حضور داشتند و تا پای جان ماندند. مخصوصاً

۱. این متن را در هر جلسه از باب مهارت تعبذبخشی تکرار می‌کنیم.

پسران حضرت زینب علیها السلام که در کربلا به شهادت رسیدند؛ یکی عَوْن و دیگری محمد.

امروز هم به رسم ادب، دست ادب بر سینه می‌گذاریم و با عشق، سلام می‌دهیم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابا عبد الله وَ عَلَی الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَيْكَ مَتَى سَلَامُ اللَّهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لاجَعَلَهُ اللَّهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مَتَى لِي زِيَارَتِكُمْ
السَّلَامُ عَلَی الْحُسَيْنِ وَ عَلَی عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ
عَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»

هر چقدر امام حسین علیه السلام را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

الهی که امام حسین علیه السلام همیشه محافظ و نگهدار شما میونداران امام حسینی باشد. الهی آمین.

شروع

اصلاً حسین جنس غمش فرق می‌کند

این راه عشق پیچ و خمش فرق می‌کند

اینجا گدا همیشه طلب‌کار می‌شود

اینجا که آمدی کرمش فرق می‌کند

صد مرده زنده می‌شود از ذکر یا حسین

عیسای خانواده دمش فرق می‌کند

از نوع ویژگی دعا زیر قبه‌اش

معلوم می‌شود حرمش فرق می‌کند

همان طور که می‌دانید بحث این چند روز ما درباره میونداری جریان و جبهه



حق بود و در جلسات گذشته گفتیم که میوندار، حلقه وصل میان مردم و مداح است لذا ارتباطات میوندار به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

۱. ارتباط با سینه‌زن‌ها یا همان مردم؛ که در جلسه قبل توضیح دادیم.

۲. ارتباط با مداح یا همان امام و رهبر جامعه؛ که در این جلسه ان‌شاءالله توضیح خواهیم داد.

قالب تشبیهی - انواعی - مقایسه‌ای:

همان‌طور که می‌دانید یکی از نکات بسیار مهم و اساسی که میوندار باید حواسش به آن باشد، ارتباط او با مداح است. میوندار باید تمام تمرکز خود را بر این بگذارد که با مداح هماهنگ باشد. میوندار هیئت حاج سعید حدادیان تعریف می‌کند: «قبل و بعد از هیئت آقای حدادیان من را صدا می‌زدند و می‌گفتند نوحه؛ این است. شما باید اینجا این کار را بکنی و آنجا این کار را بکنی.»^۱

ضرورت هماهنگی میوندار با مداح امری کاملاً طبیعی بوده و هیچ‌کسی منکر آن نمی‌شود. میوندار باید بر اساس برنامه‌های مداح، رفتار کند. تمام زوایای برنامه‌ها باید با هماهنگی مداح باشد. اصلاً در این هماهنگی‌هاست که زیبایی‌ها احساس می‌شود. زیبایی تلاش میوندار، در هماهنگی با مداح است که رخ‌نشان می‌دهد.

در زندگی دنیایی نیز همین است. قبلاً گفتیم که شما عزیزان و غیورمردان ایران‌زمین، میونداران اصلی جامعه و پیوندهای اجتماعی در آینده خواهید بود. بر این اساس باید زاویه نگاه‌تان را با زاویه نگاه امام تنظیم کنید. شما باید همه‌چی را با زاویه نگاه امام مشاهده کنید. باید آن چیزی را ببینید که امام می‌بیند. شما باید نوع ارتباط خودتان را با امام به صورت ویژه ببینید.

میوندار واقعی کسی است که علاوه بر منظم‌کردن ارتباط خود با دیگران که در جلسه قبل اشاره کردیم، ارتباطش را با امام و رهبر حال حاضر

۱. به نقل از «خبرگزاری تسنیم»:



جامعه‌اش نیز، مرتب و منظم کند. در عصر حاضر که از دیدن چهره زیبای امام زمانمان محرومیم، باید گرداگرد رهبری بچرخیم و میونداری کسی را بکنیم که اولاً یک مجتهد مسلّم است، دوماً مفسّر قرآن کریم است، سوماً تحلیل‌گر سیاست دولت‌های استکباری و نابودکننده آنهاست، چهارماً قانون‌مدار است، پنجماً سابقه مبارزاتی داشته و جانباز است، ششمماً صاحب‌نظر در بسیاری از رشته‌های مختلف است مثل فلسفه، شعر، فقه و خیلی خوبی‌های دیگری که زبان از بیان آن قاصر است.

به نظر شما چنین کسی وجود دارد؟! اصلاً شدنی است؟! مگر می‌شود؟! مگر داریم؟! بله هم می‌شود و هم داریم، این شخص مجتهد مفسّر قانون‌گذار تحلیل‌گر صاحب‌نظر کسی نیست جز مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای حفظه‌الله. سلامتی حضرت آقا بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

دوستان من، ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که لقمان حکیم به پسرش درباره این دنیا این‌گونه می‌گوید: یا بُنَّیْ! ای پسر من! «إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ» (دنیا دریای عمیقی است).^۱ آن وقت من و شمایی که قرار است میوندار و سکاندار این دریای عمیق باشیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه سوار بر یک کشتی عالی بشویم. ما برای اینکه در دریای طوفانی سالم بمانیم، به ناچار باید سوار یک کشتی مطمئن و خوب بشویم. اگر می‌خواهیم در این دنیا، زندگی کنیم و سالم بمانیم، باید سوار کشتی مخصوص و خوب و مطمئن بشویم؛ اما به نظر شما، این کشتی مخصوص و خوب و مطمئن دنیا که می‌تواند ما را نجات بدهد چیست؟^۲

ممنون و سپاسگزارم از همه عزیزانی که در بحث ما مشارکت می‌کنند و

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶، ح ۱۲.

۲. مربی نظرات مترجمان را شنیده و پاسخ‌های آنان را در گوشه‌ای از تابلو یادداشت کند. اگر کسی پاسخ صحیح داد، تشویق فراموش نشود.



همراه همیشگی ما هستند. وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جواب سؤال ما را داده‌اند.

پیامبر مهربان ما در یک روایتی بسیار زیبا می‌فرماید:

«إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ» (همانا مثل خاندان من در میان شما به کشتی نوح می‌ماند.)

«مَنْ رَكِبَهَا نَجَا» (هر که بر آن سوار شد نجات یافت.)

«وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (و هر که از آن بازماند غرق شد).^۱

این روایت به من و شما می‌گوید: اگر می‌خواهید میوندار این دنیای طوفانی باشید باید با امام جامعه هماهنگ باشید. میونداری می‌تواند ادعای میونداری کند و همه را به سرمنزل مقصود برساند که سوار بر کشتی امام شده باشد.

امام، کشتی نجات است. «مَنْ رَكِبَهَا نَجَا» (هر که بر آن سوار شد نجات یافت.)

دوستان هیئتی من، نجات و عاقبت به خیری من و شما در میونداری برای اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مخصوصاً اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

شاید برای تان سؤال شده باشد که چرا گفتم مخصوصاً امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ. قبل از اینکه پاسخ بدهم، کدام یک از عزیزان می‌تواند به این سؤال پاسخ بدهد؟^۲

احسنت به شما دوستان اران امام حسینی.

شخصی رسید خدمت وجود نازنین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ و سؤال کرد: یا ابن رسول الله! ای پسر پیامبر خدا! مگر همه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ کشتی نجات نیستند؟ پس چرا می‌گویند «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النِّجَاةِ»

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار: ۲۳ / ۱۰۵ / ۳.

۲. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.



چرا می‌گویند امام حسین علیه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است؟ امام صادق علیه السلام در جواب او فرمودند:

«كُنَّا سَفْنُ التَّجَاةِ وَ لَكِنْ سَفِينَةُ جَدِّي الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَ فِي الْجُحِّ الْبِحَارِ أَسْرَعُ» (همه ما اهل بیت علیهم السلام کشتی‌های نجاتیم، ولی کشتی جدم حسین علیه السلام وسیع‌تر و در عبور از امواج سهمگین دریاها سریع‌تر است).^۱

بله دوستان من، به فرموده وجود نازنین امام صادق علیه السلام، کشتی نجات اباعبدالله الحسین علیه السلام با همه فرق می‌کند.

اصلاً حسین جنس غمش فرق می‌کند

این راه عشق پیچ‌وخمش فرق می‌کند

من از حسین مئی پیغمبر خدا

فهمیده‌ام، حسین همه‌اش فرق می‌کند

امام حسین علیه السلام با عالم فرق می‌کنند. امام حسین علیه السلام، کشتی نجاتند.

تشبیه کشتی دنیا و کشتی امام حسین علیه السلام

راستی یک سؤال:

حالا که گفتیم کشتی امام حسین علیه السلام بزرگ‌تر و سریع‌تر است، به نظر شما چه شباهت‌هایی بین کشتی امام حسین علیه السلام و کشتی‌هایی که ما در دنیا می‌بینیم، می‌تواند باشد؟

بیا بید با کمک هم دیگر این شباهت‌ها را بنویسیم:^۲

- کشتی‌های دنیا برای راهنمایی و هدایت کردن به سمت مقصد نقشه دارند، کشتی امام حسین علیه السلام هم برای هدایت و راهنمایی ما، یک نقشه زیبا دارد و آن نقشه دقیق و زیبا، قرآن است؛ یعنی چه؟ یعنی هرکسی که اهل قرآن شد و به آن عمل کرد، هرگز گمراه نخواهد شد.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۲۲، حدیث ۱۴.

۲. مرییان گرامی باید ابتدا ویژگی‌های مشبّه به را ذکر کنند و سپس به ادامه کار بپردازند.



امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: 'الْقُرْءَانُ هُدًى مِنَ الصَّلَاةِ، وَتَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى، وَاسْتِقَالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ، وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ، وَ ضِيَاءٌ مِنَ الْأَحْدَاثِ'» (رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: 'قرآن هدایت را از ضلالت جدا می‌کند؛ و روشنی و حجت را از کوری متمیز می‌سازد؛ و از لغزش‌ها ننگه می‌دارد؛ و در ظلمت‌ها نور می‌دهد؛ و در برابر حوادث روشنگر است!')^۱

● کشتی‌های دنیا بادبانی دارند که برای حرکت و هدایت کشتی از آن استفاده می‌کنند. وجود نازنین امام حسین علیه السلام هم با گفتار و رفتار و عمل خود نوری دارند برای حرکت مردم به سمت ایشان؛ یعنی چی؟ یعنی کافی است خودت را در مسیر امام قرار بدهی. همین که در مسیر امام افتادی، امام خودش دستت را می‌گیرد.

زهیر بن قین، اصلاً قصد همراهی با امام زمان خود را نداشت اما چون مسیر او با مسیر امام یکی بود و به قول معروف، چون زهیر، هم مسیر امام بود، بالاخره امام او را نجات داد و شد، شهید راه امام.

● کشتی‌های دنیا فقط افرادی را سوار می‌کنند که بلیت دارند؛ یعنی اگر شما بلیت نداشته باشی، به هیچ عنوان نمی‌توانی سوار بر آن کشتی شوی. کشتی امام حسین علیه السلام هم انسان‌ها را سوار می‌کند؛ اما نه فقط کسانی که بلیت دارند، بلکه همه را سوار می‌کند و اصلاً گلچین نمی‌کند؛ یعنی هم خوب‌ها را راه می‌دهد و هم بد‌ها را؛ یعنی مهم نیست تو تا به الان در چه مسیری بوده‌ای، مهم این است که سوار بر کشتی امام

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْقُرْءَانُ هُدًى مِنَ الصَّلَاةِ، وَ تَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى، وَ اسْتِقَالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ، وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ، وَ ضِيَاءٌ مِنَ الْأَحْدَاثِ، وَ عِصْمَةٌ مِنَ الْمُهْلَكَةِ، وَ رُشْدٌ مِنَ الْعَوَايَةِ، وَ بَيَانٌ مِنَ الْغَيِّ، وَ بَلَاغٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ؛ وَ فِيهِ كَمَالٌ وَ بَيِّنَةٌ؛ وَ مَا عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْءَانِ إِلَّا إِلَى النَّارِ.» (رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن هدایت را از ضلالت جدا می‌کند؛ و روشنی و حجت را از کوری متمیز می‌سازد؛ و از لغزش‌ها ننگه می‌دارد؛ و در ظلمت‌ها نور می‌دهد؛ و در برابر حوادث روشنگر است؛ و از هلاکت پاسدار و نگهبان است؛ و از گمراهی و غی و کج‌روی، رشد و ارشاد است؛ و در فتنه‌ها بیان و مبین واقع است؛ و برای رساندن توشه و متاع مردم از این دنیا به سوی آخرت است؛ و در قرآن کمال دین شماس است؛ و هیچ‌کس از قرآن عدول نکرده است مگر آنکه به آتش در افتاده است.) ملا محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۹، ص ۱۷۰۳.



حسین علیه السلام شوی.

همه داستان حرّ بن یزید ریاحی را شنیده اید. حرّ، کسی است که مقابل امام ایستاد و جلوی حرکت کاروان امام را گرفت. حرّ کسی است که نفرین امام را به همراه داشت. حضرت فرمودند: «نَكَلْتُكَ أُمَّكَ» (مادرت به عزایت بنشیند!) اما همین حرّ، وقتی خودش را به کشتی نجات اباعبدالله الحسین علیه السلام رساند، امام با آغوش باز او را پذیرفت. امام حسین علیه السلام، گلچین نکرد. حضرت، حرّ یزیدی را تبدیل به حرّ حسینی کرد.

● کشتی‌های دنیا یک بوقی دارند که برای هوشیاری و شروع و پایان و احتمال خطر از آن استفاده می‌کنند. امام حسین علیه السلام هم هر ساله اول ماه محرم با هیئت و عزاداری سراسری، یک ندایی در سراسر عالم می‌دهد که: «أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ!» ای مردم عالم! ماه عزای من شروع شد! هرکسی که می‌خواهد سوار این کشتی شود، بسم‌الله.

● کشتی چیزهای دیگری هم دارد مثل ناخدا، ملوان، سکان‌دار، آشپز و... امام حسین علیه السلام هم در کشتی خودش؛ هیئت، بانی مجلس، روضه‌خوان، مداح، آشپز و خادم و... دارد. همه چی مهیّا است، کافی است سوار شویم.

همه حرف ما این بود که نجات و عاقبت به‌خیری من و شما در میونداری برای اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً اباعبدالله الحسین علیه السلام است. من باید ارتباطم را با امام، جور دیگری تنظیم کنم.

تنوع

قبل از اینکه انواع ارتباط با امام را برای تان بگویم، بیایید شادی دل همه اهل بیت علیهم السلام عصمت و طهارت، مخصوصاً وجود نازنین امام حسین علیه السلام، این صلوات همیشگی را بفرستیم.

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَى النَّبِيِّ

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ النَّبِيِّ



هر کس دوست دارد سوار بر کشتی نجات امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام شود، بلند صلوات بفرستد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

ادامه محتوا:

انواع ارتباط با امام:

دوستان و میونداران آینده ایران اسلامی، برای اینکه با انواع ارتباط با امام آشنا شویم، من بخشی از یک کلمه را روی تابلو می نویسم و شما باید حدس بزنید چه کلماتی را می توان از آن بدست آورد.

م ا ه ا ی

خب بسیار سپاسگزارم از فعالیت هوشی شما و فشاری که به مغزتان آوردید!

انواع ارتباط با امام را با سه کلمه می توان توضیح داد.

مقابله ای؛

اولین نوع ارتباط و بدترین نوع ارتباط، مقابله ای است؛ یعنی مقابل امام ایستادن! یعنی نه تنها با امام رابطه ای ندارند، بلکه مقابل امام نیز می ایستند و دشمنی هم می کنند! این افراد، میونداران جبهه کفر هستند که نمونه معروف آن هم عمر سعد و شمر و یزید و امثال آنهاست که همه شما داستان آن ها را شنیده و می دانید.

معامله ای؛

دومین نوع ارتباط از سبک معامله ای است؛ که از آن ها به میونداران متزلزل نیز می توان نام برد. این افراد تا یک جایی با امام خود رفاقت می کنند. تا زمانی که منافع آن ها در خطر نباشد، با امام در ارتباط اند اما اگر....

به نظر شما اگر بخواهیم مثالی از حال حاضر خودمان بزنیم باید چه کسانی



را مثال بزنیم؟ کاملاً واضح است، تقریباً اکثریت ما مردم حین عبادت کردن! اباعبدالله الحسین علیه السلام از این نوع عبادت‌کردن‌های ما به عنوان «عبادت تجار» یاد می‌کنند؛ یعنی عبادت تجارت‌کنندگان؛ یعنی با خدا هستیم به خاطر بهشت، به خاطر منافعمان، به خاطر سودی که برای ما دارد.

در کربلا هم بسیار بودند میونداران متزلزلی که یا اصلاً به کربلا نیامدند؛ مانند سلیمان بن سرد خزاعی، یا به کربلا آمدند اما به بهانه‌های مختلف، امام را تنها گذاشتند؛ مانند همه کسانی که در شب عاشورا به محض تاریک شدن، آنجا را ترک کردند و این ننگ ابدی را برای خود خریدند.

معاشقه‌ای؛

سومین و بالاترین نوع ارتباط، معاشقه‌ای است. این افراد امام را از عمق جان و همراه با رغبت قلبی دوست دارند و همراهی می‌کنند. این افراد، میونداران جبهه حق هستند. شهدای کربلا همان میوندارانی هستند که از عمق جان با امام خود در ارتباط بودند؛ شهدایی مثل قمر منیر بنی هاشم، سعید بن عبدالله، حبیب بن مظاهر و ... شب عاشورا، سعید بن عبدالله حنفی شروع کرد به سخن گفتن که:

«اگر بدانم که در راه شما کشته می‌شوم و آنگاه پیکرم به آتش کشیده می‌شود و باز زنده شده و زنده‌زنده به آتش کشیده می‌شوم و خاک‌سترم را بر باد می‌دهند و هفتاد بار با من چنین می‌کنند، باز هم هرگز از شما جدا نخواهم شد و دست از یاری تان بر نخواهم داشت و پس از هر بار زنده شدن باز هم به یاری شما خواهم شتافت»^۲

بعد همین سعید بن عبدالله در نماز ظهر عاشورا، مقابل حضرت ایستاد

۱. قَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَبَلَغُوا عِبَادَةَ التَّجَارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَبَلَغُوا عِبَادَةَ الْأَحْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ»؛ امام حسین علیه السلام ع فرمود: (گروهی خدا را با علاقه (به پاداش) پرستش می‌کنند، این عبادت تاجران است، گروهی خدا را از روی ترس عبادت می‌کنند، این پرستش بردگان است و گروهی خدا را بخاطر سپاسگزاری و تشکر از او پرستش می‌کنند، این عبادت آزاد مردان است و آن بهترین عبادت است)؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۱۷.

۲. محمد بن نعمان مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۹۱.



و باران تیرها را از چپ و راست به جان خرید و با سپردن صورت، سینه، دست و پهلوها، تیرها را از وجود مقدس امام خود دفع می‌کرد. در آخر هم وقتی روی زمین افتاد، به امام خود عرضه داشت: «يَا اَبْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَوْفَيْتُ؟» (ای فرزند رسول خدا، آیا به پیمانم وفا کردم؟!)

عاشق واقعی، حبیب بن مظاهر است. نقل شده است شب عاشورا وقتی حضرت از میان انگشتان مبارک خود، جایگاه اصحاب را در بهشت به آنان نشان می‌دادند، وقتی نوبت به حبیب بن مظاهر میرسد، حبیب همین‌طور که سرش را پایین نگه داشته بود، انگشتان حضرت را پایین می‌آورد و عرض می‌کند: «حسین جان، بهشت می‌خواهم برای چه؟! تو کجایی؟!»^۱ ببینید اوج ارتباط با امام را؟! خداوکیلی چی از این زیباتر؟! می‌وندازد واقعی یعنی این! یعنی هرچه زیبایی است از همراهی با امام است.

خوشبختی با امام است!

دوستان و رفقای من، خوشبختی با امام است و بدبختی بی‌امام! به دنبال هرچه که هستید، آن را در هماهنگی و ارتباط با امام جستجو کنید و در غیر امام، هرگز چیزی پیدا نمی‌شود. گشتیم، نبود، نگرد، نیست!

به نظر شما کسی که با امام خود در ارتباط است و می‌ونداری امام زمان خود را می‌کند با کسی که هیچ ارتباطی با امام ندارد، آیا تفاوتی دارد؟! اگر بله بفرمایید چه تفاوتی؟^۲

برای اینکه کمی منظم‌تر به این سؤال پاسخ دهیم، بیایید در یک جدول، مقایسه‌ای داشته باشیم بین کسی که با امام است و می‌ونداری امام را می‌کند با کسی که بی‌امام است و هیچ کاری با امام ندارد.^۳

۱. به نقل از «از دحام تن‌ها اجتماع دل‌ها» تألیف جمعی از پژوهشگران، ص ۱۸۵.

۲. مری نظرات متریان را شنیده و پاسخ‌های آنان را در گوشه‌ای از تابلو یادداشت کند. اگر کسی پاسخ صحیح داد، تشویق فراموش نشود.

۳. مریبان عزیز توجه داشته باشند که موارد مقایسه باید تک به تک مطرح شده و مورد بررسی قرار بگیرند. علاوه بر اینکه برای تمامی موارد، باید مشارکت متریان را به همراه داشته باشند.



باامام	بی‌امام
۱. آسایش دنیا	۱. پوچی
۲. عزت	۲. ذلت
۳. آرامش	۳. اضطراب
۴. بهشت	۴. جهنم

توضیحات ۱.

اولین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که بودن با امام برابر است با داشتن آسایش در دنیا. حضرت زهرا علیها السلام به زنان کوفی فهماندند که: «ای مردم بدانید اگر خلافت علی علیه السلام شکل می‌گرفت، نه تنها منافع دنیایی شما ضربه نمی‌خورد که هیچ، بلکه زیر سایه علی به آرامش و آسایش می‌رسیدید!»^۱ اصلاً دین اسلام، دینی است که هم به دنیای شما توجه دارد و هم به آخرت شما. خداوند در آیه ۲۰۱ سوره بقره می‌فرماید: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» (خدایا! ما را از نعمتهای دنیا و آخرت هر دو بهره‌مند گردان). این آیه صراحتاً می‌گوید نعمت‌های دنیایی و آخرتی. خلاصه اگر به دنبال دنیا هم هستید، باید میوندار امام باشید.

و صد البته بالعکس، کسی که بی‌امام است، قطعاً محکوم به پوچی است. به فرمایش اباعبدالله الحسین علیه السلام، عمر سعد به گندم ری هم نرسید! چه رسد به حکومت ری! یعنی نه تنها منافع دنیایی خود را از دست داد، بلکه منافع آخرتی خود را نیز فنا داد.

توضیحات ۲.

دوستان و رفقای امام حسینی من، باور کنید عزت در میونداری برای امام است. در کنار امام است که شما عزت می‌یابید. در پیوند با امام است که

۱. نک: «راز تنهایی مادر»، تحلیل و تبیین اصلی‌ترین چالش فاطمیه، مؤسسه خطابه امیربیان، جلسه اول.



شما عزیز می‌شوید. حرّ بن یزید ریاحی تا زمانی که میبونداری جبّه باطل را می‌کرد و مقابل امام ایستاده بود، هم جهنمی بود و هم ذلیل تا جاییکه نفرین امام زمانش شامل حالش شد؛ اما همین که حرّ مسیر خود را عوض کرد و پای در رکاب میبونداری امام خویش برداشت، به چنان عزتی دست یافت که پسر ارشد امام، یعنی حضرت علی اکبر عَلِيٌّ به فرمان امام، او را در آغوش گرفت! یعنی آغوش باز امام، در انتظار کسی است که میبوندار حضرتش می‌شود. خوشا به حال کسانی که مسیر میبونداری خود را از حرّ آموزش دیده‌اند. برقراری پیوند با امام سبب این شد که حرّ یزیدی تبدیل شد به حرّ حسینی! عزت حرّ حسینی کجا و ذلت حرّ یزیدی کجا؟! نفرین امام کجا و آغوش گرم امام کجا!!

در مقابل حرّ، شخصی است به نام عمر سعد که همه او را می‌شناسید. شما بفرمایید که چه اتفاقاتی برای او افتاد؟ آیا آخر و عاقبتی عزیز داشت؟ اصلاً کسی می‌داند که با چه اتفاقاتی در پایان عمر خود روبرو بود؟^۱

نقل کرده‌اند بعد از واقعه کربلا، عمر سعد از بیم کشته شدن به دست مردم، شب‌ها همیشه در دارالاماره می‌خوابید!^۲ دائماً در حال فرار کردن و پنهان شدن بود و طبق فرمایش امام، به گندم‌های ری هم دست نیافت. آن قدر خوار شد که حال خودش را برای دوستانش چنین توصیف می‌کرد: «هیچ کس زیان کارتر از من به خانه خویش بازنگشت؛ زیرا از امیری فاجرو ظالم اطاعت کرده‌ام و عدالت را پایمال و قرابت را قطع کرده و خطایی بزرگ مرتکب شده‌ام.»^۳ مصداق بارز «**خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ**» شد.

یک کلام، پیوند با امام برابر است با عزت در دنیا و آخرت و گسست از امام برابر است با ذلت در دنیا و آخرت.

۱. جهت مشارکت و همراهی مترجمان، ضروری است که پاسخ کامل مترجمان شنیده شود.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۵، ص ۵۸۷.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۱۱.



توضیحات ۳.

از آنجاکه این بحث بسیار واضح است لذا من توضیحی نمی‌دهم و فقط دوست دارم نظرات شما عزیزان را در این باره بشنوم. برای همین هر عزیزی که نکته یا روایت یا داستان و خاطره‌ای در ذهن دارد، بیاید اینجا کنار من و برای بقیه توضیح بدهد.

توضیحات ۴.

روایتی است فوق العاده عجیب، زیبا و لذت بخش از امام صادق علیه السلام.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وجود نازنین رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از سفرها، ناگهان از مرکب خود پیاده شدند و پنج سجده به جای آوردند. همین که سوار بر مرکب شدند، یکی از اصحاب ایشان عرض کرد: یا رسول خدا، ما کاری از شما دیدیم که قبلاً نکرده بودید! حضرت فرمودند: آری، جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و بشارت داد که علی، اهل بهشت است و من به شکرانه آن در پیشگاه خدای متعال سجده کردم. چون سر برداشتم گفت: فاطمه هم اهل بهشت است و من به شکرانه آن نیز خدای متعال را سجده کردم. چون سر برداشتم گفت: حسن و حسین، سرور جوانان بهشتی‌اند و من باز به شکرانه آن خدای متعال را سجده کردم، چون سر برداشتم گفت: دوستدار آنان نیز اهل بهشت است و من برای خدای متعال، سجده شکر به جای آوردم. چون سر برداشتم گفت: و هرکس دوست دار ایشان را دوست بدارد، او نیز اهل بهشت است و من باز به شکرانه آن، در پیشگاه خدای متعال سجده کردم!

۱. الإمام الصادق علیه السلام : بینا رسول الله صلی الله علیه و آله « فی سَفَرٍ إِذْ نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ، فَلَمَّا رَكِبَ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: زَيْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَنَعْتَ مَا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُهُ! قَالَ: نَعَمْ، أَنَا نِي جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَشَّرَنِي أَنَّ عَلِيًّا فِي الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَفَاطِمَةُ فِي الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ سَيِّدَا أَصْحَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَمَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَمَنْ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ (فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى). »

محمد بن محمد مفید، امالی، ج ۲، ص ۲۱.



به نظرم با این روایت زیبا دیگر نیازی به توضیح آخرین مورد نباشد و پرواضح است که بودن با امام، برابر است با دستیابی به بهشت برین و زیبا نبودن با امام، برابر است با جهنم جحیم و سوزان.

جمع بندی

در این جلسه گفتیم که ارتباط ما با امام و رهبر جامعه، باید ارتباطی خاص باشد. اگر قرار است ما میوندار باشیم، باید ارتباطمان را با امام و رهبر جامعه، مرتب و منظم کنیم. باید تنظیم زاویه نگاه داشته باشیم.

در ادامه گفتیم که اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، کشتی نجاتند. «مَنْ رَكِبَهَا نَجَا» هرکه بر کشتی آن‌ها سوار شد نجات پیدا کرد و سپس به انواع ارتباط با امام اشاره کردیم و گفتیم، ارتباط با امام بر ۳ نوع است:

۱. مقابله‌ای؛ یعنی مقابل امام ایستادن! یعنی نه تنها با امام رابطه‌ای ندارند، بلکه مقابل امام نیز می‌ایستند و دشمنی هم می‌کنند! این افراد، میونداران جبهه کفر هستند مثل عمر سعد و شمر و یزید و امثال آنها.

۲. معامله‌ای؛ که از آن‌ها به میونداران متزلزل نیز می‌توان نام برد. این افراد تا زمانی که منافع آن‌ها در خطر نباشد، با امام در ارتباطند و الا خبری از آن‌ها نیست مانند سلیمان بن صد خزاعی.

۳. معاشقه‌ای؛ بالاترین نوع ارتباط، معاشقه‌ای است. این افراد امام را از عمق جان و همراه با رغبت قلبی دوست دارند و همراهی می‌کنند. این افراد، میونداران جبهه حق هستند. شهدای کربلا همان میوندارانی هستند که از عمق جان با امام خود در ارتباط بودند؛ شهدایی مثل قمر منیر بنی‌هاشم، سعید بن عبدالله، حبیب بن مظاهر و....

در انتها نیز مقایسه‌ای داشتیم بین شخص با امام و شخص بی‌امام و گفتیم که خوشبختی با امام است و بدبختی بی‌امام!

تکلیف

دوستان و رفقای دوست داشتنی و امام‌حسینی من، به نظر شما اگر



دوست ما از کشتی نجات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مخصوصاً امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ محروم بود، چگونه می‌توانیم او را سر سفره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بنشانیم و او را نیز وارد این کشتی پرسرعت کنیم؟

دعای پایانی

در انتهای کلاس نیز بیایید با همدیگر دعا کنیم^۱.

خدایا! ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را برسان.

خدایا! ما را از میونداران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار بده.

خدایا! به ما کمک کن همیشه سوار بر کشتی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ باشیم.

بارها! ارتباط ما با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را از نوع ارتباط عاشقه‌ای قرار بده.

خداوندگارا به رهبر عزیزتر از جان ما، سلامتی و طول عمر با عزت عنایت بفرما.

خدایا! چنان کن سرانجام کار

تو خوشنود باشی و ما رستگار

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

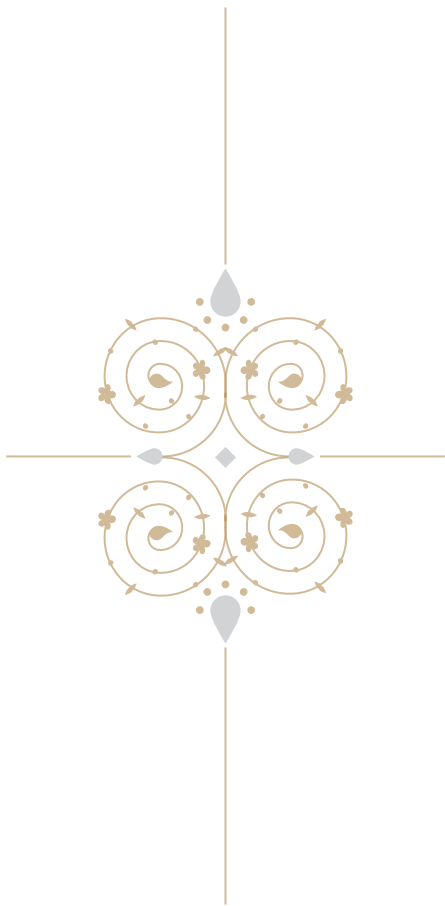
۱. مریبان عزیز می‌توانند در صورت کم بودن تعداد متریبان، از هر نفر بخواهند که یک دعا کنند.



جلسه پنجم

بودن یا نبودن!

(پیامدهای کناره‌گیری از میونداری)



ارتباط اولیه

به نام مناسبترین واژه ها
به رسم محبت به نام خدا
به نام خدای امام حسین علیه السلام

دوستان و رفقای امام حسینی، سلام! به سبک دعای همیشگی، امیدوارم که حال دلتان همیشه خوب باشد و امام حسینی.

بر اساس عهده‌ی که در جلسه اول با هم بستیم، آغاز تمامی جلساتمان را با سلام بر وجود نازنین اباعبدالله و یاران باوفایش علیهم السلام شروع می‌کنیم تا هم جلساتمان پربرکت شود، هم به واسطه یاد امام حسین علیه السلام ثوابی به ما برسد و هم امید داشته باشیم که امام حسین علیه السلام به کلاس و برنامه ما نظری کنند و ان شاءالله گوشه چشمی به ما نمایند.^۱

علاوه بر اینکه قرار شد این سلام روزانه را به یک یا چند نفر از اصحاب امام هدیه بدهیم و یادی ویژه از آنان داشته باشیم.

سلام امروز را هم هدیه می‌دهیم به غریب مدینه، سید جوانان اهل بهشت، وجود نازنین امام حسن مجتبی علیه السلام و دو پسر ایشان که در کربلا

۱. این متن را در هر جلسه از باب مهارت تعبدبخشی تکرار می‌کنیم.

حضور داشتند. مخصوصاً حضرت عبدالله علیه السلام که در آغوش خود امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند.

امروز هم به رسم ادب، دست ادب بر سینه می‌گذاریم و با عشق، سلام می‌دهیم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ
السَّلَامُ عَلَی الْحُسَيْنِ وَ عَلَی عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَی أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ
عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»

هر چقدر امام حسین علیه السلام را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

الهی که امام حسین علیه السلام همیشه محافظ و نگهدار شما میونداران امام حسینی باشد. الهی آمین.

شروع

وقتی اهل کوفه، امام زمان خود را دعوت کردند و برخلاف مرام و مرآت مردانگی، پیوند اجتماعی خود با امام را شکستند، مورد نفرین امام قرار گرفتند.

روز عاشورا وقتی حضرت علی اکبر علیه السلام نزد پدر آمد تا اجازه میدان بگیرد، نقل شده است که سیدالشهداء صورت مبارک را رو به سمت آسمان کردند و فرمودند: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَي هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهَ النَّاسَ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ» (خدایا! تو شاهد باش جوانی را برای مبارزه با این گروه فرستادم که از لحاظ خُلق و خُلق و منطق شبیه‌ترین مردم به پیامبر بود)

حضرت در لحظات آخر هم که میخواستند اذن میدان بدهند نگاهی



به فرزند دل‌بندشان کردند و دل‌شکسته زبان به نفرین قوم باز کرده و فرمودند: «اللَّهُمَّ امْتَعْهُمْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ» (خدایا! از این جماعت برکات زمین را بازدار!) «وَفَرِّقْهُمْ تَفْرِيقًا» (و پراکنده‌شان گردان!) «وَمَزَقْهُمْ مَزَقًا وَمَزَقًا وَاجْعَلْهُمْ طَرَاتِقَ قِدَادًا وَلَا تُرْضِ الْوَلَاةَ عَنْهُمْ أَبَدًا! فَإِنَّهُمْ دَعَوْنَا لِيَنْصُرُونَا ثُمَّ عَدُوا عَلَيْنَا يُقَاتِلُونَنَا» (و پرده اسرار ایشان را پاره کن، آنان را دچار اختلاف و راه‌های مختلف نما، والیان امر را از ایشان راضی مفرما. زیرا اینان ما را دعوت کردند که یار و ناصر ما باشند ولی بر ما قتال می‌نمایند).^۱

امام حسین علیه السلام این مردم متفرق پیمان‌شکن را نفرین می‌کنند. ۱۲ هزار نفر^۲ و برخی نوشته‌اند ۸۰ هزار نفر برای امام حسین علیه السلام نامه نوشتند^۳ و از امام دعوت کردند که به کوفه بیاید تا حضرت را یاری کند.

این نشان می‌دهد این مردم روزی تصمیم گرفتند، همدل و همراه شدند که امام حسین علیه السلام را به کوفه دعوت کنند و یاری‌اش کنند؛ اما اجتماع خود را شکستند و امام را رها کردند. مردمی که مورد لطف و مرحمت امام زمان خود قرار داشتند، حالا مخاطب نفرین امام هستند.^۴

مهم‌ترین پیامد شکست پیوند اجتماعی، نفرین امام است.

قالب مقایسه‌ای

همان‌طور که می‌دانید بحث ما در رابطه با میوندار بود. یکی از نکاتی که در رابطه با میوندار باید مطرح کرد این است که میوندار به هیچ عنوان، حق رهاکردن ارتباط و پیوند خود با دیگران را ندارد. ارتباط میوندار دائمی است. در قاموس میونداری قطع ارتباط ممنوع است.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۳.

۲. «فَوَزِدَ عَلَيْهِ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ سِتًّا مِائَةَ كِتَابٍ وَتَوَاتَرَتْ الْكُتُبُ حَتَّى اجْتَمَعَ عِنْدَهُ فِي نَوْبٍ مُتَّفِقَةٍ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ كِتَابٍ» (در یک روز، ششصد نامه به دست حضرت رسید و آنقدر، نامه‌ها زیاد شد تا اینکه در چند نوبت، ۱۲ هزار نامه شد) (علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۳۵).

۳. در گزارشی، زید بن علی در پاسخ سلمه بن کهیل بیعت‌کنندگان با جدش امام حسین علیه السلام را هشتاد هزار نفر ذکر کرده است (نک: محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک تاریخ الطبری، ج ۷، ص ۱۶۸).

۴. برگرفته از کتاب «ازدحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها» تألیف جمعی از نویسندگان، جلسه هشتم.



شما تصور کنید شخصی را که ادعای میونداری می‌کند اما وسط جلسه و به طور ناگهانی همه چیز را رها می‌کند، شما واقعا به چنین شخصی چه می‌گویید؟! اصلا کسی که ادعای میونداری می‌کند، می‌تواند چنین کاری را انجام دهد؟! قطعاً خیر. او به هیچ عنوان حق قطع کردن پیوند و ارتباط خود با دیگران را ندارد. او ملزم است به برقراری ارتباط با دیگران.

در زندگی اجتماعی ما نیز چنین است. میونداری که پا به عرصه میونداری جامعه می‌گذارد هرگز حق ندارد، پیوند اجتماعی خود را رها کند. او هرگز حق ندارد گسست اجتماعی ایجاد کند. او موظف است با همدلی و اتحاد، این پیوند و ارتباط را حفظ کند. او حق ندارد با گسستی که ایجاد می‌کند، عامل نابودی جامعه شود.

دوستان من، اتحاد و همدلی و پیوند اجتماعی، قدرت‌آفرین است و گسست اجتماعی، عامل فشل شدن جامعه.

بله عزیزان، همدلی قدرت‌آفرین است. اگر شخصی، اگر خانواده‌ای، اگر مجموعه و تشکیلاتی، اگر امت و جامعه‌ای دنبال رسیدن به قدرت هستند، می‌بایست همدلی را بین خودشان زیاد کنند. تفرق و نزاع و ازهم‌گسستگی موجب ضعف و فشل شدن می‌شود. کدام یک از دوستان می‌تواند آیه ۴۶ سوره انفال را برای ما با صوت زیبا بخواند؟^۱ خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (اگر با هم نزاع کردید، فشل می‌شوید، سست می‌شوید، ابتهت و اعتبار و قدرتان از بین می‌رود.) در مسائل سیاسی، اگر جناح و گروهی دچار نزاع و چنددستگی شود، یقیناً شکست می‌خورد. در کار فرهنگی و اجتماعی اگر گسست و شکاف بین افراد باشد، هیچ کاری پیش نمی‌رود؛ اگر بین افراد خانواده اختلاف و نزاع باشد، قدرت مدیریت پدر، قدرت اقتصادی خانواده، قدرت تربیتی خانواده ضعیف می‌شود. در مسائل نظامی، اگر بین نیروهای مدافع منطقه‌ای اختلاف بیفتد، کار همه

۱. اولویت با این است که جهت قرائت قرآن، از مترجمان استفاده شود اما اگر کسی نبود، بهتر است خود مربی با صوتی زیباتر تلاوت کند و در غیر این صورت می‌توان از صوت قراء مشهور استفاده کرد.



آن‌ها ساخته است. امت اسلامی مادامی که متحد باشند، سربلند و پیروز و قدرتمند هستند. گاهی اوقات یک ملت همدل با دست خالی کاری می‌کنند که یک ارتش تادندان مسلح نمی‌تواند انجام دهد. انقلاب اسلامی ما بدون اتکاب بر هر سلاحی، با همدلی و اتحاد مردم که از الطاف خدای متعال بود، پیروز شد و شاه و قدرت‌های حامی‌اش با تمام امکانات مادی‌شان نتوانستند کاری کنند. تارهای نازک عنکبوت وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، جلوی گلوله آهنین را می‌گیرند.^۱

خلاصه اینکه ما ناگزیریم به میونداری. ما باید با قدرت تمام، منصب میونداری را به دوش بگیریم و با قدرت پیش ببریم و به هیچ عنوان عقب‌نشینی نکنیم. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فُخِّدْهَا بِتَوَّءٍ» (پس آن را باغ جدیت بگیر!)^۲

خروجی میوندار بودن یا نبودن!

اجازه بدهید از شما سؤالی را بپرسم. به نظر شما آیا تفاوتی وجود دارد بین میوندار بودن یا نبودن؟ بیایید با کمک همدیگر مقایسه‌ای داشته باشیم بین خروجی میوندار بودن یا نبودن را در سطح جامعه.^۳

□ بودن	× نبودن
۱. امید در جامعه	۱. ناامیدی جامعه
۲. پیوندهای اجتماعی	۲. گسست اجتماعی
۳. اقتدار جبهه حق	۳. قدرت گرفتن باطل
۴. دفاع از امام	۴. تنهایی امام
۵. زمینه ساز حضور و ظهور امام	۵. دلیل غیبت امام

۱. برگرفته از کتاب «از دحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها»، جمعی از نویسندگان، جلسه هفتم.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۴۵.

۳. مریدان عزیز توجه داشته باشند که موارد مقایسه باید تک‌به‌تک مطرح شده و مورد بررسی قرار بگیرند. علاوه بر اینکه برای تمامی موارد، باید مشارکت متریبان را به همراه داشته باشند.



توضیحات ۱.

اولین خروجی و تفاوت میان میوندانار بودن یا نبودن، ایجاد و القای امید یا ناامیدی در جامعه است. زمانی گرد یأس و ناامیدی بر کوفه نشست که سران و میوندانان کوفه کنار کشیدند.

پيامد کناره‌گیری و نبودن میوندانار، ظهور و بروز ناامیدی در جامعه است. از طرفی جامعه‌ای که ناامید شد، دیگر نه یار می‌شود، نه یارساز می‌شود و نه زمینه‌ساز.

نکته بسیار مهمی که باید به آن دقت داشته باشیم این است که استقامت، استقامت می‌آورد.

شاید باورتان نشود اما گاهی کناره‌گیری میوندانان، عامل سقوط دیگران نیز می‌شود؛ چراکه نگاه و الگوی بقیه افرادند. یکی از دوستان^۱ تعریف می‌کرد: زمانی که به خوابگاه‌های دانشجویی می‌رفتیم و با دانشجویها گفت‌وگو می‌کردیم، با بسیاری از افراد و البته با سلیقه‌های مختلفی روبه‌رو می‌شدیم. در یکی از این رفت و آمدها و در کمال تعجب همه، با دانشجویانی مواجه شدیم که وضع حجاب آن‌ها به کلی تغییر کرده بود و شاید می‌شد نام بی‌حجاب را روی آن‌ها گذاشت. با توجه به آشنائیتی که از قبل با برخی از آن‌ها داشتیم، دلیل این همه تغییر ناگهانی را از آن‌ها پرسیدیم و آن‌ها در جواب ما، پاسخی می‌دادند بسیار عجیب. شاید باورتان نشود اما دلیل بی‌حجابی این افراد کنار کشیدن برخی از میوندانان این عرصه بود. آن‌ها می‌گفتند: زمانی که فلان شخص چادری و باحجاب کم آورد، ما همه ول کردیم!

کنار کشیدن یک باحجاب، دلیلی شد برای بی‌حجابی برخی از افراد.

دختری که با حجابت میونداری می‌کنی، تو دلیل امید این جامعه‌ای!

پسری که با حفظ نگاهت میونداری می‌کنی، تو دلیل امید این جامعه‌ای!



غیورمردی که مواظب ناموس دیگران هستی، تو دلیل امید این جامعه‌ای! میوندارانی که تا پای جان در مسیر اهل بیت علیهم‌السلام هستید، شما امید این جامعه هستید و حق کناره‌گیری را ندارید.

پس اولین پیامد کناره‌گیری میونداران، ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه است.

توضیحات ۲.

دومین تفاوت و خروجی میوندار بودن یا نبودن، پیوند یا گسست اجتماعی است.

اساساً تمام دستورهای پیامبران و اولیای الهی همواره در جهت ایجاد همبستگی اجتماعی بوده است؛ چراکه انسان‌ها وقتی با هم هستند، قدرت خواهند داشت و هرچقدر تنهاتر شوند، ضعیف‌تر خواهند شد. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در بیانی بر این نکته مهم تأکید می‌فرماید: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَمِّ لِلذَّبِّ» (دست خدا با جماعت است. از تفرقه حذر کنید؛ زیرا کسانی که از جماعت کناره می‌گیرند، طعمه شیطانند، مانند گوسفندی که از گله جدا می‌افتد و گرگ او را می‌درد).

همواره اولین مأموریت شیاطین انس و جن، ایجاد گسست اجتماعی است!

توضیحات ۳.

سومین تفاوت و خروجی میوندار بودن یا نبودن، قدرت گرفتن جبهه حق یا باطل است.

وقتی تک‌تک افراد به عنوان میوندار به وظیفه خود عمل کردند و پیوند اجتماعی و همدلی میان آحاد مردم شکل گرفت، به چنان قدرتی دست می‌یابند که هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند آن‌ها را شکست دهد.

۱. برگرفته از کتاب «از دحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها» تألیف جمعی از نویسندگان، جلسه اول.



ملت ایران یکی از نمونه‌های بارز امت عزیزشده‌ای است که به‌خاطر اجتماع و همدلی و میونداری بر محور حق به پیروزی دست یافت. انقلاب اسلامی اگر پیروز شد، مدیون وحدت و همدلی تمام قشرهای جامعه بود و البته حفظ و استمرار آن هم به همدلی و هم‌بستگی مردم نیاز دارد. امام راحل فرمودند: «به همدیگر کمک کنید و با هم باشید. اگر با هم نباشید، شکست می‌خورید و اگر شکست بخورید، اسلام شکست می‌خورد.»^۱

در دفاع مقدس نیز همین میونداری همه اقشار بود که ما را عزیز و پیروز کرد. آنجا همه اقشار جامعه و قومیت‌ها و مذاهب حضور داشتند، همه گرایش‌های سیاسی حضور پیدا کردند و با همدلی و هم‌بستگی این‌ها، عزت نصیب ما شد.

یادتان هست همه عین برادر بودند

تاجر و کارگر انگار برابر بودند

یادتان هست چه شوری همه جابر بود

عجم و ترک و لر و کرد و عرب آنجا بود

یادتان هست همه گوش به فرمان بودند

سینه چاک سخن پیر جماران بودند

یادتان هست که می‌گفت اگر پُرباریم

همه را از نمک ماه محرم داریم^۲

شهید «رازمیک خاچاطوریان» که از اقلیت‌های مذهبی و از ارامنه بود، وقتی برای گرفتن دفترچه آماده به خدمت رفته بود، به قدری خوش حال بود که حدّ نداشت. می‌گفت که امروز یکی از زیباترین روزهای زندگی من است، چون احساس مفید بودن و مهم بودن می‌کنم؛ چراکه دارم برای دفاع از سرزمین عزیزم ایران و برای هم‌وطنان مسیحی‌ام زیر پرچم کشورم خدمت می‌کنم.^۳

۱. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام خمینی، ج ۱۹، ص ۶۹.

۲. یاسر مسافر.

۳. نک: آرمان بوداغبانسن، گل مریم (بررسی نقش آرامنه ایران در جنگ)، ص ۳۰ تا ۳۰۲.



خروجی میونداری و اتحاد این افراد بود که ملت ایران، پیروز میدان مبارزه با اَبَرقدرتان عالم بود.

هر کجا میونداران جبهه حق بودند، اقتدار و پیروزی نیز با آن‌ها همراه بود و بالعکس، هر کجا که میونداران جبهه حق نبودند یا کوتاهی کردند، میونداران باطل به میدان آمدند.

یاران مختار مادامی که میونداری میدان را در دست داشتند و همدل و متحد در راه خود ایستاده بودند، موفقیت‌های فوق‌العاده‌ای داشتند و انتقام قاتلان کربلا را گرفتند و بنی‌امیه را کنار زدند؛ اما به محض اینکه کوتاهی در میونداری خود داشتند، دشمن توانست صف آن‌ها را بشکند و بینشان تفرقه ایجاد کند و آنان را به تسلیم وادار کند، چنان ذلیل و خوار شدند که کوفه مثل آن را به خود ندیده بود. ۷ هزار نفر همانند حیوانات یکی یکی سربریده شدند. در حالی که اگر سستی به خرج نداده و میوندار مانده بودند، این‌گونه خفیف و خوار نمی‌شدند. این نتیجه منطقی میوندار نبودن در اجتماع برای هر گروه و امتی است.

انفعال میوندارانی مثل سلیمان بن‌صرد خزاعی بود که آغاز میونداری شمر و عبیدالله و عمر سعدها شد و صدا البته تنهایی جبهه حق و قدرت گرفتن جبهه باطل.

توضیحات ۴.

خروجی بعدی میوندار بودن یا نبودن، دفاع از امام یا تنهایی ایشان است. تازمانی که شهدای کربلا در میدان بودند، امام احساس تنهایی نمی‌کردند.

در همین جریان کربلا، اگر زمانی که جناب مسلم قیام کرد پشت ایشان را خالی نمی‌کردند، کار عبیدالله تمام بود. اگر اجتماعشان را به هم نمی‌زدند و نمی‌ترسیدند و متفرق نمی‌شدند، کار به کربلا نمی‌کشید و چه بسا حکومت بنی‌امیه منقرض شده و مسیر تاریخ تغییر کرده بود. داستان کناره‌گیری مردم کوفه، نمونه بارزی است از این بحث. خروجی میوندار



نبودن در کوفه، شد تنهایی سفیر امام یعنی مسلم بن عقیل و متأسفانه ادامه غمگین آن شد تنهایی و غربت امام در کربلا.

توضیحات ۵.

اما آخرین خروجی بودن یا نبودن، حضور و ظهور امام است و بالعکس.

یکی از دلایل اصلی حضور امیرمؤمنان علی علیه السلام همین اتحاد و همدلی و میونداری مردم بود. همین میونداری بود که موجب شد امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از ۲۵ سال خانه نشینی، منصب خلافتی را که از روز اول حقیقش بود، عهده دار شود. ایشان فرمودند: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحَاجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِبَاطَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبَ مَظْلُومٍ لِأَقْنِيَتْ حَبْلِهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقِيَتْ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوَّلِهَا وَ لِأَقْنِيَتْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزٍ»^۱ (اگر حضور حاضران و تمام شدن حجت به سبب وجود یاری کنندگان نبود و اینکه خدا بر دانشمندان واجب کرده است که در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمکش ساکت ننشینند، ریسمان خلافت را بر دوشش می افکنم و پایان آن را به جام آغاز آن سیراب می کردم و می دیدید که این دنیای شما در نزد من بی بهاتر از چیزی است که هنگام عطسه کردن بزنی از بینی او بیرون می پرد.)

چیزی که موجب شد امام حسین علیه السلام به سمت کوفه حرکت کند، همین میونداری و هم بستگی مردم کوفه بود. وقتی به امام گفتند شما چرا به سمت کوفه می روید؟ حضرت فرمودند: «مردم کوفه مرا دعوت کردند.» کوفه تنها جایی بود که خطر یزید ملعون و خبائث های او را احساس کرد و اکثر کوفیان راه نجات خود را در رأس امور قراردادن امام می دانستند. آن ها نامه های متعددی به امام نوشتند. حجم این نامه ها به اندازه ای بود که در تاریخ، تعداد آن ها را تا صد هزار نامه^۲ و تعداد نویسندگان نامه ها را

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. جعفر شهیدی، قیام حسین علیه السلام، ص ۱۱۴.



دوازده هزار نفر نقل کرده‌اند. البته هر نامه را چند نفر امضا کرده بودند.

بله عزیزان، میونداری دوازده هزار نفر، عامل حضور امام زمان‌شان شد و امروز هم آن چیزی که موجب می‌شود به دیدار امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ موفق شویم، همین هم‌بستگی و میونداری است. همان‌طور که خودشان می‌فرمایند: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهُمْ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا»^۲ (اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعت خویش را عطای‌شان فرماید، در وفا به پیمانی که بر عهده دارند، هم‌دل می‌شدند، برکت دیدار ما از ایشان تأخیر نمی‌افتاد و همانا سعادت دیدار ما با معرفت حقیقی و راستین به ما، به تعجیل نصیب ایشان می‌شد.)

دوستان و رفقای امام حسینی، امام نمی‌آید اگر همدلی نباشد.

امام نمی‌آید اگر پیوندهای اجتماعی نباشد.

امام نمی‌آید اگر اتحاد و همراهی نباشد.

امام نمی‌آید اگر یار و یاور نباشد.

و امام نمی‌آید اگر میونداری نباشد.

تنوع

از آنجاکه امروز روز پنجم محرم است و غالباً در همه هیئات، روز پنجم را اختصاص می‌دهند به شاهزاده امام مجتبی، حضرت عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ، بیایید جلسه و برنامه‌مان را منور کنیم با نام و یاد حضرت.

نمی‌دونم تا الان به هیئات قدیمی سرزده‌اید یا نه؟ در هیئات قدیمی، دودمه‌هایی وجود داشت که همه را به شور و شعف می‌انداخت. چه

۱. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۳۵.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.



کسی^۱ می تواند چندتا دودمه معروف^۲ را نام ببرد؟

احسنت به شما بچه هیئتی ها. من دودمه حضرت عبدالله بن حسن علیه السلام را یک بار می خوانم و ادامه اش را شما تکمیل کنید. برای اینکه نظم جلسه نیز به هم نریزد، لطف کنید و دودسته شوید. دوستان سمت راست، قسمت اول دودمه را می خوانند و دوستان سمت چپ، قسمت دوم دودمه را.^۳

سمت راست:

دست هایم را سپر کردم برای حنجرت، ای عموجانم حسین علیه السلام
سمت چپ:

دست من افتاد، افتادم به یاد مادرت، ای عموجانم حسین علیه السلام
الهی که عبدالله بن حسن علیه السلام با دست بریده اش دست همه ما را بگیرد، بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

جمع بندی

اگر بخواهیم در چند جمله، بحث امروزمان را خلاصه وار مرور کنیم، خواهیم گفت که:

میوندار به هیچ عنوان، حق رهاکردن ارتباط و پیوند خود با دیگران را ندارد.

۱. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می دهند، تقدیر و تشکر شود.

۲. برخی از دودمه های معروف:

ای اهل حرم میر و علمدار نیامد، علمدار نیامد سقای حسین سید و سالار نیامد، علمدار نیامد
امشبى را شه دین در حرمش مهمان است، مکن ای صبح طلوع عصر فردا بدنش زیر سم اسبان است،
مکن ای صبح طلوع

از حرم، زینب بیا، اکبر به میدان می رود، از تنم جان می رود نور چشمانم علی، با کام عطشان می رود، از تنم جان می رود

۳. مریبان عزیز توجه داشته باشند که در صورت توانایی کنترل کلاس، حتماً سینه زنی داشته باشند و دودمه را همراه با سینه زدن اجرا نمایند.



ارتباط میوندار دائمی است و در قاموس میونداری، قطع ارتباط ممنوع است. در زندگی اجتماعی ما نیز چنین است. میونداری که پا به عرصه میونداری جامعه می‌گذارد هرگز حق ندارد، پیوند اجتماعی خود را رها کند. او هرگز حق ندارد گسست اجتماعی ایجاد کند. او موظف است با همدلی و اتحاد، این پیوند و ارتباط را حفظ کند و حق ندارد با گسستی که ایجاد می‌کند، عامل نابودی جامعه شود.

در ادامه گفتیم که اتحاد و همدلی و پیوند اجتماعی، قدرت‌آفرین است و گسست اجتماعی، عامل فشل شدن جامعه می‌شود. در آخر هم مقایسه‌ای داشتیم بین خروجی میوندار بودن یا نبودن در سطح جامعه که به پنج مورد آن اشاره کردیم و گفتیم که خروجی میوندار بودن می‌شود:

۱. ایجاد امید در جامعه

۲. پیوندهای اجتماعی

۳. اقتدار جبهه حق

۴. دفاع از امام

۵. زمینه‌سازی برای حضور و ظهور امام

تکلیف

دوستان و رفقای دوست‌داشتنی و امام‌حسینی من، برای جلسه بعد به این موضوع فکر کنید که آیا در مسیر میونداری، موانعی هم وجود دارد؟ موانعی که به ذهنتان می‌رسد را حتماً یادداشت کنید تا درباره آن گفت‌وگو کنیم.

دعای پایانی

در انتهای کلاس نیز بیایید با همدیگر دعا کنیم^۱.

خدایا! ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برسان.

۱. مریبان عزیز می‌توانند در صورت کم بودن تعداد متریبان، از هر نفر بخواهند که یک دعا کند.



خدایا! ما را از میونداران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام قرار بده.

بارالها! ما را زمینه ساز ظهور امام زمانمان عَلَيْهِ السَّلَام قرار بده.

خدایا! به ما کمک کن اهل ارتباط دائمی در پیوندهای اجتماعی باشیم.

خداوندگارا! پرچم انقلابمان را با دستانتان مقام معظم رهبری به دست امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام برسان.

خدایا! چنان کن سرانجام کار

تو خوشنود باشی و ما رستگار.

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بلند صلوات بفرستید.

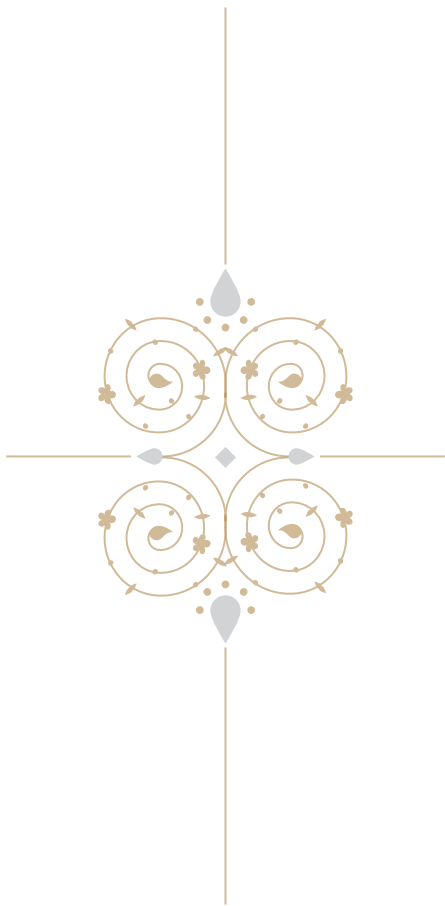
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



جلسه ششم

پله‌های سقوط!

(ضعف، مانعی برای میونداری)



ارتباط اولیه

آغاز سخن نام خدامی‌گوییم
ما پاکی و یاری ز خدا می‌جوییم
در بدو و در اثنا و همه آخر کار
با یاد خدا، ره خدا می‌جوییم
به نام خدای امام حسین علیه السلام

سلامی امام حسینی به میونداران قیام حسینی.

امیدوارم که حال دلتان همیشه خوب باشد و امام حسینی.

بر اساس عهده‌ی که از ابتدا با هم بستیم، آغاز تمامی جلساتمان را با سلام بر وجود نازنین اباعبدالله و یاران باوفایش علیهم السلام شروع می‌کنیم تا هم جلساتمان پربرکت شود، هم به واسطه یاد امام حسین علیه السلام ثوابی به ما برسد و هم امید داشته باشیم که امام حسین علیه السلام به کلاس و برنامه ما نظری کنند و ان شاءالله گوشه‌چشمی به ما نمایند.^۱

علاوه بر اینکه قرار شد این سلام روزانه را به یک یا چند نفر از اصحاب امام هدیه بدهیم و یادی ویژه از آنان داشته باشیم.

۱. این متن را در هر جلسه از باب مهارت تعبّدبخشی تکرار می‌کنیم.

سلام دیروز را هدیه دادیم به غریب مدینه، وجود نازنین امام حسن مجتبی علیه السلام و پسر کوچک ایشان، حضرت عبدالله علیه السلام سلام امروز را هم هدیه می‌دهیم به تمامی شهدای نوجوان مخصوصاً پسر ارشد امام حسن، حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام.

به رسم ادب، دست ادب بر سینه می‌گذاریم و با عشق، سلام می‌دهیم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِبَاعَبْدِاللّٰهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَاجَعَلَهُ اللّٰهُ
اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ
السَّلَامُ عَلَی الْحُسَيْنِ وَ عَلَی عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ
عَلَى اصْحَابِ الْحُسَيْنِ»

هر چقدر امام حسین علیه السلام را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

الهی که امام حسین علیه السلام همیشه محافظ و نگهدار شما میونداران امام حسینی باشد. الهی آمین.

شروع

همان طور که در جریان هستید، جلسه دیروز را با یک سؤال تمام کردیم. کسی به یاد دارد کدام سؤال؟ احسنت به شما میونداران تیزهوش.

قرار بود به این موضوع فکر کنید که آیا در مسیر میونداری، موانعی هم وجود دارد یا خیر و اینکه موانعی که به ذهن‌تان می‌رسد را یادداشت کنید تا در این جلسه درباره آن گفت‌وگو کنیم.

خب بفرمایید که موانع میونداری چیست؟^۱

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و نظرات را در گوشه‌ای از تابلو یادداشت کرده تا در خلال بحث، درباره آن‌ها صحبت کنند.



ممنونم و سپاسگزار از همه عزیزانی که پاسخ دادند؛ حتی نادرست.

قطعا موانع زیادی سر راه میونداری قرار دارد اما اگر بخواهیم به مهم‌ترین آن‌ها اشاره کنیم، به ۲ مورد می‌توانیم اشاره کنیم؛ که یکی را در این جلسه و دیگری را در جلسه بعد توضیح خواهیم داد. ان شاء الله.

یکی از مهم‌ترین موانع میونداری، ضعف است.

قالب نمادین

ضعف، مانعی است در مسیر میونداری. محال است کسی میوندار درجه‌ی یک باشد اما ضعف هم داشته باشد. میونداری با ضعف در یک جا قرار نمی‌گیرند. ضعف میوندار در برخی از موارد، به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست.

خب شما دوستان بفرمایید که کدام ضعف است که اگر میوندار داشته باشد، ممکن است به خراب شدن کار منجر شود.^۱

سپاس فراوان دارم از همه شما غیورمردان ایران‌زمین که هم فعال هستید و هم اهل مشارکت.

اما برای اینکه به زوایای مختلف ضعف پی ببریم اجازه بدهید من این کلمه را بزرگ روی تابلو بنویسم تا درباره آن با هم گفت‌وگو کنیم.^۲



باید برای تان جالب باشد که ضعف، صرفاً برای یک مورد نیست و در موارد گوناگونی می‌تواند خودنمایی کند لذا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره

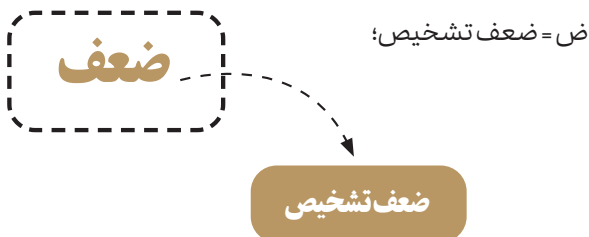
۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متربی‌ان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۲. مربی باید کلمه ضعف را بزرگ روی تابلو یادداشت کند و مانند تصاویری که در ادامه می‌آید، هر حرف را در موعد مقرر خود، توضیح دهد.



می‌کنیم که تک‌تک آن‌ها برای میوندار، سم است.

اما برویم سراغ زوایای مختلف ضعف^۱.



در سال ۱۹۷۶ در شهر لس‌آنجلس آمریکا پزشکان اعتصاب کردند که این اعتصاب آقایان پزشکان به مدت ۵ هفته طول کشید، شاید فکر کنید مردم آمریکا بیش‌تر بیمار شدند و از بین رفتند. جالب اینجاست که در این مدت ۱۸ درصد از تلفات بیماران کم شد.

ولی پس از اینکه پزشکان شروع به کار نمودند، دوباره تعداد تلفات بیماران افزایش یافت و حتی به اندکی بیش از دوران قبل از اعتصاب رسید! به نظر شما چرا پزشکانی که مسئول سلامت جامعه بودند، وقتی فعالیت نداشتند، میزان مرگ و میر مردم کاهش یافت؟ واقعاً چرا؟!^۲

سپاسگزارم از همه دوستانی که در این نظرخواهی شرکت کردند. شاید باورتان نشود اما پاسخ اصلی این است که این افراد نسبت به مهم‌ترین مرحله درمان، ضعف داشتند.

مهم‌ترین مرحله درمان چیست؟ «تشخیص درست». واقع امر این است که در موضوع اعتصاب پزشکان شهر لس‌آنجلس نیز، ۱۸ درصد نسخه‌های آنان دچار تشخیص غلط بوده است.

در زندگی ما انسان‌ها نیز، مسأله تشخیص درست، بسیار اهمیت دارد.

۱. مریبان گرامی توجه داشته باشند که هر واژه باید به صورت مجزا توضیح داده شود علاوه بر اینکه حتماً حواسشان باشد که نباید تمامی موارد را همان ابتدا روی تابلو بنویسند چرا که از جذابیت کار می‌اندازد.

۲. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.



در یک کارخانه، دستگاهی خراب می‌شود و مدیر کارخانه برای تعمیر آن از یک تکنسین درخواست تعمیر می‌کند و آن فرد بعد از بررسی دستگاه با چکش به یک قسمت دستگاه ضربه می‌زند و دستگاه به کار می‌افتد و برای این کار تقاضای مبلغ بالایی می‌کند، مدیر کارخانه که شاهد این جریان است می‌پرسد: «این همه پول می‌خواهی برای یک ضربه چکش؟» تکنسین در جواب می‌گوید: «یک هزارم این پول برای زدن چکش و بقیه برای تشخیص جای ضربه‌ی آن»

اهمیت تشخیص، امری انکار نشدنی است، یعنی علت مراجعه به متخصص، تشخیص اوست و الا دارو که خود شخص هم می‌تواند از داروخانه تهیه کند، مهم این است که بدانند بیماری او چیست و چه دارویی و به چه میزان باید مصرف کند که آنرا پزشک متخصص تشخیص می‌دهد. اولین ضعف یا به عبارتی دیگر اولین مانع میوندار، ضعف در تشخیص است. چه کسی می‌تواند بگوید ضعف در تشخیص به چه معناست؟

ابتدایی‌ترین و طبیعی‌ترین کاری که یک میوندار باید آموزش دیده باشد و با آن آشنا باشد، سبک‌های مداحی است. میوندار باید با سبک‌های سینه‌زنی آشنا باشد تا بتواند مداح را یاری کند چرا که اگر سبک‌شناس خوبی نباشد و ضعف در تشخیص داشته باشد، قطعاً نمی‌تواند سبکی که مداح میخواند را خوب اجرا کند و به سینه زنی ریتم بدهد. گاهی وقت‌ها شور، گاهی سنگین، گاهی تک و گاهی زمینه. مثلاً گاهی سبک شور خوانده می‌شود و باید میوندار به سینه‌زن‌ها شور و هیجان بدهد و گاهی هم سبک سنگین خوانده می‌شود که به نوعی نماد حرکت آرام و در عین حال محکم سینه‌زنی است. لذا اگر مداح با این سبک‌ها آشنا نباشد، مطمئناً نمی‌تواند حرکات متناسب با آن را ادا کند و خروجی آن می‌شود آن چیزی که نباید بشود. ضعف در سبک‌شناسی میوندار و عدم تشخیص درست سبک، برابر است با ایجاد گسست و چنددستگی در هیئت!



در جامعه نیز اینچنین است. میوندار باید با سبک‌های مختلف آشنا باشد و هرکدام را در جای درست خود استفاده کند؛ گاهی تند سینه‌زدن و سبک شور که نماد حرارت و عمل تند انقلابی است را سرلوحه کار قرار دهد تا کسی جرأت نکند به انقلاب اسلامی و ملت عزیز ایران ضربه‌ای بزند و گاهی لازم است با حرکتی آرام ولی محکم یا به تعبیر حضرت آقا با نرمش قهرمانانه^۱، صحنه را بدست بگیرد و مدیریت کند. حضرت آقا می‌فرمایند: «نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است.»^۲

کسی که مدعی میونداری جامعه است باید به صورت هنرمندانه، فضای جامعه را مدیریت کند. متأسفانه امروز در فضای مجازی، برخی با غرض‌ها و مرض‌های دشمن، کلیپ‌هایی را جهت تضعیف اسلام یا انقلاب، پخش می‌کنند و هزاران افسوس که بعضی از میونداران با رفتارهای نادرست خود و البته به خاطر ضعف در تشخیص وظیفه خود، هیزم به آتش دشمن می‌افزایند.

دشمنان ما قطعاً و یقیناً دنبال به‌انحراف‌کشاندن میونداران نوجوان ما هستند و شما میونداران جبهه حق، باید از انحراف آن‌ها جلوگیری کنید. شهید محمدابراهیم همت می‌گوید: «ما در قبال تمام کسانی که به گناه می‌افتند، مسئولیم.»^۳

۱. «نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، یک‌کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ این‌ها را باید رعایت کرد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲، دسترسی در:

<https://khl.ink/f/23810>)

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۲۹/۰۸/۱۳۹۲، دسترسی در:

<https://khl.ink/f/24552>.

۳. «ما در قبال تمام کسانی که راه کج می‌روند مسئولیم»، پایگاه خبری تحلیلی فرهنگ ایثار و شهادت (فاش نیوز)، دسترسی در:

<http://fashnews.ir/fa/news-details/32809.201393>.



این جمله شهید همت، دنیایی حرف برای ما دارد. بر اساس این جمله شهید همت، ما حق نداریم بگوییم دیگران به ما مربوط نیستند. شهید همت، مسئولیت هدایت گناه‌کاران را نیز بر دوش ما می‌گذارد چه برسد به دوستان و رفقای ما. شما عزیزان می‌ونداران عرصه هدایت هستید و باید حواستان به همه باشد.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«عزیزان من! امروز ملت ما و کشور ما دشمنانی دارد؛ دشمنانی که سعی می‌کنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلط اقتصادی، تسلط سیاسی، تسلط فرهنگی. یکی از راه‌هایی که آن‌ها در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است؛ متوجه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، [بلکه] به پیرامونیان خودتان (به کسانی که با آن‌ها هم‌کلاس هستید، هم‌درس هستید، هم‌بازی هستید) در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید.»^۱

پس وظیفه من می‌وندانار، هدایت دیگران به سوی جبهه حق است و نباید ضعف در تشخیص داشته باشم. شاید برای‌تان سؤال شده باشد که راهکار تشخیص درست در جامعه امروزی چیست؟ چگونه می‌توان مسیر درست را از نادرست تشخیص داد؟ خب بسیار سؤال خوب و مهمی است که البته قبل از اینکه پاسخ بدهم، شما بفرمایید که راهکار چیست؟^۲

ممنونم از دوستانی که نظر دادند اما اگر بخواهیم یک پاسخ ساده به این سؤال بدهیم، می‌توان اینگونه گفت که: راهکار تشخیص درست، داشتن سلامت فکری است. وقتی فکر من و شما درست و سالم بود، به راحتی خواهیم توانست در سخت‌ترین لحظات نیز تصمیم صحیح بگیریم و راه درست را از نادرست تشخیص دهیم.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان، ۹/۱۳۹۵/۲۳ دسترسی در:

<https://khl.ink/f/35137>.

۲. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.



خب سؤال بعدی را هم شما پاسخ بدهید. به نظر شما راه دستیابی به سلامت فکری چیست؟^۱

سپاس فراوان از همراهی شما دوستان. مقام معظم رهبری در بیانی بسیار فوق العاده و زیبا سه نوع سلامتی را به ما توصیه می‌کنند که پاسخ سؤال ما نیز می‌باشد.

حضرت آقا می‌فرمایند:

«امروز جوان‌های ما بایستی، هم سلامت جسمی و هم سلامت معنوی و هم سلامت فکری را با هم داشته باشند و برای خودشان نگه دارند. سلامت جسمی را با ورزش و با تغذیه مناسب؛ سلامت معنوی و قلبی را هم با توجه به خدا، با نماز، با دعا، با توسل، با یاد شهدا؛ سلامت فکری را هم با کتاب‌خوانی تأمین کنید. از کتاب‌های خوب، راه‌گشا، راهنما که از سوی متفکران و نویسندگان خوب ما تهیه شده و در اختیار ما گذاشته شده استفاده کنید و بخوانید.»^۲

آخرین حرف از این بخش: دوستان من، کتاب بخوانید؛ کتاب بخوانید؛ کتاب بخوانید.

هر کسی اهل کتاب خواندن است بلند صلوات بفرستد.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

پس اولین مانع میونداری، ضعف تشخیص است. برویم سراغ دومین مانع.

ع = عدم تلاش و کوشش؛

ضعف

عدم تلاش

ضعف تشخیص

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات مترجمان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان، ۱۳۹۵/۰۹/۲۳ دسترسی در:

ps://khl.ink/f/35137..



دومین ضعف یا به عبارتی دیگر دومین مانع میونداری، عدم تلاش و کوشش است. میوندار باید چند برابر بقیه انرژی بگذارد. میوندار بی‌حس و حال برابر است با جلسه بی‌حس و حال؛ برابر است با بی‌حال شدن دیگران و در نتیجه برابر است با نابودی جلسه.

در جامعه و زندگی اجتماعی نیز همین است. میوندار باید با تمام قوا، پای آرمان‌ها و اعتقادات خود بماند و برای این آرمان‌ها و اعتقادات از جان مایه بگذارد. خستگی و بی‌حالی در منطق میونداری، ممنوع است. خستگی و میونداری، هرگز در یک ترازو قرار نمی‌گیرند.

هر کسی اهل تنبلی نیست بلند صلوات بفرستد!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

احسنت به شما غیرتنبل‌ها!

دوستان امام حسین‌ی من، امیر بیان و کلام امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در دعای کمیل می‌فرمایند: «يَا رَبِّ! قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي» (پروردگارا! اندام مرا برای خدمت‌گزاری ات نیرومند ساز و درونم را در تصمیم‌گیری قوی دار)؛ یعنی با تمام قوا باید میونداری جبهه حق را بر عهده گرفت و از تنبلی و سستی و بی‌حالی دوری جست. محال است شما بدون تلاش و کوشش به جایی برسید.



نابرده رنج، گنج، میسر نمی شود

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
باید اهل کار و تلاش و کوشش شد. برای میونداری باید شبیه به حاج قاسم، مرد خستگی ناپذیر شد.

مقام معظم رهبری درباره سردار عزیز ما می فرمایند:

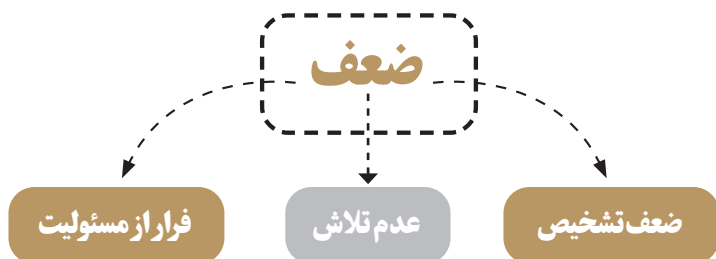
«آن [طور] که ما از نزدیک کار او را دیدیم، واقعاً مظهر تلاش بود؛ کار خستگی ناپذیر؛ خستگی ناپذیر. گاهی اوقات که مثلاً به یک کشوری می رفت، برمی گشت و برای ما گزارش می فرستاد، من وقتی می خواندم این گزارش را، حیرت می کردم از حجم کار عظیمی که در این مثلاً چند روز اتفاق افتاده. من از تعدادی از این گزارش ها یک نسخه برداشته ام برای نگهداری پیش خودم؛ روی آن هم نوشته ام که این را من نگه می دارم برای اینکه در آینده دیده بشود، معلوم بشود که این مرد چقدر کار انجام می داد. الان چند نسخه - دوسه گزارش را - از این قبیل دارم. کار خستگی ناپذیر.»^۱

برای میوندار بودن باید اهل تلاش شد. باید اهل همت شد.

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده اند

ف = فرار از مسئولیت؛



۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار خانواده و ستاد سالگرد شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، در

آستانه دومین سالگرد شهادت شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ دسترسی در:

<https://khl.inlink/f/49260>.



سومین و آخرین مانعی که در این جلسه به آن اشاره می‌کنیم، فرار از مسئولیت است. یکی از ویژگی‌های اصلی میوندار، مسئولیت‌پذیری اوست و در مقابل، یکی از ضعف‌های اصلی میوندار، مسئولیت‌گریزی اوست. مسئولیت‌پذیری، نماد میونداری است و مسئولیت‌گریزی، مانع آن.

میوندار حق ندارد، مسئولیت خود را به دیگران واگذار کند. فرار از مسئولیت، یعنی داشتن ضعفی غیرقابل پذیرش. شما نمی‌توانی بگویی من جلسه را تا اینجا کشانده‌ام و مابقی‌اش به من ارتباطی ندارد. هرگز. شما وقتی مسئولیتی را می‌پذیری، ترک مسئولیت شما برابر است با خیانت و بر این اساس کم‌کاری برخی مسئولین، به معنای واقعی کلمه خیانت نام دارد. دفاع مقدس را شما تصور کن. اگر وسط میدان جنگ، میونداران با قدرت تمام پای‌کار نمی‌ماندند چه اتفاقی می‌افتاد؟ میونداران دفاع مقدس، اگر مسئولیت‌گریز بودند و همه‌چیز را رها می‌کردند، خدا می‌دانست که از این گریهٔ ایران^۱ جز دست‌وپا، چیزی باقی نمی‌ماند!

دو تا دعا می‌کنم و شما بلند آمین بگویید.

خدایا! هرکسی که به این نظام و انقلاب خدمت می‌کند، به عمر و زندگی او برکت عنایت بفرما.

خدایا! هرکسی را که به این نظام خیانت می‌کند، اگر قابل‌هدایت نیست، او را نیست و نابود کن.

الهی آمین.

شهادت کربلا، مسئولیت‌پذیر بودند و تا پای جان در راه و مسیر امام زمان خود ماندند و با بهانه‌های واهی، پا پس نکشیدند. قاسم بن الحسن نوجوانی بود که زره و کلاه خود اندازه او نبود. او به این بهانه، مسئولیت‌گریز نشد و دست از تلاش و کوشش خود برنداشت تا جایی که بدون کلاه و زره،

۱. اشاره به نقشهٔ ایران.



به قلب لشکر دشمن زد و همه را انگشت به دهان گذاشت.

تنوع

از آنجاکه امروز روز ششم محرم است و غالباً در همه هیئات، روز ششم را اختصاص می‌دهند به شاهزادهٔ امام مجتبی، حضرت قاسم علیه السلام، بیابید مثل دیروز، جلسه و برنامه‌مان را منور کنیم با نام و یاد حضرت.

من دودمه حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام را یک بار می‌خوانم و ادامه‌اش را شما تکمیل کنید. برای اینکه نظم جلسه نیز به هم نریزد، مثل دیروز لطف کنید و دودسته شوید. دوستان سمت راست، قسمت اول دودمه را می‌خوانند و دوستان سمت چپ، قسمت دوم دودمه را!
سمت راست:

ای عمو بنگر تنم اندازه سقا شده. قاسمت رعنا شده.

سمت چپ:

بندبندم زیر نعل اسب، از هم وا شده. قاسمت رعنا شده.

الهی که قاسم بن الحسن علیه السلام دست همه ما را بگیرد، بلند صلوات بفرستید.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

جمع‌بندی:

کدام یک از عزیزان می‌تواند در چند جمله بگوید که امروز چه گفتیم؟^۲

سپاس از همه شما عزیزان. اگر بخواهیم در چند جمله، بحث امروزمان را خلاصه‌وار مرور کنیم، خواهیم گفت که:

ضعف، مانعی است در مسیر میونداری و میونداری با ضعف در یک جا، قرار

۱. مربیان عزیز توجه داشته باشند که در صورت توانایی کنترل کلاس، حتماً سینه‌زنی داشته باشند و دودمه را همراه با سینه‌زدن اجرا نمایند.

۲. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.

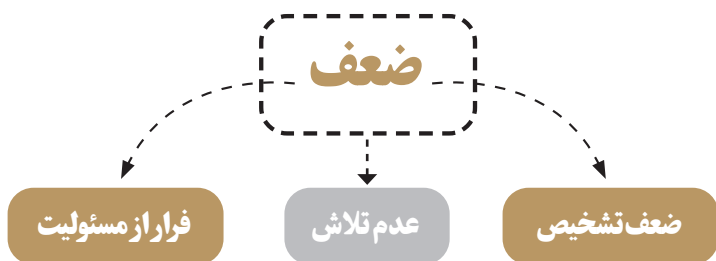


نمی‌گیرند. در ادامه نیز به توضیح زوایای مختلف ضعف پرداختیم و به این موارد اشاره کردیم:

ض = ضعف تشخیص؛

ع = عدم تلاش و کوشش؛

ف = فرار از مسئولیت؛



تکلیف

همان‌طور که گفتیم، راهکار تشخیص درست از نادرست، در جامعه امروزی، سلامت فکری است و یکی از بهترین راه‌های کسب سلامت فکری، مطالعه کتاب است. برای همین از شما عزیزان درخواست می‌کنم که کتاب «نامیرا»^۱ که مرتبط با محرم است را مطالعه بفرمایید و به دل خواه برای جلسه بعد، خلاصه‌اش را توضیح بدهید.

دعای پایانی

در انتهای کلاس نیز بیا بیا با همدیگر دعا کنیم.^۲

خدایا! ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام رابرسان.

خدایا! ما را از میونداران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام قرار بده.

بارالها! قدرت تشخیص مسائل را به ما عنایت بفرما.

۱. کتاب نامیرا نوشته صادق کرمیار است و مقام معظم رهبری به خواندن آن توصیه کرده‌اند.

۲. مریبان عزیز می‌توانند در صورت کم بودن تعداد متریبان، از هر نفر بخواهند که یک دعا کنند.



خدایا! ما را از طرفداران و خوانندگان کتاب‌های خوب قرار بده.
خدایا! به ما کمک کن همیشه مسئولیت‌پذیر بوده و از مسئولیت‌گریزی
به دور باشیم.

خدایا! چنان کن سرانجام کار
تو خوشنود باشی و ما رستگار.
سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بلند صلوات بفرستید.

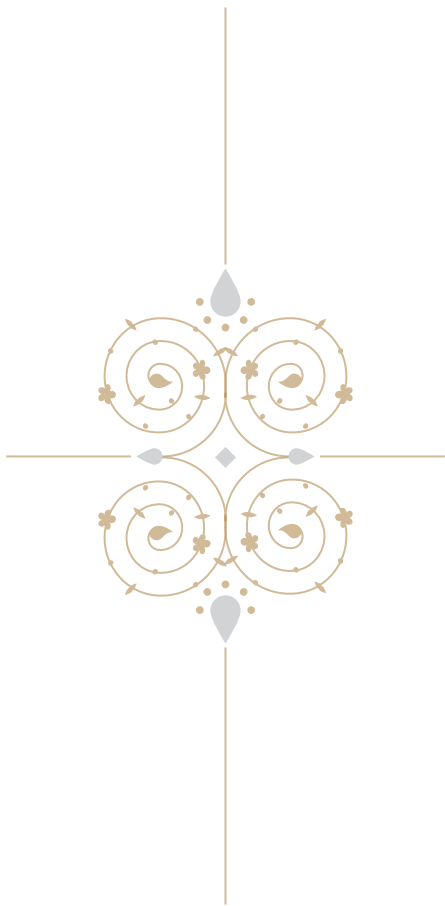
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



جلسه هفتم

پله‌های سق و ط ۲!

(فردگرائی، عامل نابودی پیوندها)



ارتباط اولیه

بارالها! دوست می‌دارم تو را
ای تو با جان و دل من آشنا
ای خدای بی‌شریک و بی‌قرین
در میان دوستانم بهترین
به نام خدای امام حسین علیه السلام

سلامی امام حسینی به میونداران قیام حسینی.

امیدوارم که حال دلتان همیشه خوب باشد و امام حسینی.

بر اساس عهدی که از ابتدا با هم بستیم، آغاز تمامی جلساتمان را با سلام
بر وجود نازنین اباعبدالله و یاران باوفایش علیهم السلام شروع می‌کنیم تا هم
جلساتمان پربرکت شود، هم به واسطه یاد امام حسین علیه السلام ثوابی به ما
برسد و هم امید داشته باشیم که امام حسین علیه السلام به کلاس و برنامه ما
نظری کنند و ان شاءالله گوشه چشمی به ما نمایند.^۱

علاوه بر اینکه قرار شد این سلام روزانه را به یک یا چند نفر از اصحاب امام
هدیه بدهیم و یادی ویژه از آنان داشته باشیم.

۱. این متن را در هر جلسه از باب مهارت تعبدبخشی تکرار می‌کنیم.

سلام امروز را می‌خواهیم هدیه بدهیم به همه مادران شهدا، مخصوصاً مادر شیرخواره کربلا حضرت رباب علیها السلام و البته نازدانه ایشان، حضرت علی اصغر علیه السلام.

به رسم ادب، دست ادب بر سینه می‌گذاریم و با عشق، سلام می‌دهیم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَاجَعَلَهُ اللهُ
اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ
السَّلَامُ عَلَی الْحُسَيْنِ وَ عَلَی عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ
عَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»

هر چقدر امام حسین علیه السلام را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

الهی که امام حسین علیه السلام همیشه محافظ و نگهدار شما میونداران امام حسینی باشد. الهی آمین.

شروع

داستانی است فوق‌العاده جالب و البته درس‌آموز! داستانی از زندگی یک شیر خطرناک و سه گاو سفید، سیاه و زرد. داستانی که شاید زندگی روزمره برخی از ما انسان‌ها را حکایت می‌کند.

در این داستان آمده است که:

در جنگلی سه گاو وجود داشت که با خوبی و خوشی در کنار هم زندگی می‌کردند. در همان جنگل، شیر خطرناکی هم زندگی می‌کرد و آرزویش شکار این گاوهای خوشمزه بود! اما متأسفانه زور شیر به سه گاو

۱. مریبان عزیز توجه داشته باشند که باید مراقبت کنند تا لحن قصه گویی آن‌ها به کودکانه تغییر پیدا نکند.



نمی‌رسید! شاید برسید چرا؟ چون این سه گاو وقتی با هم بودند، با شاخ و لگد به حساب شیر می‌رسیدند و شیر را فراری می‌دادند. شیر هم هرکاری می‌کرد، نمی‌توانست این سه گاو را شکار کند. تا اینکه یک روز روباه حيله‌گری که شکست شیر را از گاوها دیده بود، سراغ شیر رفت و گفت: می‌خواهی من کمکت کنم تا گاوها را شکار کنی؟ شیر با خوشحالی گفت: مگر می‌توانی؟! روباه گفت: اگر قول بدهی که مرا نیز در گوشت گاوها سهیم کنی، راه حل شکار آن‌ها را به تو خواهم گفت. شیر هم قبول کرد و روباه نقشه‌اش را گفت.

قبل از اینکه ادامه داستان را بگویم شما بفرمایید که به نظر شما نقشه روباه برای شکستن قدرت گاوها چه بود؟^۱

خوب گوش کنید تا ببینید روباه با چه نقشه‌ای می‌خواهد گاوها را شکار کند!

زور روباه مطمئناً از شیر کمتر است، پس با زور نمی‌تواند گاوها را شکار کند. پس باید حيله و نقشه‌ای حسابی داشته باشد. خلاصه روباه از در دوستی با گاوها وارد شد و به آن‌ها چراگاه‌های سرسبز و تازه‌ای را نشان می‌داد و گاوها هم لذت می‌بردند که هرروز روباه، چراگاه‌های خوب و تازه‌تری به آن‌ها نشان می‌دهد. بالاخره پس از چند روز، روباه توانست اعتماد گاوها را به خود جلب کند. دیگر هرچیزی که روباه می‌گفت، گاوها باور می‌کردند اما بی‌خبر از آنکه کم‌کم روباه، آماده اجرای نقشه خود می‌شود.

گذشت و گذشت تا اینکه روزی روباه، سراغ گاو سفید و زرد رفت و به آن‌ها گفت: نگاه کنید! این گاو سیاه چقدر تندتند علف‌ها را می‌خورد و برای شما چیزی نمی‌گذارد! اگر این گاو سیاه نباشد، سهم شما از این علف‌ها خیلی بیشتر خواهد بود. گاو سفید و زرد نادان هم گفتند: راست می‌گویی! چقدر تندتند می‌خورد! این که برای ما چیزی نمی‌گذارد! روباه گفت: می‌خواهید کاری کنید که همه این علف‌های خوشمزه برای شما دو تا باشد؟ گاو سفید

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.



و زرد هم خوشحال گفتند: بله حتماً! روباه مهربان، تو به ما بگو چه کنیم!

روباه که در پوست خودش نمی‌گنجید و نقشه خود را عملی می‌دانست، گفت: فردا که به جنگل و چراگاه آمدید، آرام‌آرام از گاو سیاه فاصله بگیرید و وقتی شما از گاو سیاه فاصله گرفتید، شیر سراغ گاو سیاه می‌رود و او را شکار می‌کند. آن‌ها نیز پذیرفتند. فردا داستان همان‌گونه شد که روباه خواسته بود. شیر حمله کرد و هرچه گاو سیاه از آن‌ها کمک خواست، فقط نگاه کردند تا شکار شیر شد! درمقابل شیر و روباه هم تا چند وقتی حسابی از گوشت گاو سیاه می‌خوردند و لذت می‌بردند!

پس از مدتی گوشت گاو سیاه تمام شد و دوباره سروکله روباه پیدا شد. باز هم همان نقشه اما این بار با گاو سفید؛ ای گاو سفید نگاه کن گاو زرد چقدر آب می‌خورد! فردا اگه گرما زیادتر شد و آب چشمه کم شد، دیگر آبی به تو نخواهد رسید! چراکه همه آب‌ها را گاو زرد می‌خورد! گاو سفید نادان هم گفت: راست می‌گویی! چقدر آب می‌خورد! روباه هم از فرصت استفاده کرد و گفت: آیا دوست داری این چشمه و این چراگاه، فقط برای تو باشد؟ گاو سفید هم طمع کرد و گفت: چه خوب می‌شد اگر همه این چراگاه و چشمه برای خودم بود! روباه گفت: فردا که آمدی چراگاه، به بهانه آب خوردن از گاو زرد فاصله بگیر و او را تنها بگذار و بقیه کار با من! فردا نیز چنان شد که روباه می‌خواست. شیر به گاو زرد حمله کرد و او را شکار کرد. گاو سفید نیز فقط نگاه می‌کرد و در دلش خوشحال بود که چشمه و چراگاه دیگر برای او شده است؛ اما همین که شیر و روباه گاو زرد را خوردند و تمام شد، سراغ گاو سفید آمدند. او در خیال باطل خود فکر کرد آن‌ها آمده‌اند تا به او سری بزنند و یا تیریکی بگویند که صاحب چشمه و چراگاه شده است! اما روباه گفت: ای گاو سفید! آمده ایم تا تو را شکار کنیم. این مدت، همه نقشه ما این بود که شما را یکی یکی و تنهایی گیر بیاوریم و شکار کنیم! چون تا زمانی که با هم بودید و اتحاد داشتید و کار گروهی می‌کردید، هیچ‌کسی حتی شیر هم زورش به شما نمی‌رسید. ولی همین که تنها شدید و همدیگر را تنها گذاشتید و به فردگرایی روی آوردید، زور شیر به شما رسید و تک‌تک شما را



شکار کرد. حالا تو هم دیگر تنها شده‌ای و زورت به شیر نمی‌رسد و درحال حاضر نوبت توست تا مثل دیگر دوستانت، غذای لذیذ من و شیر باشی! و او نیز شکار شد!

دوستان عزیزم، چه اتفاقی افتاد؟! چرا این بلا و سرنوشت بد، شامل حال گاوها شد؟ چرا به نظرتان؟^۱

احسنت به شما! بسیار واضح است که شکست گاوها زمانی اتفاق افتاد که اتحاد و کار گروهی خود را از دست دادند و گول نقشه دشمن را خوردند. دشمن هم می‌دانست تا زمانی که این‌ها با هم هستند و با هم همکاری می‌کنند، کسی نمی‌تواند آن‌ها را شکست بدهد. به این خاطر با یک نقشه، آن‌ها را از هم جدا کرد و وقتی تنها شدند و دیگر قدرتی نداشتند، به راحتی توانست آن‌ها را شکست بدهد!

قبل از اینکه وارد بحث خودمان یعنی میوندار و ارتباط این داستان با آن بشوم، اجازه بدهید یک سؤال مهمی را درباره این داستان از شما بپرسم. به نظر شما حيله و نقشه اصلی روباه چه بود؟ روباه از چه ابزاری استفاده کرد که گاوها گول او را خوردند؟^۲

احسنت به شما دوستان جان. ابزار روباه برای گمراهی و نابودی این اتحاد، منفعت طلبی فردی یا به عبارتی سود شخصی آن‌ها بود.

روباه می‌گفت: «اگر فقط به فکر خودت باشی، سود بیشتری می‌بری! چه کار به کار بقیه داری! بذار او نباشد تا تو بیشتر سود ببری! تو فقط باید به فکر سود خود باشی!» اما آخرش چه شد؟! به ضرر همه تمام شد!

قالب عددی - مقایسه‌ای:

شاید برای تان سؤال شده باشد که حاج آقا: اگر ممکن است بفرمایید که ارتباط این داستان با بحث ما یعنی میوندار چیست؟ اگر در ذهن شما نیز

۱. ضرورت مشارکت‌گیری فراموش نشود.

۲. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.



چنین سؤالی مطرح شده است باید خدمتتان عرض کنم که در جلسه قبل گفتیم موانع زیادی سر راه میوندار قرار دارد و ما فقط به ۲ مورد آن اشاره می‌کنیم: یکی ضعف بود که در جلسه پیش درباره آن مفصل صحبت کردیم و دیگری را در این جلسه توضیح خواهیم داد. ان‌شاءالله.

دومین مانع و شاید بتوان گفت مهم‌ترین مانع برای میونداری، فردگرایی است. فردگرایی، عامل نابودی پیوندهای اجتماعی است. فردگرایی، عاملی است برای شکستن یک اتحاد. فردگرایی، عاملی است برای به فنا رفتن بنایی مستحکم.

دشمن داستان ما یعنی روباه، زمانی توانست گاوها را شکست بدهد که اتحاد و گروه‌گرایی آن‌ها را شکست. فردگرایی و منفعت طلبی شخصی، عاملی بود برای نابودی آن جمع قوی.

شاید خنده‌دار به نظر برسد اما این ویژگی گاوها، در زندگی دنیایی ما انسان‌ها نیز وجود دارد! بسیار اتفاق می‌افتد که ما به خاطر فردگرایی و عدم کارگروهی، چه ضررها و چه زیان‌هایی را به خود و مجموعه اطرافمان تحمیل کرده‌ایم؟!

میوندار، اگر اهل فردگرایی باشد و به کار جمعی توجهی نداشته باشد، قطعاً محکوم به شکست خواهد بود. اگر میوندار بگوید من با دیگران کاری ندارم و خودم به تنهایی سینه می‌زنم، چه اتفاقی رقم خواهد خورد؟! اگر بگوید من با دیگر میونداران کاری ندارم و خودم، کار خودم را می‌کنم، نتیجه چه خواهد شد؟! همان‌طور که گفتیم این فردگرایی محکوم به شکست خواهد بود.

عرض کردیم که فردگرایی میوندار در ۲ حوزه یا با ۲ گروه می‌تواند اتفاق بیفتد.



۱. ارتباط با مردم یا همان سینه زن ها؛

میونداران حرفه‌ای می‌دانند زمانی جلسه زیبا خواهد شد که همه مردم وسط گود بیایند و در حلقه سینه‌زنی شرکت کنند. آن‌ها حتی می‌دانند که چه سینه‌زن‌هایی را بیاورند وسط گود و نزدیک مداح تا با شور و هیجان بیشتری مداح را یاری کنند و به سینه‌زن‌های دیگر هم شور بدهند.

شمایی که میونداران آینده این جامعه هستید، باید حواستان باشد که چه کسانی را دور خودتان جمع می‌کنید. حواستان باشد که یار جمع کنید نه بار؛ سرباز جمع کنید نه سربار! حتی بالاتر، سردار جمع کنید نه سرباز!

پس اولین نوع ارتباط میوندار، ارتباط او با عموم مردم یا همان سینه‌زن‌ها است؛ اما برویم سراغ دومین ارتباط.

۲. ارتباط با سایر میونداران؛

چه بسیارند هیئاتی که بیش از یک میوندار دارند و آنان ناچارند که با هم هماهنگ باشند و کار گروهی انجام دهند. البته میونداران خوب و حرفه‌ای در مجالس کوچک هم چند میوندار دیگر را بین صفوف سینه زنی مستقر می‌کنند تا به او کمک کنند و این میاندارها دائماً تا آخر سینه‌زنی با یک ارتباط کلامی و غیرکلامی هماهنگی ایجاد می‌کنند و در عین اینکه شاید حواسشان هم نباشد، به نوعی در جایگاه خودشان در حال انجام یک کار منظم تشکیلاتی هستند چرا که میوندار اصلی افرادی را وسط گود آورده با اینکه غالباً کنار دست او نیستند ولی با اشاره‌هایی به همدیگر گرامی دهند که مثلاً الان وقت کدام کار است و چه کاری را باید انجام داد.

در این جلسات، رفتارهای فردگرایانه و بر اساس میل شخصی، برابر است با نابودی جلسه.

نقل می‌کنند: در یکی از مجالس عزاداری، عده‌ای مشغول سینه‌زنی بودند و مداح نوحه می‌خواند. ناگهان میانداری از جا برخاست و خطاب به جمع گفت: ادب کنید و بلند شوید. در همین هنگام میاندار دیگری از قسمت پشت سر که شاید متوجه حرف میاندار اولی نشده بود، خطاب به جمع با



صدای بلند گفت: بی ادبی نکنید و بنشینید. مداح هم که اوضاع را چنین دید، ناگهان این شعر سعدی را که به موقع به یاد آورده بود، با صدای متناسب با ریتم سینه زنی، قرائت کرد:

ادب مرد به جود است و کرامت به سجود

هرکه این هردو ندارد، عدمش به وجود

بعد هم گفت: هرکس هرطور دوست دارد، عزاداری کند.

در جامعه نیز عین همین مسئله، حکم فرماست. میوانداران امام جامعه، باید با یک کار تشکیلاتی و منسجم و منظم و مستمر مردم را با امام جامعه هماهنگ کنند و در یک کلام، اهل کار جمعی و تشکیلاتی باشند.

دوستان من، وقتی جمعی با هم باشند، بسیاری از سختی‌ها قابل تحمل می‌شود. شما به قضیه کرونا نگاهی بیندازید. کرونا اگر جمع شد، قطعاً با کار جمعی رفع شد. سیل و زلزله‌هایی که در ایران اتفاق افتاد، با کدام کار فردی حل شد؟! مگر جز این بود که همه مردم دست در دست هم نهاندند و با عشق کار جمعی کردند و متحدانه مشکل دیگران را مشکل خود دانسته و آن را حل و فصل کردند؟!!

شعری را از زمان بچگی به یاد دارم که همیشه می‌خواندیم و البته هم زیبا و قشنگ بود و هم پرمعنا و مفهوم. هرکسی هم بلد است با من تکرار کند.

دست به دست هم دهیم به مهر

میهن خویش را کنیم آباد

یار و غم‌خوار همدگر باشیم

تا بمانیم خرم و آزاد

آن قدر باهم بودن مهم است که دین مبین اسلام که بهترین و کامل‌ترین دین است، به صورت دائمی برای ما برنامه‌های جمعی و اجتماعی قرار داده است. از برنامه‌های روزانه گرفته تا برنامه‌هایی که فقط یک بار در طول عمر هرکسی، بر او واجب می‌شود برای مثال:

برنامه‌های جمعی روزانه = خواندن نمازهای پنج‌گانه به جماعت؛



برنامه های جمعی هفتگی = نماز جمعه؛

برنامه های جمعی سالانه = نماز عید فطر؛

برنامه های جمعی عمرانه = حج رفتن.

اصلاً دین اسلام، دین جمعی بوده و فقط برخی از امور است که به صورت انفرادی انجام می شود. دینی جمعی تر از این که در روز عاشورا و میان بحبوحه جنگ، امام زمان این دین، در مقابل دشمن به نماز جماعت می ایستد و نمازش را با جمع می خواند؟!

خلاصه اینکه ما باید اهل کار جمعی و گروهی باشیم و از تنهایی فرار کنیم چراکه مملو از فوایدی است که برخی از آن ها را با هم مقایسه خواهیم کرد.

تنوع

قبل از اینکه مقایسه ای داشته باشیم بین خروجی کار فردی با کار گروهی، بیایید همه با هم این صلوات همیشگی و مخصوص را به اهل بیت علیهم السلام عصمت و طهارت هدیه بدهیم تا نظرشان مثل همیشه به کلاس و برنامه ما باشد. ان شاء الله.

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَى النَّبِيِّ

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ النَّبِيِّ

الهی که همیشه اهل بیت علیهم السلام نگهدارتان باشد. هرچقدر به پیامبر مهربانی ها و خاندان پاک و مطهرشان ارادت دارید، بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

ادامه بحث

مقایسه کار گروهی با کار فردی!

خب بیایید مقایسه ای داشته باشیم بین کار فردی با کار جمعی!



□ کار گروهی	× کار فردی
۱. اثرگذاری بیشتر	۱. اثر کمتر
۲. سرعت در انجام کار	۲. گُندی در عمل
۳. استفاده از توان کمتر	۳. توان اضافی
۴. گرفتن تصمیمات دقیق‌تر	۴. تصمیمات سطحی

توضیحات ۱.

کاملاً مشخص است که اثر کار جمعی، بسیار بسیار، بیشتر است از اثر کار فردی. وقتی امیر بیان و کلام، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در خطبه ۲۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (همانا دست خدا با جماعت است!) دیگر به دنبال چه می‌گردیم؟! گشتیم نبود، نگرد نیست! دست خدا با کار گروهی و جمعی است نه انفرادی.

دوستان من، مهم نیست چقدر ذهن یا استراتژی درخشانی داشته باشید، اگر تنها عمل کنید، در مقابل یک تیم همیشه بازنده خواهید بود. در ورزش‌های گروهی، شما بهترین‌ها هم که باشی، مطمئناً بدون کمک دیگران، هیچ کاری از دستتان بر نخواهد آمد.

این جمله را یادداشت کنید و در اتاقتان نصب کنید که:

دور هم جمع شدن به معنای شروع، کنار هم بودن به معنای پیشرفت و کار کردن با هم به معنای موفقیت است.

خلاصه موفقیت ما در گرو کار جمعی است. همه داستان صیاد و شکار کبوترها را خوانده و شنیده اید اما تکرار آن خالی از لطف نیست. کدام یک از دوستان می‌تواند داستان صیاد و شکار کبوترها را برای ما تعریف کند؟ هرکدام از دوستان که به خاطر دارد لطفاً بیاید اینجا کنار من و برای بقیه



توضیح دهد!

ممنونم و سپاسگزار از این مشارکت فعال شما گیورمردان ایران زمین.

همان طور که شما دوستان هم گفتید

روزی یک شکارچی برای شکار پرنده ها و کبوترها به جنگلی میرود. شکارچی با خود، یک تور و مقداری دانه می برد و پس از پهن کردن تور روی زمین، با کمی علف روی آن را می پوشاند تا کبوترها تور را نبینند. بعد روی علف ها، دانه ها را می پاشد و طنابی که به تور وصل بوده را می گیرد و گوشه ای پنهان می شود. کبوترها برای خوردن دانه ها به پایین پریدند و شروع کردند به خوردن دانه ها. مشغول خوردن بودند که یک باره شکارچی بیرون آمد و طناب را کشید و همه گیر افتادند و هرچه تلاش کردند که بتوانند پرواز کنند، بی فایده بود. هرکدام به طرفی بال می زد و تلاش می کرد اما بی فایده بود و موفق نمی شد. کبوتر باهوشی که بین آنان بود گفت: تا زمانی که هرکسی برای خودش تلاش کند و به تنهایی بخواهد کار کند خبری از نجات نخواهد بود! تنها راه نجات این است که متحد بشویم و در کنار هم باشیم و با هم بال بزنیم تا بتوانیم تور را بلند کنیم. همین که آن ها با هم دیگر متحد شدند، دیدند که تور دارد تکان می خورد و با تلاش بیشتر موفق شدند تور را بلند کنند. همگی پرواز کردند و از دست شکارچی نجات پیدا کردند.

پس رمز پیروزی در باهم بودن، متحد شدن و به عبارتی دیگر کار گروهی و جمعی است.

توضیحات ۲.

دومین نکته ای که باید به آن توجه داشته باشیم این است که سرعت انجام کار در جمع، بسیار بالاتر است از انجام همان کار به صورت شخصی. انجام یک کار به صورت گروهی، هم سرعت عمل شما را بیشتر کرده و هم صرفه جویی در وقت را به شما هدیه خواهد داد.



تقسیم وظایف، خستگی روحی و جسمی اعضا را کم می‌کند و این، عاملی می‌شود برای افزایش سرعت و البته راندمان بیشتر کار. در مقابل وقتی کاری به صورت فردی اتفاق می‌افتد، علاوه بر اثرگذاری کمتر، سرعت انجام کار نیز بسیار کمتر خواهد بود.

ما به تنهایی یک قطره‌ایم اما در کنار هم اقیانوس می‌شویم.

توضیحات ۳.

دوستان لطفاً همگی این ضرب‌المثل را کامل کنید: سنگ بزرگ نشانه...؟! آفرین به همه که اشتباه گفتید! سنگ بزرگ، نشانه نزدن نیست! سنگ بزرگ، نشانه کمک‌گرفتن از دیگران در کارهاست!

اگر ما بخواهیم یک میز سنگین را بلند کنیم، ممکن است یا توان آن را نداشته باشیم و یا فشار زیادی به ما وارد شود؛ اما وقتی به صورت جمعی و گروهی انجام دهیم، هم راحت‌تر انجام خواهد شد و هم فشار کمتری به تک‌تک افراد وارد می‌شود.

در نظر بگیرید ماشینی خراب شده باشد و می‌خواهیم آن را حرکت دهیم و به قول معروف، هُل بدهیم. به نظر شما کدام حالت راحت‌تر است: اول اینکه به تنهایی بخواهیم ماشین را هُل بدهیم و کاری به دیگران نداشته باشیم. دوم اینکه از دیگران نیز کمک بگیریم و با کمک همدیگر هُل بدهیم.

خدا و کیلی پرواضح است که دومین حالت، بهترین حالت است و کمترین فشار ممکن به ما وارد خواهد شد.

توضیحات ۴.

هیچ‌یک از ما به اندازه همه ما باهوش نیست!

دوستان عزیز، وقتی ما کاری را بخواهیم شروع کنیم، باید فکر کنیم. همه



می دانیم که چند فکر، بسیار بهتر است از یک فکر. اگر چند نفر با هم دیگر فکر کنند، حتماً راه‌های بهتر و مفیدتری پیدا خواهند کرد.

حتی خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران هم به این بحث اشاره کرده که: «وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن).

یعنی عقل و خرد جمعی بهتر است از عقل تک نفره؛ یعنی چند فکر بسیار بهتر است از یک فکر.

جمع‌بندی

خب گفتیم که دومین مانع و شاید بتوان گفت مهم‌ترین مانع برای میونداری، فردگرایی است و این فردگرایی، می‌تواند عاملی باشد برای نابودی پیوندهای اجتماعی. در ادامه عرض شد که فردگرایی میوندار در ۲ حوزه یا با ۲ گروه می‌تواند اتفاق بیفتد:

۱. ارتباط با عموم مردم؛ که همان سینه‌زن‌ها محسوب می‌شوند.

۲. ارتباط با سایر میونداران؛ اتحاد میان میونداران در هیئاتی که بیش از یک میوندار دارند.

علاوه بر این‌ها به یک نکته بسیار مهم و اساسی درباره نگاه اسلام اشاره کردیم و گفتیم که: دین مبین اسلام که بهترین و کامل‌ترین دین است، به صورت دائمی برای ما برنامه‌های جمعی، گروهی و به عبارتی دیگر اجتماعی قرار داده است؛ از برنامه‌های روزانه گرفته تا برنامه‌های عمرانه.

در آخر نیز مقایسه‌ای داشتیم بین کار فردی با کار جمعی و عرض کردیم که برخی از فوائد کار جمعی عبارتند از:

اثرگذاری بیشتر؛

سرعت در انجام کار؛

استفاده از توان کمتر؛



گرفتن تصمیمات دقیق‌تر.

تکلیف

یکی از کارهای جمعی که بسیار ثواب هم دارد، زدن ایستگاه صلواتی در محرم است. بیایید دست به دست هم بدهیم و با کمک هم برای این چند روز باقیمانده از دهه اول محرم، یک ایستگاه صلواتی راه‌اندازی کنیم و به هممانان خیمه ابا عبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام، شربت بدهیم.

دعای پایانی

در انتهای کلاس نیز بیایید با همدیگر دعا کنیم!

خدایا! ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام قَرِّبْهُ لَنَا رَبِّسَان.

خدایا! ما را از میونداران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام قَرِّبْهُ لَنَا قَرَّار بَدَه.

خدایا! ما را از فردگرایی و فردمحوری و گروه‌گریزی در امان بدار.

پروردگارا! لذت انجام دادن کارها به صورت گروهی را به ما بچشان.

خدایا! به ما کمک کن همیشه و هرکجا، در کارهای خیر گروهی شرکت کنیم.

خدایا! چنان کن سرانجام کار

تو خوشنود باشی و ما رستگار

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



جلسه هشتم

مرد میدان!

(مرد میدان بودن، ویژگی اصلی میونداری)



ارتباط اولیه

خداوند! پناه مؤمنانی
نباشد جز تو یار مهربانی
خداوند! همه نیکویی از توست
کریمی از تو و دلگرمی از توست
به نام خدای امام حسین علیه السلام

سلامی امام حسینی به میونداران قیام حسینی.

امیدوارم که حال دلتان همیشه خوب باشد و امام حسینی.

بر اساس عهده‌ی که از ابتدا با هم بستیم، آغاز تمامی جلساتمان را با سلام بر وجود نازنین اباعبدالله و یاران باوفایش علیهم السلام شروع می‌کنیم تا هم جلساتمان پربرکت شود، هم به واسطه‌ی یاد امام حسین علیه السلام ثوابی به ما برسد و هم امید داشته باشیم که امام حسین علیه السلام به کلاس و برنامه ما نظری کنند و ان شاءالله گوشه‌ی چشمی به ما نمایند.^۱

علاوه بر اینکه قرار شد این سلام روزانه را به یک یا چند نفر از اصحاب امام هدیه بدهیم و یادی ویژه از آنان داشته باشیم.

۱. این متن را در هر جلسه از باب مهارت تعبدبخشی تکرار می‌کنیم.

سلام امروز را هم مانند دیروز هدیه می‌دهیم به همه مادران شهدا، مخصوصاً مادر شبیه‌ترین فرد به پیامبر در کربلا یعنی حضرت لیلای علیها السلام و البته جوان رعناى ایشان، شبه پیمبر، حضرت علی اکبر علیه السلام. همچون همیشه، به رسم ادب، دست ادب بر سینه می‌گذاریم و با عشق، سلام می‌دهیم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِئَاتِكَ
عَلَيْكَ مِثِّي سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لاجَعَلَهُ اللهُ
اٰخِرَ الْعَهْدِ مِثِّي لِزِيَارَتِكَ
السَّلَامُ عَلَی الْحُسَيْنِ وَ عَلَی عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ
عَلَى اصْحَابِ الْحُسَيْنِ»

هر چقدر امام حسین علیه السلام را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

الهی که امام حسین علیه السلام همیشه محافظ و نگهدار شما میونداران امام حسینی باشد. الهی آمین.

شروع

آن گل که از او جهان معطر باشد
سرتابه قدم شبه پیمبر باشد
خواهی که گل محمدی را بویی
فرزند حسین، علی اکبر باشد
باز هم شادی روح شبه پیمبر، حضرت علی اکبر علیه السلام بلند صلوات ختم کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

همان طور که می‌دانید حضرت علی اکبر علیه السلام پسر بزرگ امام حسین علیه السلام بودند و شبیه‌ترین فرد به پیامبر مهربانی صلوات الله علیه حضرت علی اکبر علیه السلام در روز واقعه عاشورا در کنار دیگر یاران و اصحاب امام برای دفاع و یاری از دین



خدا تا آخرین نفس ایستادند و جنگیدند. در روز عاشورا و پس از اینکه اصحاب و یاران امام به شهادت رسیدند، حضرت علی اکبر علیه السلام همین که غربت امام زمان خود را مشاهده کرد، از امام خود اجازه به میدان رفتن را گرفت و سریعاً به دل میدان نبرد زد. حضرت علی اکبر علیه السلام به محض احساس وظیفه، مرد میدان جنگ شد. غیرت او به جوش آمد و سریعاً نزد امام زمان خویش آمد و اذن میدان گرفت. اقدام حضرت علی اکبر علیه السلام، اقدامی فوق العاده به هنگام بود.

از این اقدام به هنگام وام می‌گیریم و وارد بحث امروزمان می‌شویم. برای اینکه با موضوع امروز آشنا شویم ابتدا باید این جدول را حل کنیم تا به رمز آن که موضوع امروز ماست، پی ببریم.^۱

سوالات:

۱. لقب آسمانی حضرت ابوالفضل علیه السلام

			۱
			۲
			۲
			۴
			۵
			۶
			۷
			۸

- چه بود؛
 ۲. نام قاتل امام حسین علیه السلام چیست؛
 ۳. اولین عضو فدا شده حضرت عباس علیه السلام چه بود؛
 ۴. امام حسین علیه السلام چندمین امام ما شیعیان هستند؟
 ۵. نام دیگر دوست و رفیق چیست؛
 ۶. به معنای سرور و آقا است.
 ۷. حضرت علی اکبر علیه السلام چندمین شهید بنی‌هاشم بود؟
 ۸. به اجازه و رخصت میدان حضرت علی اکبر علیه السلام چه می‌گویند؟

قبل از اینکه بگوییم چگونه می‌توان رمز جدول را بدست آورد، ببینم کسی

۱. مربی باید ابتدا جدول را روی تابلو بکشد و سپس سوالات را جوری بپرسد که همه متریبان در بحث مشارکت داشته باشند؛ برای مثال می‌تواند هر سؤال را از یک بخش از کلاس بپرسد یا....



می‌تواند حدس بزند که رمز جدول ما چیست!

برای اینکه رمز جدول را بدست آورید باید به صورت یک درمیان، ابتدا و انتهای پاسخ‌ها را کنار هم بچسبانید. (ابتدا حرف اول سؤال یک، بعد حرف آخر سؤال دو، سپس حرف اول سؤال سه و...)

خب بفرمایید که رمز جدول ما چه شد؟

رمز جدول: مرد میدان!

ه	ا	م	۱
ر	م	ش	۲
ت	س	د	۳
م	و	س	۴
ر	ا	ی	۵
د	ی	س	۶
ل	و	ا	۷
ن	ذ	ا	۸

موضوعی که امروز قرار است درباره آن صحبت کنیم، مرد میدان بودن است. یکی از ویژگی‌های اصلی میوندار، مرد میدان بودن است. میوندار باید مرد میدان باشد. میونداری، میوندار است که کف میدان باشد. میوندار، اجازه ترک میدان را ندارد. میوندار اگر کنار ایستاد، اولاً دیگر میوندار نام نخواهد داشت؛ ثانیاً دیگر اثرگذار نخواهد بود؛ ثالثاً اگر هم اثرگذار باشد، زیاد مؤثر نخواهد بود.

قالب عددی - انواعی

از آنجاکه شما عزیزان قرار است میونداران آینده این نظام و جمهوری اسلامی باشید، پس ناگزیرید که مرد میدان باشید. کاملاً واضح است که ما برای اینکه مرد میدان باشیم باید ابتدا با ویژگی‌های مرد میدان آشنا شده باشیم. به نظر شما مرد میدان چه ویژگی‌هایی دارد؟^۲

۱. مری باید صبر کند تا متریبان تمام تلاش خود را جهت دستیابی به رمز جدول انجام دهند. سپس اگر کسی توانست رمز را بدست آورد، مورد تشویق قرار می‌گیرد و الا خود مری کمک می‌کند.
۲. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.



ممنونم و سپاسگزار از عزیزانی که پاسخ دادند و در بحث ما شرکت کردند. تقریباً همه پاسخ‌هایی که دادید درست است اما اگر بخواهیم به مهم‌ترین آن‌ها اشاره کنیم به ۳ مورد اشاره خواهیم کرد.

۱. غیرت؛

میوندار روی هیئت و جلسه خود غیرت دارد. حتی برخی روی ارباب و امام خود نیز غیرت جداگانه دارند. نمی‌دانم تا به الان با چه هیئتی‌هایی بودید که اینگونه هستند یا نه؛ اما بیشتر کسانی که در یک هیئت هستند، به صاحب آن هیئت ارادت و ویژه‌ای دارند؛ مثلاً اگر نام هیئت، قمر بنی‌هاشم باشد، ارادت بچه هیئتی‌ها به حضرت ابوالفضل‌العباس علیه السلام بیشتر از سایر شهدای کربلاست. اگر هیئت، برای علی‌اکبری‌ها باشد، ارادت آن‌ها به حضرت علی‌اکبر علیه السلام بیشتر از سایر شهدای کربلا خواهد بود. علی‌اصغری‌ها و رقیه‌ای‌ها و سایرین نیز به همین شکل.

پس میوندار روی ارباب و هیئت و جلسه خود نه تنها غیرت دارد بلکه گاهی حاضر است، جان خود را برای آن نیز فدا کند.

میونداران جامعه نیز باید اهل غیرت باشند. میونداران جامعه باید غیرتی باشند نسبت به هر آنچه که به آن‌ها منسوب است.

شما بفرمایید که آیا غیرت انواع مختلفی دارد؟ یا فقط یک نوع غیرت داریم؟ غیرت، انواع مختلفی دارد که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف. غیرت دینی؛

اولین و شاید مهم‌ترین نوع از انواع غیرت، غیرت دینی است که پایه و اساس دیگر غیرت‌ها نیز می‌باشد چراکه غیرت دینی است که توجه شما را به خانواده جلب می‌کند. ما باید نسبت به دین و آیین خود غیرت داشته باشیم. متأسفانه امروزه دشمن در فضای مجازی به دنبال زدن اسلام است. شاید باورتان نشود اما بسیاری از تحریم‌ها و مشکلات

۱. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شود.



و دشمنی‌هایی که با ایران عزیز ما دارند، به خاطر همین مسلمان بودن ماست. دشمن با دین ما مخالف است که به ایران حمله می‌کند. دشمن با آیین ما مخالف است که به سوریه و عراق حمله می‌کند. دشمن با اعتقادات ما مخالف است که مسلمانان جهان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«کشور شما کشور بزرگی، با اهمّیت و با عظمتی است؛ ملت شما ملت هوشمند و شجاع و مقتدری است. این کشور به خاطر استقلال، ایمان، اعتقاد به اسلام، اعتقاد به حاکمیت دین خدا در زمین و در جامعه و ارزش‌های والایی که در نظر دارد، یک جبهه بزرگی هم از دشمنان دارد که این‌ها دائم مشغولند.»^۱

یا در جایی دیگر، حضرت آقا می‌فرمایند: «دشمنی دشمنان با ملت ایران به خاطر طرفداری از اسلام و ایستادگی در پای نظام اسلامی و دفاع جانانه از آن است.»^۲

غیرت دینی، اولین نوع از انواع غیرت است که ما باید تا پای جان، پای آرمان‌ها و اعتقاداتمان بایستیم.

آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی، یک فقیه زبده و شاگرد برجسته بزرگانی مانند آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی بود. آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی، دینداری را اشتغال به عبادات فردی و محدودکردن فعالیت‌های اجتماعی به تربیت شاگرد و پاسخگویی به سؤالات دینی نمی‌دانست. مرحوم بافقی، مرد عمل بود، مرد صحنه‌های سخت و روزهای دشوار؛ در راه دفاع از دین و ارزش‌های آن از شماتت و تهدید نمی‌ترسید؛

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۰۷/۰۷/۱۳۹۵ دسترسی در: <https://khl.link/f/34489>.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم قم، ۱۰/۱۳۸۱/۱۹ دسترسی در: <https://khl.link/f/3160>.



از مرگ نمی‌هراسید و زندگی را زمانی ارزشمند می‌دانست که بتوان با آن از خیر و خوبی حمایت کرد و در برابر پلیدی و زشتی ایستاد. با وجود اشتغال آیت‌الله بافقی به امور حوزه، او هیچ‌گاه حاضر به ترک مسئولیت‌های اجتماعی خود نشد. با روی کار آمدن رضاخان و آغاز امواج به اصطلاح تجدد آمرانه‌ی وی که در واقع دستورالعملی برای دین‌زدایی از جامعه مسلمان ایران بود، شیخ بار دیگر در معرکه مبارزه حضور یافت و از همان روز نخست با ارسال نامه‌های تند و بدون تعارف به رضاخان، وی را از انجام اموری که اسلام و مسلمانی را به مخاطره بیندازد، بر حذر داشت. آیت‌الله بافقی که رویکرد غرب‌گرایانه عناصر وابسته به رژیم را می‌دید، مانند دوران طلبگی خود، بر استفاده از اجناس ایرانی پافشاری می‌کرد و آن را موجب ترقی و تداوم فعالیت اقتصادی مسلمین می‌دانست؛ او هرگز برای لباسش از پارچه خارجی استفاده نکرد، جز چای ایرانی ننوشید، قند نخورد و برای خوردن غذا و نوشیدن چای و آب، فقط از ظروف ایرانی استفاده می‌کرد. هنگامی که فهمید رژیم قصد دارد در قم، بساط می‌خوارگی به پا کند، مردانه در برابر این اقدام ایستاد و زمانی که دریافت رضاخان به تشویق بی‌حجابی پرداخته است، با نوشتن نامه‌های تند به وی، اعتراض خود را اعلام کرد!

این یعنی همان غیرت دینی که از آن حرف زدیم.

شادی روح همه علمای اسلام مخصوصاً علمای ایران عزیزمان بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

ب. غیرت ناموسی؛

غیرت ناموسی، همان غیرتی است که همه با آن آشنا هستیم و نیازی به توضیحات خاصی ندارد. کدام یک از دوستان می‌تواند نام چند نفر از



میونداران این عرصه که در این راه به شهادت هم رسیده‌اند را نام ببرد؟
 سپس فراوان از مشارکت همه دوستان. افراد زیادی بودند که برای دفاع از ناموس ایرانی، پا به عرصه میدان گذاشته و با جان و مال و آبروی خود از ناموس ایرانی دفاع کرده‌اند؛ اما بودند کسانی که در این راه به شهادت هم رسیده‌اند. اگر بخواهیم معروف‌ترین شهدای دفاع از ناموس یا همان غیورمردان ایران زمین را نام ببریم، می‌توانیم از شهید علی خلیلی یاد کنیم. تازه‌ترین شهید دفاع از ناموس هم که لقب #شهید_غیرت را به خود اختصاص داد، شهید الداغی بود.^۲

شادی روح همه شهدای اسلام مخصوصاً شهدای دفاع از ناموس بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

ج. غیرت ملی؛

نوع دیگر غیرت، مربوط می‌شود به غیرت ملی. غیورمردان ایران زمین، همان میوندارانی هستند که غیرت ملی‌شان به آن‌ها اجازه نداد که ایران اسلامی، به دست نامردمردمان روزگار به نیستی و فنا بیفتد. چه کسی می‌تواند چند نفر از این غیورمردان ایران زمین را نام ببرد؟^۳

سپاسگزارم از شما عزیزان؛ اما برخی از مشهورترین غیورمردان ایران زمین عبارت‌اند: میرزا کوچک خان جنگلی، رئیس علی دلواری^۴ و به روزترین آن‌ها

۱. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

۲. چه زیباتر که مریدان عزیز، عکس این شهدای گرامی را با خود همراه داشته باشند و هنگام نام بردن از این شهدا، عکس زیبای آنان را به نمایش بگذارند.

۳. جهت مشارکت و همراهی متریدان، ضروری است که پاسخ کامل متریدان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.

۴. ما یاد رئیس علی دلواری را از این جهت گرامی می‌داریم که این مرد شجاع، در راه اعتقاد دینی خود، تنها و در غربت با دشمنان جنگید؛ این برای ما چیز بسیار باارزشی است... در آن روزگاری که ملت ایران همه در خواب بودند جز عده بسیار کمی در گوشه و کنارهای کشور و بیگانگان از این غفلت مردم سوءاستفاده می‌کردند و دشمن بر مناطق مختلفی از کشور عزیز ما تسلط پیدا کرده بود؛ در تهران، نمایندگان دولت‌های انگلیس و روس، آزادانه حکمرانی می‌کردند و از پادشاهان آن زمان هم حساب نمی‌بردند؛ در



حاج قاسم سلیمانی عزیز!

تنوع

قبل از اینکه دومین ویژگی مرد میدان را ذکر کنیم، بیایید شادی روح همه بزرگان و شهدای اسلام، همه با هم این صلوات همیشگی و مخصوص را به اهل بیت علیهم‌السلام عصمت و طهارت هدیه بدهیم.

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَى النَّبِيِّ
صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ النَّبِيِّ
شادی روح همه بزرگان و شهدا بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

ادامه محتوا

پس اولین ویژگی مرد میدان، غیرت اوست اما برویم سراغ دومین ویژگی مرد میدان.

۲. خلاقیت؛

میوندار باید خلاق باشد و بتواند به شکل‌های مختلف همه را هدایت،

منطقه فارس هم همین طور؛ در بسیاری از مناطق دیگر کشور، نمایندگان بیگانه مال مردم را می‌خوردند و بر آن‌ها حکمرانی می‌کردند و با ملت ایران با تحقیر برخورد می‌کردند؛ در یک چنین شرایطی، در هر گوشه‌ای از این کشور، مردان شجاعی پیدا شدند که به حکم دین، جهاد را بر خودشان واجب دانستند و فکر نکردند که با غربت و دست‌خالی نمی‌شود کاری را انجام داد؛ مردان خدا این‌گونه‌اند. یکی از این افراد، همین رئیس علی شماس است؛ که رئیس علی ملت ایران است؛ اگر چه متعلق به دلوار است. یک مرد جوان، در همین سنین جوانی شما جوانان، در مقابل انگلیسی‌ها ایستادگی کرد. البته امروز با آن روز خیلی فرق کرده است؛ امروز همه‌ی ملت ایران در مقابل قدرت‌های متجاوز ایستاده‌اند؛ امروز ملت ایران در مقابل امریکا ایستاده است و از دشمنان چه امریکا و چه قدرت‌های دیگر و همه‌ای در دل ندارد. امروز، روز آقایی ملت ایران است. من به شما عرض کنم، اگر رئیس علی‌ها در غربت به شهادت نمی‌رسیدند، امروز ملت ایران به این عظمت نمی‌رسید؛ همچنان که اگر شما جوانان در دوران جنگ تحمیلی به جنگ نمی‌رفتید و به جبهه خدمت نمی‌کردید و شهادت را به خود نمی‌پذیرفتید، امروز ایران و اسلام به این عظمت نمی‌بود. «بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم بخش دلوار بوشهر، ۱۳/۱۰/۱۳۷۰ دسترسی در: <https://khl.ink/f/2548>.)

۱. مربیان گرامی جهت مطالعه بیشتر می‌توانند به کتاب «سلام فرمانده» نوشته علی‌آب انباری و محمد مولوی مراجعه نمایند.



رهبری و راهبری کند. گاهی با صدا و صحبت کردن، گاهی با حرکات خاص، گاهی با دست زدن، گاهی با نگاه کردن و گاهی با جابجایی برخی افراد.

انتخاب اذکار، یک وظیفه مهم میوندار به شمار می‌رود. میوندار چه ذکری بگوید؟ کی بگوید؟ با چه تُن صدایی بگوید؟ همه این‌ها بسیار مهم است تا اثرگذار باشد؛ تا عزاداران و سینه‌زن‌ها و دل‌سوختگان را با مداح هماهنگ کند. در جامعه هم همین‌طور است وقتی رهبر و امام حرفی را زدند، جوان میوندار کی؟ کجا؟ و چگونه؟ و با چه کیفیتی حرف امام را به امت برساند؟ کدام حرف امام را بگوید یا چه حرفی بگوید تا در راستای مطالبه امام باشد؟ همه این موارد باید همراه با خلاقیت انجام گیرد.

۳. اقدام به‌هنگام؛

اما سومین ویژگی مرد میدان، اقدام به‌هنگام اوست. زیبایی کار به این است که میوندار به‌موقع عمل کند. اگر میوندار، حرکتی را در جای مناسب خود نزند و دیر شود، گاهی نه‌تنها اثرگذار و جذاب نخواهد بود که هیچ، بلکه ممکن است گاهی مضر نیز باشد. میونداران جامعه نیز باید اهل اقدام به‌هنگام باشند.

میونداران باید حواسشان باشد که اقدامشان، نوش دارو پس از مرگ سهراب نشود! «طرمّاح» کسی بود که به قصد همراهی امام وارد کربلا شد ولی اقدام نابه‌هنگام او مایه ننگی شد برای او تا قیام قیامت. طرمّاح کنار امام حسین علیه السلام بود اما برای رساندن آذوقه به سمت خانواده خود، کربلا را ترک کرد و از امام حسین علیه السلام خداحافظی کرد. عجیب اینجاست که طرمّاح به حضرت قول داد که به زودی برخواهد گشت و به یاری ایشان خواهد شتافت! اما متأسفانه زمانی به کربلا رسید که خبر شهادت امام، گوش عالم را کر کرده بود.^۱ اقدام نابه‌هنگام طرمّاح، افسوسی بود الی‌الابد برای او. داستان آمدن طرمّاح به کربلا، همان داستان نوش داروی پس از مرگ سهراب بود.

۱. برگرفته از: محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری)، ج ۵، ص ۴۰۷.



سلیمان بن‌صرد خزاعی دیگر شخصیت تاریخ حسینی است که به خاطر عدم اقدام به‌هنگام، حسرت و پشیمانی را برای خود خرید. سلیمان، رهبر قیام توابعین، پس از کربلا بود اما چه فایده؟! این عمل نابه‌هنگام سلیمان، جز حسرت و پشیمانی چیزی برای او به همراه نداشت.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفرمائید کسانی در کوفه دل‌هاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل بیت علیهم‌السلام محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه‌شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آن‌ها کردند؛ لحظه را شناختند؛ عاشورا را شناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که توابعین در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام می‌دادند، اوضاع عوض می‌شد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسائی لحظه‌ها و انجام کار در لحظه نیاز، خیلی چیز مهمی است.»^۲

حضرت آقا در رابطه با همین اقدام به‌هنگام در دوران انقلاب اسلامی نیز می‌فرمایند:

«در عصر روز هجدهم بهمن ماه سال ۵۷، در تهران حکومت نظامی اعلام شد. امام به مردم فرمود: 'به خیابان‌ها بریزید.' اگر امام در آن لحظه چنین تصمیمی نمی‌گرفت، امروز محمدرضا در این مملکت بر سر کار بود؛ یعنی اگر با حکومت نظامی ظاهر می‌شدند و مردم در خانه‌هایشان می‌ماندند، اوّل امام و ساکنان مدرسه رفاه و بعد اهالی بقیه مناطق را قتل عام و نابود می‌کردند. پانصد هزار نفر را در تهران می‌کشتند و قضیه تمام می‌شد؛ اما

۱. مریبان عزیز توجه داشته باشند که در صورت داشتن زمان، می‌توانند کمی درباره سلیمان بن‌صرد توضیحاتی را ارائه دهند.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹

دسترسی در:

<https://khl.ink/f/8629>.



امام در لحظه لازم تصمیم لازم را گرفت.»^۱

دوستان امام حسینی من، حتماً حواستان باشد که در عرصه میدان، باید اقدام به هنگام داشته باشید. وقتی در فضای مجازی با شبهات و سؤالات مختلفی از سوی دشمن قرار می‌گیرید، باید سریعاً وارد عرصه شوید و با اقدام به هنگام خود، میونداری میدان را به عهده بگیرید. در یک جمله اگر بخواهم بگویم اینگونه می‌توان گفت که: میوندار باید در برابر اتفاقات فضای مجازی، روایت اول باشد.

جمع‌بندی

گفتیم که یکی از ویژگی‌های اصلی میوندار، مرد میدان بودن است و میوندار باید مرد میدان باشد. ما نیز برای اینکه مرد میدان باشیم باید ابتدا با ویژگی‌های مرد میدان آشنا شده باشیم. در ادامه به ۳ ویژگی مرد میدان اشاره کردیم و گفتیم که مرد میدان، حداقل دارای ۳ ویژگی اصلی است:

۱. غیرت؛

۲. خلاقیت؛

۳. اقدام به هنگام؛

البته ناگفته نماند که به انواع غیرت نیز اشاره کردیم و گفتیم که غیرت، گاهی دینی است، گاهی ناموسی است و گاهی ملی.

تکلیف

از آنجاکه از غیور مردان ایران زمین گفت و گو کردیم لذا بهترین راه آشنا شدن با آن‌ها این است که زندگی نامه این عزیزان را مطالعه کنیم. دو کتاب را به شما معرفی می‌کنم و هر کدام را دوست داشتید مطالعه کنید.

کتاب «زخمی لبخند» نوشته زهرا یوسفیان؛ که روایت‌هایی از زندگی مربی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ، ۲۰/۰۳/۱۳۷۵.



شهید علی خلیلی است.

کتاب «سلام فرمانده» نوشته علی آب انباری و محمد مولوی؛ که زندگی نامه برخی از غیورمردان را به قلم آورده است.^۱

دعای پایانی

در انتهای کلاس نیز بیاید با همدیگر دعا کنیم.^۲

خدایا! ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را برسان.

خدایا! ما را از میونداران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار بده.

خدایا! لذت مرد میدان بودن را به ما بچشان.

پروردگارا توفیق اقدام به هنگام را به ما ارزانی بدار.

خدایا! نام ما را در لیست غیورمردان ایران زمین ثبت کن.

خدایا! چنان کن سرانجام کار

تو خوشنود باشی و ما رستگار.

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۱. مریبان گرامی توجه داشته باشند که فایل مجازی این کتاب، در سامانه شمع به صورت رایگان قرار دارد و مریبان می توانند آن را دانلود کرده و در اختیار مریبان قرار دهند.

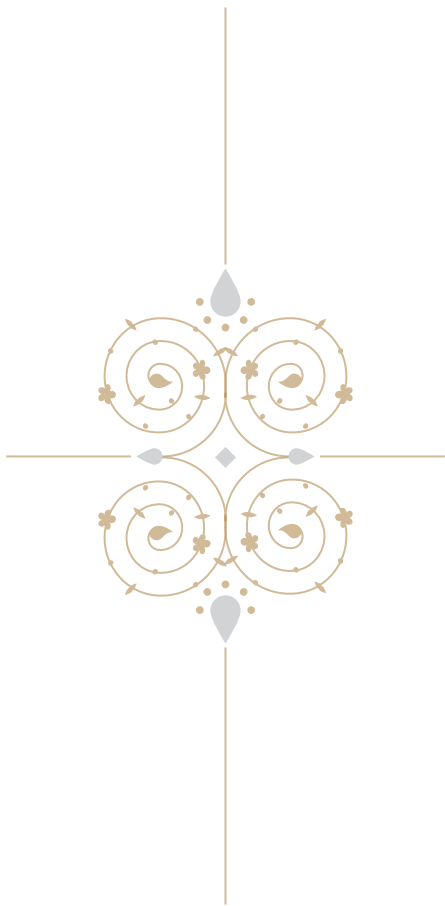
۲. مریبان عزیز می توانند در صورت کم بودن تعداد مریبان، از هر نفر بخواهند که یک دعا کنند.



جلسه نهم

یک دست صداندارد!

(ضرورت همدلی در سختی‌های اجتماعی)



ارتباط اولیه

به نام خدای اباالفضل
به نام خدای علمدار
به اذن دو دست بریده
به نام شهید سپهدار
به نام خدای علمدار حسین علیه السلام

سلامی امام حسینی به میونداران قیام حسینی.

امیدوارم که حال دلتان همیشه خوب باشد و امام حسینی.

بر اساس عهده‌ی که از ابتدا با هم بستیم، آغاز تمامی جلساتمان را با سلام بر وجود نازنین ابا عبدالله و یاران باوفایش علیهم السلام شروع می‌کنیم تا هم جلساتمان پربرکت شود، هم به واسطه یاد امام حسین علیه السلام ثوابی به ما برسد و هم امید داشته باشیم که امام حسین علیه السلام به کلاس و برنامه ما نظری کنند و ان شاء الله گوشه‌چشمی به ما نمایند.^۱

علاوه بر اینکه قرار شد این سلام روزانه را به یک یا چند نفر از اصحاب امام هدیه بدهیم و یادی ویژه از آنان داشته باشیم.

۱. این متن را در هر جلسه از باب مهارت تعبّدبخشی تکرار می‌کنیم.

از آنجاکه امروز روز نهم محرم و روز تاسوعاست بیاید سلام امروز را هدیه بدهیم به قمر منیر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و همچنین مادر گرامی شان حضرت ام البنین علیها السلام.

همچون همیشه، به رسم ادب، دست ادب بر سینه می گذاریم و با عشق، سلام می دهیم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِئَاتِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللهُ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَاجَعَلَهُ اللهُ
اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَمُ
السَّلَامُ عَلَی الْحُسَيْنِ وَ عَلَی عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ
عَلَى اصْحَابِ الْحُسَيْنِ»

هر چقدر امام حسین علیه السلام را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

الهی که امام حسین علیه السلام همیشه محافظ و نگهدار شما میونداران امام حسینی باشد. الهی آمین.

شروع

وقتی شب عاشورا، وجود نازنین قمر منیر بنی هاشم، ماه زیبای ام البنین، اسطوره ادب و وفاداری، ابوالفضل العباس علیه السلام، کنار کشتی نجات عالمیان، سیدالشهدا، اباعبدالله الحسین علیه السلام نشسته بودند، ناگهان صدایی به گوش همه رسید. صدای شمر ملعون بود. برخی نوشته اند: عباس بن علی علیه السلام از خجالت سر به زیر انداخت. برخی هم نوشته اند که عباس می شنود، ولی مثل اینکه ابداً نشنیده است، اعتنا نمی کند و در حضور حسین بن علی علیه السلام مؤدب نشسته است. امام حسین علیه السلام به حضرت ابوالفضل علیه السلام فرمودند: «جوابش را بده، گرچه فاسق است.»



صدایی که دل اهل خیمه‌ها را لرزاند و دلیل خجالت عباس بن علی علیه السلام شد، صدای شمر ملعون بود که نعره می‌زد: «**أَيْنَ بَنُو أُخْتِنَا؟**» (کجا هستید فرزندان خواهران ما؟) الله اکبر از این همه ادب! عباس علیه السلام کجا و پسر ذی الجوشن کجا؟! میوندار حسین علیه السلام کجا و میوندار یزید کجا! «**فَخَرَجَ إِلَيْهِ الْعَبَّاسُ...**» (عباس علیه السلام و برادرانش از خیمه خارج شدند). فرمودند: «**مَا تُرِيدُ؟**» (چه می‌خواهی؟! شمر که به خیال خام خودش احساس می‌کند می‌تواند خوش خدمتی کند، گفت: «برای شما امان آورده‌ام!» عباس علیه السلام تا این جمله شمر را شنید، بسیار خشمگین شد و فرمود: «**لَعْنِكَ اللَّهُ وَ لَعَنَ أَمَانِكَ!**» (خدا تو و امانت را لعنت کند!) «**أَتُؤْمِنُنَا وَ أَيْنَ رَسُولُ اللَّهِ لَا أَمَانَ لَهُ!**» (ما در امان هستیم، ولی فرزند پیغمبر در امان نیست؟!))

درباره عباس علیه السلام چه فکری کرده‌ای؟ تو خیال کرده‌ای من آدمی هستم که برای حفظ جان خودم، امام و برادرم حسین بن علی علیه السلام را اینجا بگذارم و به دنبال تو بیایم؟

نوشته‌اند: «**فَرَجَعَ الشَّمْرُ إِلَى عَسْكَرِهِ مُغْضَبًا**»^۲ (شمر در حالی که خشمگین و سرافکنده بود، به سوی لشکرش بازگشت.)

حضرت ابوالفضل‌العباس علیه السلام همه‌جوره پای امام زمان خود می‌ایستد و جانش را در این مسیر فدا می‌کند. حضرت عباس علیه السلام میوندار واقعی عرصه دفاع از جبهه حق است. او در تمام سختی‌ها، همدل و همراه امام خویش است.

قالب نمادین - انواعی

میوندار باید در تمام شرایط، مخصوصاً در سختی‌ها، اهل همدلی باشد. میوندار، آبروی مداح و هیئت است اگر با بدرفتاری و زور بخواهد مجلس را منظم کند، سینه‌زن‌ها نسبت به مداح و هیئت بدبین می‌شوند و به

۱. سید علی اصغر علوی، جای خالی؛ مروری بر رفتارهای تشکیلاتی حضرت عباس علیه السلام ص ۴۶-۴۷.

۲. محمد محمدی ری شهری، الصحیح من مقلت سید الشهداء و اصحابه علیهم السلام ج ۱، ص ۷۴۱.



قول حاج منصور ارضی «ناظم بد اخلاق را مردم نمی‌پسندند.»^۱ میوندار باید بداند که یک دست صدا ندارد. میوندار باید حواسش باشد و دنبال جذب حداکثری باشد. از آن طرف میوندار امام در جامعه هم باید مراقب رفتارهای خود باشد تا بتواند بیشترین جذب را برای سربازی امام جامعه داشته باشد نه اینکه خدایی نکرده دفع حداکثری داشته باشد و امت را از امام و انقلاب بیزار کند؛ مگر اینکه طرف مقابل مثل شمر ملعون، به دنبال تضعیف امام باشد که باید پاسخی چون قمر منیر بنی‌هاشم را به او داد.

برخی از کارها هستند که شاید انجام آن‌ها در ظاهر بسیار مفید فایده باشد اما در باطن و واقع، هیچ تأثیری ندارد که هیچ، گاهی نمکی هم بر زخم طرف مقابل گذاشته می‌شود.

شاید حکایت «گریه در کنار گرسنه» را شنیده باشید اما شنیدن مجدد آن خالی از لطف نیست و درس بزرگی را به ما می‌دهد.

روزی فقیری در کوچه‌ای نشسته بود و در حال گریه بود. مردم هم بی‌خیال از کنار او عبور می‌کردند و به او توجهی نمی‌کردند. تا اینکه مردی ثروتمند و پول‌دار که زبانی نرم و زیبا هم داشت، با دو تا نان سنگکِ داغ، از کوچه می‌گذشت. مرد پول‌دار که چشمش به فقیر افتاد و دید دارد گریه میکند، دلش به حال او سوخت و رفت کنار آن فقیر نشست و شروع کرد زارزار با او گریه کردن. کمی که گریه کرد به مرد فقیر گفت: ای مرد چرا گریه میکنی؟ مرد فقیر گفت: فقیرم، گرسنه‌ام، پولی ندارم غذا برای خانواده‌ام تهیه کنم. مرد ثروتمند تا این حرف‌ها را شنید گریه‌اش شدیدتر شد! های‌های گریه می‌کرد و بلند بلند ناله می‌زد! مردمی که در آنجا بودند و این جریان را دیدند به مرد ثروتمند گفتند: ای مرد! دوی درد این فقیر، تکه‌ای از آن نانی است که در دست توست! اگر تکه‌ای از آن نان را به او بدهی، سیر می‌شود و دیگر گریه نمی‌کند. مرد ثروتمند گفت: نه دیگه نشد! اگر تا شب هم بخواهید، کنار او می‌نشینم و به حالش گریه میکنم ولی از نان در دستم چیزی به او نمی‌دهم!

۱. کتابی که حاج منصور به میانداران پیشنهاد داد، دسترسی در:



برخی از کارهای ما هم همین‌طور است! گاهی نسبت به هم‌نوع خود احساس مسئولیت نمی‌کنیم؛ یا حتی گاهی اگر قصد کمک داریم، کاری را انجام می‌دهیم که مطابق میل خودمان است. حاضریم با زبان، دیگران را دلداری بدهیم درحالی‌که این هم‌زبانی ما دردی از آن‌ها را درمان نمی‌کند. هم‌زبانی، به تنهایی، به هیچ دردی نمی‌خورد، بلکه با آن‌ها همدلی و همدردی هم باید داشته باشیم. فقط در کنار او بودن مهم نیست، بلکه کمک کردن به او و رفع مشکلات نیز بخشی از همدلی است؛ یعنی هم هم‌زبان باشیم، هم همدل و هم هم‌درد.

داستان وقایع کربلا را هم شنیده‌اید و هم می‌دانید که بسیاری از افراد بودند که حتی تا کربلا همراه امام آمدند اما به بزن‌گاه عاشورا که رسید، امام را تنها گذاشتند!

احتمالاً داستان عبیدالله بن حر جُعی را شنیده‌اید که وقتی با اباعبدالله الحسین علیه السلام روبرو شد و فرمایش امام در رابطه با یاری حضرت را شنید، به امام گفت: به خدا قسم هر کس تو را یاری کند، به سعادت ابدی می‌رسد اما مرا از این کار معاف کنید! بعد در کمال ناباوری رو به امام می‌کند و می‌گوید: شمشیر و اسب خوبی دارم که به شما تقدیم می‌کنم!

واقعاً جای تعجب دارد که عبیدالله بن حر جعی اهل هم‌زبانی با امام شد و بودن در کنار امام را سعادت ابدی می‌دانست اما ...

گاهی مشکلی برای دوستان پیش می‌آید و ما فقط با زبان او را همراهی می‌کنیم و فقط می‌گوییم ان شاء الله که مشکل حل می‌شود ولی متأسفانه حاضر نیستیم هیچ قدمی را برای او برداریم.

باور کنید گاهی با یک قدم یا یک تماس ممکن است مشکل او حل شود؛ اما ...

ما باید به این باور برسیم که علاوه بر همراهی با کلام، همدلی هم ضروری است.



شما بفرمایید که همدلی چیست؟ واقعاً به چه چیزی یا چیزهایی همدلی می‌گویند؟

منونم از همراهی همه دوستان! اما دوستان و رفقای همدل من، کلمه «همدلی» دنیایی حرف برای ما دارد! هر حرف آن شامل موارد بسیار دقیق و مهمی است که ساعت‌ها باید درباره آن گفت‌وگو کرد؛ اما با توجه به زمان کوتاهی که در اختیار داریم، به اجمال به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

ه = همراهی؛



«ه» همدلی یعنی همراهی؛ یعنی اگر هم‌نوعان ما دچار مشکل و گرفتاری شدند باید آن‌ها را همراهی کنیم و کنارشان باشیم. وقتی به عنوان میوندار کنارشان هستیم، آن‌ها دیگر احساس تنهایی نمی‌کنند. وقتی ما همراهی‌شان می‌کنیم، هیچ‌وقت افسردگی به آن‌ها دست نمی‌دهد. حتماً کار قشنگ آن معلم را از تلویزیون مشاهده کردید که وقتی متوجه شد دانش‌آموزش سرطان دارد و مجبور شده، موهایش را از ته بتراشد، این معلم مهربان و همدل و همراه، موهایش را از ته تراشید تا کودک سرطانی، احساس بدی نداشته باشد.^۲

در روایتی بسیار زیبا نقل شده است که وجود نازنین امام حسن مجتبی علیه السلام برای کمک به شخص نیازمندی، در حالی که در مسجد مشغول اعتکاف بودند، به بیرون رفتند. یکی از اصحاب سؤال کرد که: یا ابن رسول الله مگر فراموش کرده اید، اعتکاف هستید؟ حضرت فرمودند: فراموش نکرده‌ام اما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که در برآوردن حاجت برادر مسلمان

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۲. به علت محدودیت‌های موجود، به بخشی از محتواها و توضیحات اشاره شده است و جا دارد که مریبان عزیز به پرورش و تکمیل آن‌ها بپردازند.



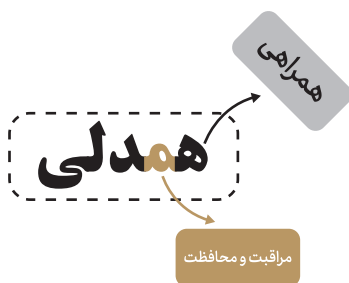
خود بکوشد، مانند شخصی است که نه هزار سال، روز را به روزه و شب را به عبادت مشغول بوده است.»^۱

در پیاده روی اربعین هم همین طور است؛ کسانی که پیاده روی اربعین را شرکت کرده‌اند حتماً مشاهده کرده‌اند که وقتی مشکلی برای یک نفر به وجود می‌آید، او هرگز احساس تنهایی نمی‌کند چراکه همه سریعاً به کمک او می‌آیند و او را همراهی می‌کنند. همه کسانی که در مسیر اربعین قدم برمی‌دارند، به نوعی خود را میوندار این مسیر می‌دانند.

هر کسی دلش برای پیاده روی اربعین و البته برای ضریح زیبای اهل بیت علیهم السلام عصمت و طهارت تنگ شده بلند صلوات بفرستد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

م = مراقبت، محافظت و مداومت؛



اگر مشکلی برای مردم جامعه ما پیش آمد، به عنوان میوندار باید از آن‌ها مراقبت و محافظت کنیم و البته در این کار، مداومت هم باید داشته باشیم؛ یعنی چی؟ یعنی تازمانی که به پیروزی و موفقیت نرسیده‌ایم و مشکل حل نشده است، باید به حمایت خود ادامه دهیم. نه اینکه بگوئیم: من که یک بار کمک کردم، دیگر بس است! و کار را نیمه‌تمام بگذاریم! نه! به قول قدیمی‌ها: «کار را که کرد؛ آنکه تمام کرد!» علاوه بر اینکه قبلاً هم عرض کردیم میوندار حق عقب‌نشینی و کناره‌گیری را به هیچ‌عنوان ندارد.

۱. علی اکبر صداقت، یکصد موضوع، ۵۰۰ داستان، ص ۴۵۰.



دارو خوردن برخی از بیماران دقیقاً شبیه به موضوعی است که عرض کردم. برخی از افراد هستند که به محض اینکه احساس بیماری و مریضی به آن‌ها دست می‌دهد شروع می‌کنند به خوردن دارو و مداوا کردن خود؛ اما همین که کمی حالشان بهتر می‌شود دیگر دارو خوردن را رها کرده و ادامه نمی‌دهند. البته دوباره بعد از یک هفته بیماری‌شان برمی‌گردد و آن‌ها نیز مجدداً سراغ دارو و درمان می‌روند و دوباره روز از نو و بیماری از نو! این درحالی است که اگر فقط دو روز دیگر داروهای‌شان را می‌خوردند و مداوای‌شان را ادامه می‌دادند، مشکلشان به طور کامل حل می‌شد. همین اتفاق ممکن است برای ما نیز بیفتد! گاهی دست دوست و رفیقمان را می‌گیریم و حمایتش می‌کنیم اما همین که حس کردیم کمی مشکلش حل شده، او را رها می‌کنیم؛ درحالی که حواسمان نیست که اگر کمی به حمایتمان ادامه می‌دادیم، ممکن بود برای همیشه مشکل او حل شود.

تنوع

صحبت از بیمار و بیماری شد، بیا بید سلامتی و شفای همه بیماران آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ»^۱ را ۵ مرتبه با هم بخوانیم و از قمر منیر بنی‌هاشم بخواهیم که واسطه شفای همه آن‌ها باشد. همه دستان خود را بلند می‌کنیم و با اخلاص می‌خوانیم.

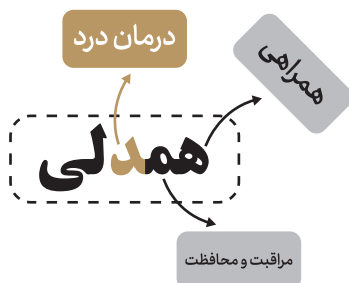
«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَا؛ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ»

سلامتی همه بیماران مخصوصاً بیماران منتسب به این جمع، بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



د = درمان درد و مشکل؛



دالِ همدلی به معنای درمان درد بودن است؛ یعنی اگر می‌توانیم مشکلی که برای دیگران پیش آمده را واقعاً حل کنیم فقط برای‌شان گریه نکنیم، بلکه اگر گرسنه‌اند، سیرشان کنیم. اگر دوست ما در درس خواندن ضعیف است، به او کمک کنیم تا قوی شود. اگر بیمار است و دارو نیاز دارد، برایش تهیه کنیم. اگر می‌توانیم بیماری او را درمان کنیم، انجام دهیم. اگر با یک تماس یا وساطت کردن ما مشکل دیگران حل می‌شود، حتماً انجامش دهیم. حتی می‌توانیم گاهی با یک مشاوره دادن ساده، مشکل دیگران را حل کنیم. **خب بسم الله.**

خلاصه: «ای که دستت می‌رسد، کاری بکن»

بیاید دوباره چشم سرمان را ببندیم و با چشم دل وارد پیاده روی اربعین شویم. در مسیر پیاده‌روی، وقتی مشکلی برای یک زائر پیش می‌آید، موبک‌دارانی که در آنجا هستند تمام تلاششان را جهت حل آن مشکل انجام می‌دهند. اگر مریض باشی، دست شما را می‌گیرند و مطب می‌برند. اگر لباسی نداشته باشی برای تان لباس تهیه می‌کنند. اگر کفش شما خراب یا پاره شود، برای تان کفش تهیه می‌کنند. اگر پتو یا هر وسیله‌ای نیاز داشته باشی، تمام تلاششان را می‌کنند تا برای تان آن وسیله را فراهم کنند. اصلاً می‌ونداری واقعی را اگر می‌خواهی ببینی باید در مسیر پیاده روی حسین علیه السلام قرار بگیری.

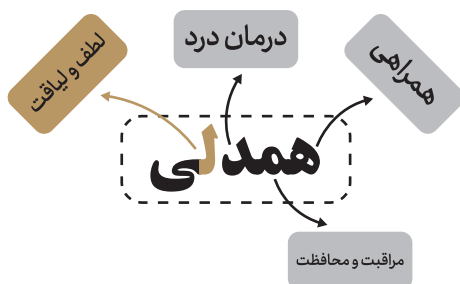


یک کلام و جمله تمام: همه حرف ما در یک بیت خلاصه می‌شود:

تاتوانی به جهان، خدمت محتاجان کن

به دَمی، یادِ رمی، یا قلمی، یا قدمی

ل = لطف و لیاقت؛



لامِ همدلی به معنای لطف و لیاقت است. شما بفرمایید که لطف و لیاقت چه ارتباطی با بحث همدلی ما دارد؟^۱

نکته بسیار مهم و دقیقی که باید حواسمان به آن باشد این است که کمک و همدلی را ما باید یک نوع لطف و لیاقت نسبت به خودمان بدانیم چرا که خداوند به ما لطف کرده و این لیاقت را به ما ارزانی داشته که به دیگران کمک کنیم. پس نباید با کمکمان به آن‌ها منت بگذاریم.

خداوند در قرآن در سوره بقره، آیه ۲۶۴ فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» (ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقات خود را با منت گذاشتن و آزار، باطل نکنید.)

تازه باید از خدا هم تشکر کنیم و ممنون خداوند هم باشیم که به ما اجازه می‌دهد بتوانیم به دیگران کمک کنیم.

امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ خَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعْمَ»^۲؛ (نیاز مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شماست، از

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۰۵.

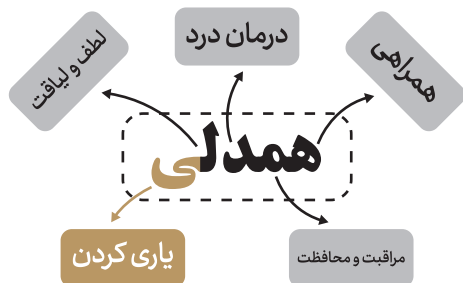


این نعمت افسرده و بیزار نباشید.)

واقعاً بسیار زیباست این روایت. حوائج و نیازهای مردمی که در سر راه میونداری ما قرار می‌گیرند، همگی از نعمت‌های خدای متعال برای ما هستند. لذا واقعا میونداری ما، جای بسی تشکر از خداوند را دارد؛ بنابراین، همین الان همه با هم دست‌هایمان را به سوی بارگاه ملکوتی‌اش بلند می‌کنیم و از خدا تشکر می‌کنیم.

همه با هم ۳ مرتبه می‌گوییم: «الحمد لله رب العالمین؛ الحمد لله رب العالمین؛ الحمد لله رب العالمین».

ی = یاری کردن؛



یاءِ همدلی یعنی یاری رساندن به همه کسانی که مشکل دارند. دوستان توجه داشته باشند که گفتیم، یاری رساندن به همه کسانی که مشکل دارند، نه صرفاً مردم محله یا شهر خودمان. در هیئت، میوندار نمی‌تواند بگوید من فقط با اطرافیان و نزدیکان خودم کار دارم و مابقی سینه‌زنان به من مربوط نیستند! خیر. میوندار باید حواسش به همه باشد و مشکل همه، مشکل اوست. در جامعه نیز این چنین است. میونداران جامعه باید حواسشان به همه مردم باشد و کل کشور را مردم خود بدانند.

برای مثال اگر مردم خوزستان و سیستان آب ندارند، همدلی این است که به یاری آن‌ها برویم و برای‌شان آب بفرستیم. اگر در پل دختر سیل می‌آید، به کمک‌شان برویم. اگر در کرمانشاه زلزله می‌آید، به یاری‌شان برویم.



موکب داران عراقی به معنای واقعی کلمه، یاری رساندن به دیگران را انجام می‌دهند و با نژاد و ملیت و رنگ و ... کاری ندارند و تمام هم‌وغم آن‌ها یاری رساندن و رفع مشکلات آن‌هاست.

این هم آخرین حرف از کلمه «همدلی».

حالا که معنای تک‌تک حروف همدلی را فهمیدیم، می‌خواهم انواع همدلی را هم سریع بگویم. همدلی انواع مختلفی دارد.

انواع همدلی:

۱. همدلی زبانی:

همدلی زبانی این است که اگر مشکلی برای دوستان و هم‌نوعان ما ایجاد شد، ما فقط داد بزنیم و بگوئیم: ای‌وای! این مشکل پیش آمده! به دادشان برسید! کمکشان کنید! ولی خودمان هیچ کاری نکنیم! مثل الان که تا یک مشکلی در کشور به وجود می‌آید، برخی از افراد مخصوصاً بعضی از سلبریتی‌ها، فقط داد می‌زنند که وای مردم کشورم! وای اهالی فلان استان! آهای ملت! چرا کمک نمی‌کنید! بعد خودشان با میلیاردها پول، حاضر نیستند کوچک‌ترین کمکی بکنند. (مثل آن مرد خسیس که فقط نشست و گریه کرد)

۲. همدلی قلبی:

همدلی قلبی این است که شخص، از مشکلی که برای دیگران پیش آمده، واقعاً ناراحت است ولی یا کاری از دستش بر نمی‌آید که انجام بدهد یا توان انجام کمک را ندارد؛ ولی حداقل از ته دل، ناراحت است و برای حل مشکلات دیگران، دعا می‌کند.

۳. همدلی عملی:

همدلی عملی این است که وقتی مشکلی پیش می‌آید، شخص بدون اینکه در بوق و کرنا کند، سریع کمک می‌کند و بیخودی نه حرفی می‌زند و نه گریه الکی می‌کند. کمک خودش را بدون هیچ سروصدایی انجام می‌دهد



و کاری به دیگران هم ندارد که کسی انجام می‌دهد یا نمی‌دهد! این نوع همدلی، نسبت به قبلی‌ها بهتر است ولی باز هم کافی نیست.

۴. همدلی زبانی و قلبی و عملی:

یک همدلی دیگری هم هست که بسیار عالی است. طرف، وقتی مشکلی برای دیگران پیش می‌آید، قلبش درد می‌گیرد و ناراحت می‌شود و اولین کاری که می‌کند این است که با قلب شکسته از خدا برای او کمک می‌خواهد. بعد از دعا کردن، با زبان و کلامش دیگران را نیز تشویق به کمک می‌کند. در آخر هم خودش وارد میدان عمل می‌شود و شروع به کمک کردن می‌کند و تا مشکل را حل نکند از پا نمی‌نشیند.

نمی‌دانم تا الان کتاب «خون دلی که لعل شد» را خوانده اید یا خیر. این کتاب، خاطرات مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای عنه از شش سال زندان و تبعید دوران مبارزات انقلاب اسلامی است. حضرت آقا خاطره‌ای را در این کتاب نقل می‌کنند که الحق و الانصاف، همدلی زبانی، قلبی و عملی را یک جا به ما نشان می‌دهد. حضرت آقامی فرمایند:

پس از نماز مغرب دیدم سیل شهر را فراگرفته و آب بالا آمده تا جایی که به ایوان مسجد هم رسیده جریان سیل دو سه ساعت ادامه داشت در این مدت صدای آوار خانه‌ها را یکی پس از دیگری می‌شنیدیم همه چیز وحشتناک بود، تاریکی ناشی از قطع برق، سیل خروشان و بی‌امان، خراب شدن خانه‌ها و فریاد کمک‌خواهی مردم... دنبال هر وسیله‌ای برای مقابله با وضع موجود می‌گشتم. قبلا این مطلب را شنیده بودم که برای رفع چنین خطر فراگیری میتوان به تربت سیدالشهدا علیه السلام به اذن خدای متعال توسل جست. قطعه‌ای از تربت که خدا به برکت وجود ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله بدان شرافت بخشیده در جیبم داشتم، آن را از جیب بیرون آوردم و به خدا توکل کردم و آن را در میان امواج پرتلاطم سیل پرتاب کردم. لحظاتی نگذشت که به لطف و فضل خدا سیل بند آمد. پس از آن کمیته‌ای برای



کمک به سیل‌زدگان تشکیل دادیم. در شهر پیچید که خانه تبعیدی‌ها را آب نگرفته و این را کرامتی برای ما تلقی کردند! اما من به مردم توضیح دادم و گفتم: اینکه آب وارد خانه ما نشده به دلیل این هست که خانه در جای بلندی واقع شده است؛ بنابراین معجزه و کرامتی در کار نیست.

ناگهان به ذهنم رسید مردم شهر از دیروز تا کنون غذایی نخورده‌اند و گرسنه‌اند، نانواها به علت سیل، نانویی را بسته و آب وارد مغازه‌ها شده بود.

به اداره پست رفتم به آقای کفعمی در زاهدان (عالم بزرگ معروف استان سیستان و بلوچستان) تلفن زدم و از ابعاد فاجعه با او صحبت کردم و گفتم ما نان و خرما و اگر بشود پنیر، هرچه زودتر، به هراندازه که بتوانید نیاز داریم، از او خواستم با آقای صدوقی در یزد و با مشهد و تهران نیز تماس بگیرد. وقتی گوشی تلفن را گذاشتم دیدم مردم پشت سر من با شگفتی به التماس و اهتمام شدید من گوش می‌دادند و با حالت ستایش و تعجب به یکدیگر نگاه می‌کردند.

در هر حال کار ما در ایرانشهر ۵ روز ادامه داشت. به دیدار مردم در خانه‌ها و آلونک‌ها و چادرها می‌رفتیم. تعداد افراد خانواده‌ها را آمار می‌گرفتیم و توزیع را بر اساس آمارهایی که نوشته بودیم قرار دادیم. برگه‌هایی برای کوپن خواربار تهیه کردیم و هر خانواده طبق برگه کوپن سهمیه دریافت می‌کرد. در پایان ۵۰ روز امدادسانی پس از برطرف کردن آثار سیل تا جایی که می‌توانستیم، جشن بزرگی برپا کردیم و من در آن جشن سخنرانی کردم که هنوز تصاویر و صدای ضبط شده آن موجود است...

سلامتی حضرت آقا بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

دراوج کرونا و اتفاقات آن ما دیدیم که مردم عزیز ما همین‌گونه پای کار آمدند



و شروع کردند به کمک کردن به هم نوعان خود. یک عده ماسک دوختند و یک عده از بیماران کرونایی پرستاری کردند. یک عده ضد عفونی کردند و یک عده رفتند، مردگان را کفن و دفن کردند.

و یا در جریان کم آبی خوزستان یک عده رفتند با تانکر، به مردم آب رساندند. یک عده رفتند لوله کشی کردند. یک عده آب معدنی تهیه کردند و هرکسی هرکاری از دستش بر می آمد انجام داد.

یا در اتفاقات ناگواری مثل سیل و زلزله که همه جوره ملت عزیز ما پای کار ماندند و هوای همدیگر را داشتند.

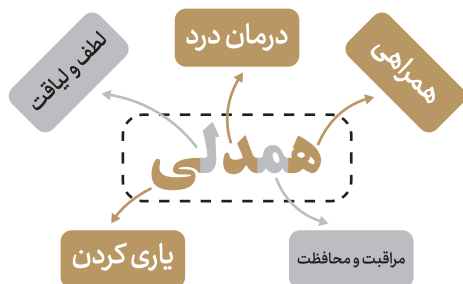
سلامتی تک تک غیور مردان ایران زمین بلند صلوات بفرستید.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

جمع بندی

خب، در این جلسه گفتیم که: ما میونداران جامعه اسلامی باید در سختی ها و مشکلات با هم دیگر همدل باشیم و همدلی فقط با زبان نیست، بلکه همراه با عمل است؛ یعنی همدلی، هم زبانی است، هم قلبی است و هم عملی است. جدای از این عرض کردیم که تک تک حروف همدلی دارای معانی خاص و اختصاصی است.

پس همدلی در یک نگاه یعنی:



تکلیف

از آنجاکه عرض کردیم یکی از راه‌های همدلی، دعاکردن برای دیگران است، بیاپید به هم قول بدهیم که امشب که شب عاشورا می‌باشد را به یاد تمامی مردم ایران عزیزمان باشیم و در این شب عزیز برای همه دعا کنیم و از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بخواهیم که نزد خداوند واسطه شوند و پیروزی و سرافرازی ملت شریف ایران را از خدای متعال درخواست کنند.

دعای پایانی

در انتهای کلاس نیز بیاپید با همدیگر دعا کنیم.^۱

خدایا! ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام رابرسان.

خدایا! ما را از میونداران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام قرار بده.

خدایا! به ما کمک کن همیشه با هم همدل باشیم.

خدایا! به ما کمک کن همه جوره با هم همدل باشیم.

بارها! لیاقت همدلی و خدمت به دیگران را به عنایت بفرما.

خدایا! چنان کن سرانجام کار

تو خوشنود باشی و ما رستگار.

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۱. مریبان عزیز می‌توانند در صورت کم بودن تعداد متریبان، از هر نفر بخواهند که یک دعا کنند.



جلسه دهم

پسندم آنچه را جانان پسندد!

(تنظیم مسیر زندگی با امام)



ارتباط اولیه

عشق سوزان است بسم الله الرحمن الرحيم
هرکه خواهان است بسم الله الرحمن الرحيم
دل اگر تاریک اگر خاموش بسم الله نور
گر چراغان است بسم الله الرحمن الرحيم
نامه‌ای را هُدهد آورده است آغازش تویی
از سلیمان است بسم الله الرحمن الرحيم
میزبان عشق است و وای از عشق! غوغا می‌کند
هرکه مهمان است بسم الله الرحمن الرحيم
به نام خدای عشق، خدای حسین علیه السلام
سلامی امام حسینی به میونداران قیام حسینی.
امیدوارم که حال دلتان همیشه خوب باشد و امام حسینی.

بر اساس عهدی که از ابتدا با هم بستیم، آغاز تمامی جلساتمان را با سلام
بر وجود نازنین اباعبدالله و یاران باوفایش علیهم السلام شروع می‌کنیم تا هم
جلساتمان پربرکت شود، هم به واسطه یاد امام حسین علیه السلام ثوابی به ما

برسد و هم امید داشته باشیم که امام حسین علیه السلام به کلاس و برنامه ما نظری کنند و ان شاء الله گوشه چشمی به ما نمایند!

علاوه بر اینکه قرار شد این سلام روزانه را به یک یا چند نفر از اصحاب امام هدیه بدهیم و یژه از آنان داشته باشیم.

از آنجاکه امروز روز دهم محرم و روز عاشورا است بیاید سلام امروز را هدیه بدهیم به وجود نازنین اباعبدالله الحسین علیه السلام و همچنین مادر گرامی شان، شفیعه محشر، خانم حضرت زهرا علیها السلام.

همچون همیشه، به رسم ادب، دست ادب بر سینه می‌گذاریم و با عشق، سلام می‌دهیم.

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَعَبْدَ اللهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ
عَلَیْكَ مِنِّی سَلَامٌ اللهُ اَبْدًا مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَاجَعَلَهُ اللهُ
اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی لِزِیَارَتِکُمْ

السَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَیْنِ وَ
عَلِیْ اَصْحَابِ الْحُسَیْنِ»

هر چقدر امام حسین علیه السلام را دوست دارید، شادی روح حضرتش بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

الهی که امام حسین علیه السلام همیشه محافظ و نگهدار شما میونداران امام حسینی باشد. الهی آمین.

شروع

به لطف خدای متعال، امروز دهمین سلام را به وجود نازنین اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران باوفایش هدیه دادیم. ده جلسه است که با سلام به حضرت شروع کردیم اما اجازه بدهید در این جلسه، ذهن شما عزیزان را



متمرکز کنم به یک فراز از این سلام. فرازی که مملو از معارف است. فرازی که بسیار عجیب است و پرمغز و پرمعنا. نمی‌دانم تا به الان به این فراز سلام زیارت عاشورا دقت کرده‌اید یا نه؟ اما فوق‌العاده است. در این فراز می‌گوییم: «وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» (و سلام بر جان‌هایی که بر آستان‌ت فرود آمدند).

این سلام دنیایی حرف برای گفتن دارد! سلام بر یارانی که «حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» شدند. همان یارانی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصفشان فرمودند: «لَا يَسْبِقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَلَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ آتَى بَعْدَهُمْ»^۱ (شهادایی که کسی قبل از آنان بر آن‌ها پیشی نگرفته و پس از آنان نیز کسی به پایۀ آن‌ها نخواهد رسید).

وقتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به سوی صفین حرکت می‌کردند، در مسیر به سرزمینی رسیدند و آنجا توقف کردند و فرمودند: «مَنَاخُ رِكَابٍ»^۲ سوارهایی اینجا بر زمین می‌افتند. این سوارها چه اسم و سیمتی دارند؟ چه عنوان و لقبی دارند؟ آقا بهترین سمت و عنوان را درباره‌ی آن‌ها فرمودند: «مَصَارِعُ عُشَّاقٍ»^۳ اینجا را که نشان دادم، آرامگاه عاشقان حضرت است! اینجا قتلگاه دسته‌ای از عشاق است. «مَصَارِعُ عُشَّاقٍ» اینجا مقتل عاشقان است؛ بله مقتل عاشقان. شهادایی در اینجا بر زمین می‌افتند و در اینجا کشته می‌شوند و دفن می‌شوند که نه قبل از آن‌ها کسی مانندشان بوده و نه بعد از آن‌ها کسی به پای‌شان خواهد رسید.^۴

آقا وقتی می‌خواهند از اصحاب‌الحسین یاد کنند، یک ویژگی را مطرح می‌کنند. چرا آقا با الفاظ دیگری از این‌ها یاد نکردند؟ تعابیر امیرالمؤمنین علیه السلام از روی حکمت است. وقتی می‌خواهند یاران حضرت را معرفی کنند، فقط با یک ویژگی آن‌ها را معرفی می‌کنند: «عشاق، عشاق، عشاق!»

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۲۷۰.

۲. محل فرود آمدن و زمین افتادن.

۳. محل کشته شدن و دفن شدن.

۴. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۲۷۰.



مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی اصحاب‌الحسین، عشقشان به سید و سالار شهیدان بود؛ به همین سبب است که امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی می‌خواهند آن‌ها را معرفی کنند، از عاشق بودنشان سخن می‌گویند.

آنان چنان عاشق حضرت شدند که در سلام زیارت عاشورا می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» (حسین جان، سلام بر تو و سلام بر جان‌هایی که محو شمع پرفروغ وجودت شدند.) «حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» شدند.

به نظر شما معنای عبارت «حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» چیست؟^۱

حلول به معنای فرود آمدن است و فنا به معنای گشادگی در اطراف خانه است؛ پس طبق معنای ظاهری عبارت، منظور شهدایی‌اند که در بارگاه حضرت آرمیده‌اند که در اینجا همان قبر و حائر مراد است.

شیخ مفید رحمته الله علیه می‌فرماید: «ما شک نداریم که اصحاب آن حضرت از حائر بیرون نیستند؛ اگرچه خصوصیات قبور آن‌ها را ندانیم و قبر حضرت عباس علیه السلام اگرچه دور است، داخل در فنا و رحل سیدالشهدا علیه السلام است.»^۲

در عبارت «حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» دنیایی از عشق و معرفت نهفته است. عمق این جمله را ببینید: در خانه‌های قدیمی فضایی بود که شترها و بارهای شان آنجا می‌ماندند و به آنجا «فنا» می‌گفتند. «الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» یعنی جان‌هایی که بار زندگی‌شان را کنار حسین علیه السلام گذاشتند و هرچه داشتند و نداشتند، به پای حسین علیه السلام ریختند؛ همان جان‌هایی که چون پروانه‌های عاشق، گرد خورشید وجود اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌چرخیدند.

همان‌گونه که شکر در آب حل می‌شود و چیزی از آن باقی نمی‌ماند، انسان عاشق هم در معشوق خود حل می‌شود و عشق به معشوق همه وجودش را می‌گیرد و به جز معشوق، نه چیزی می‌بیند و نه چیزی

۱. مریدان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۲. ابوالفضل تهرانی، شفاء الصدور فی شرح زیارت العاشر، ص ۱۰۹.



می خواهد. اصحاب الحسین علیهم السلام هم در وجود آن حضرت حل شدند و جز امام حسین علیه السلام، نه چیزی می دیدند و نه چیزی می خواستند.^۱
قبلاً هم گفتیم که اصحاب الحسین علیهم السلام بهترین میونداران حسینی بودند. میوندارانی که مسیر زندگی شان را با امام زمان خود تنظیم کرده بودند.

ارائه محتوا

میوندار باید مسیر زندگی خود را با مسیری که امام دوست دارد، تنظیم کند. میوندار، با منوی امام لذت می برد! میوندار، از خواسته های امام لذت می برد و تمام زندگی خود را بر اساس خواسته های امام تنظیم می کند. تمام حرف دل میوندار فقط یک جمله است: «پسندم آنچه را جانان پسندد.»

می خواهم سؤالی را از شما بپرسم که دوست دارم با دقت پاسخ بدهید. در نظر بگیرید مادر شما که خیلی هم برای تان عزیز است از رنگی مثلاً رنگ سبز خیلی خوشش می آید و آن را زیاد دوست دارد. اگر دو پیراهن را جلوی شما بگذارند و یکی رنگ سبز داشته باشد و دیگری رنگ زرد، خداوکیلی اگر بخواهید دل مادرتان را شاد کنید، کدام پیراهن را انتخاب می کنید؟^۲

احسنت به شما عزیزان دل. ما برای دلخوشی مادرمان هم که شده پیراهن سبزرنگ را انتخاب می کنیم؛ حتی اگر خودمان رنگ زرد را دوست داشته باشیم؛ چراکه به دنبال جلب رضایت او هستیم. این دقیقاً همان معنای جمله «پسندم آنچه را جانان پسندد» است.

همه داستان سلمان فارسی را در رابطه با حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شنیده اید که در روزی برفی با حضرت حرکت می کرد. کسی می تواند داستان را برای ما تعریف کند؟^۳

۱. برگرفته از کتاب «از دحام تنها، اجتماع دل ها»، تألیف جمعی از نویسندگان، جلسه دهم.

۲. مریبان عزیز توجه داشته باشند که باید از تمامی متریبان برای انتخاب رنگ سبز اقرار بگیرند.

۳. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ متریبان شنیده شده و از کسانی که داستان را تعریف می کنند، تقدیر و تشکر شود.



نقل می‌کنند روزی اهل مدینه دیدند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مدینه نیستند!، دلواپس شدند که آقا کجاست، هرچه گشتند حضرت را پیدا نکردند. یک نفر که جای پا را بلد بود، ردّ جای پای حضرت امیر علیه السلام را گرفت.^۲ متوجه شدند که حضرت به بیرون مدینه رفته‌اند. رفتند و حضرت علی علیه السلام را پیدا کردند. دیدند که سلمان فارسی هم کنار حضرت است. پرسیدند: «سلمان، تو کجا بودی؟! ما جای پای تو را ندیدیم؟!» سلمان فارسی گفت: «من جای پا برای خودم اختیار نکردم. هر جا که حضرت پا می‌گذاشت، من هم همانجا پایم را می‌گذاشتم!»^۳

این حرکت سلمان یعنی همان معنای جمله «پسندم آنچه را جانان پسندد».

در تاریخ آمده است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و پرسید: «مَا كَثُرَ مَا أَسْعَى مِنْكَ يَا سَيِّدِي ذَكَرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ» چقدر من زیاد می‌شنوم از شما که نام سلمان را می‌برید و از او یاد می‌کنید.

این شخص تعجب می‌کند که چرا این قدر امام صادق علیه السلام به سلمان توجه دارد!

حضرت فرمودند می‌دانی چرا؟ گفتم نه آقا جان. «قَالَ: ثَلَاثٌ خِصَالٍ»، سه خصوصیت در سلمان بود که این موجب می‌شود که من او را زیاد یاد کنم و نام او را ببرم. «أَحَدُهَا: إِشَارَةُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَلَى هَوَى نَفْسِهِ» یکی اش این است: میل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بر میل خود غلبه می‌داد.^۴

۱. در برخی منابع، نام مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به جای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ذکر کرده‌اند.

۲. در برخی از منابع اینگونه ذکر شده است که این اتفاق در روزی برفی رخ داده است و سلمان، پا جای پای حضرت گذاشته است.

۳. یا جای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بگذارید، <https://imam-robotkarim.kowsarblog.ir>، ۲۹ آبان ۱۳۹۵.

۴. «وَالثَّالِثَةُ: حُبُّهُ لِلْفُقَرَاءِ وَ اخْتِيَارُهُ إِيَّاهُمْ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْعَدَّة»، [دوم]: فقرا را دوست می‌داشت. بعضی‌ها از طبقه‌ی مستضعف جامعه اصلاً بدشان می‌آید؛ حاضر نیستند طرف آن‌ها بروند، نگاه بکنند به آن‌ها! خودشان را برتر از آن‌ها می‌دانند؛ او نه؛ فقرا را دوست می‌داشت، آن‌ها را بر اهل ثروت ترجیح می‌داد.

«وَالثَّالِثَةُ: حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَ الْعُلَمَاءِ»، [سوم]: جناب سلمان علم را دوست می‌داشت، علما را دوست



این یعنی همان معنای جمله «پسندم آنچه را جانان پسندد».

حتماً داستان مالک اشتر و حمله او به دشمن را در جنگ صفین شنیده
اید. نقل می‌کنند مالک اشتر تا نزدیکی خیمه معاویه پیش رفت و فقط
چند قدم تا خیمه او فاصله داشت اما همین که دستور امیرالمؤمنین علیه السلام
را برای بازگشت شنید، دست از ادامه نبرد برداشت و بازگشت.^۱

این یعنی همان معنای جمله «پسندم آنچه را جانان پسندد».

همان طور که گفتیم می‌وندان، با منوی امام لذت می‌برد!

ما از تو به غیر از تو نداریم تمنا

حلوابه کسی ده که محبت نچشیده است

کسی که عاشق امام است، تمام خواسته‌های خود را با خواسته‌های
امامش تنظیم می‌کند. می‌وندان عاشق، به جز رضایت امام چیزی را
نمی‌خواهد.

سعیدبن عبدالله حنفی، مصداق بارز می‌ونداری است که جز رضایت
امام زمانش، هیچ چیزی را نمی‌خواست و خواسته‌هایش بر اساس
خواسته‌های امامش تنظیم شده بود.

نقل می‌کنند: هنگامی که امام حسین علیه السلام در ظهر روز عاشورا نماز
خود را به جا می‌آوردند، این دل‌باخته حسین علیه السلام عشق به مولایش
را اینچنین اثبات کرد: زمانی که امام در جایگاه خود ایستاده بودند و
سپاهیان دشمن به آن حضرت نزدیک شدند، سعیدبن عبدالله حنفی
مقابل حضرت ایستاد و باران تیرها را از چپ و راست به جان خرید.
سعیدبن عبدالله که پیش‌روی حضرت قرار داشت، با سپرکردن صورت،

می‌داشت. این سه خصوصیت در این بزرگوار، موجب می‌شود که امام صادق با آن جلالت و عظمت،
نسبت به او گرایش پیدا کند، محبت - یا تجلیل و تعظیم - نسبت به او بکند. «إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا
خَنِيْفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (می‌فرمایند: سلمان بنده‌ی صالح خنیف مسلمان است و از مشرکین
نیست.)، (طوسی، الأملی، ص ۱۳۳).

۱. نصر بن مزاحم، وقعه صفین، ص ۴۹۰-۴۹۱.



سینه، دست و پهلوها، تیرها را از وجود مقدس امام حسین علیه السلام دفع می‌کرد. هیچ‌یک از آن تیرها به وجود نازنین اباعبدالله علیه السلام اصابت نکرد تا اینکه سعیدبن عبدالله نقش بر زمین شد.^۱

کسی که اینگونه از امام خود دفاع می‌کند، طبیعتاً باید خوشحال باشد، اما سعیدبن عبدالله حنفی، از این کار خود راضی نمی‌شود و رضایت خود را در رضایت امام زمانش می‌بیند. سعیدبن عبدالله که عاشق مولای خود بود، وقتی با صورت به زمین افتاد، گفت: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَوْفَيْتُ»^۲ (ای فرزند رسول خدا، آیا به پیمانم وفا کردم؟)

سعیدبن عبدالله با منوی امام زمان خود لذت می‌برد! عبارت «أَوْفَيْتُ» از سعیدبن عبدالله، یعنی من با منوی امام زمانم لذت می‌برم؛ یعنی همان معنای جمله «پسندم آنچه را جانان پسندد».

یاران کربلا با منوی امام خود لذت می‌بردند.

قمر منیر بنی‌هاشم، سردار بی‌دست کربلا، مرد میدان جنگ است. همه می‌دانید حضرت عباس علیه السلام در جنگ صفین درحالی که فقط ۱۳ ساله بود، غوغا به پا کرده بود. چه کسی داستان دلاوری حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را در جنگ صفین به خاطر دارد تا برای همه تعریف کند؟^۳

ممنونم و سپاسگزار از همراهی همه دوستان. نقل کرده‌اند که:

در جنگ صفین حضرت عباس علیه السلام نقابی به صورت زد و از لشکر حضرت علی علیه السلام بیرون آمد و طلب مبارز کرد. اصحاب معاویه از مبارزه با او ترسیدند. معاویه به مردی شجاع که او را «ابن شعثاء» می‌گفتند، فرمان

۱. «وَمَا قَرَّبَ الْأَعْدَاءُ مِنَ الْحُسَيْنِ وَهُوَ قَائِمٌ بِمَكَانِهِ اسْتَقْدَمَ سَعِيدُ الْحَنْظَلِيُّ أَمَامَ الْحُسَيْنِ وَهُوَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْ الْحُسَيْنِ يَقِيهِ السِّهَامَ طَوَّاراً يُوْجِهُهُ وَطَوَّاراً بِصَدْرِهِ وَطَوَّاراً بِيَدَيْهِ وَطَوَّاراً بِجَنْبَيْهِ فَلَمْ يَكِدْ يَصِلُ إِلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام حَتَّى سَقَطَ الْحَنْظَلِيُّ إِلَى الْأَرْضِ»، گروهی از نویسندگان، تاریخ امام حسین علیه السلام، ج ۱۵، ص ۱۳۵۳.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۰۸.

۳. جهت مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.



داد به مبارزه با این جوان برود. ابن شعثاء که برای خود، شخصیتی خاص قائل بود گفت: اهل شام مرا با ده هزار سوار برابر می‌دانند! اجازه بده من هفت پسر دارم، یکی را می‌فرستم تا او را به قتل رساند. ابن شعثاء اولین پسر خود را به میدان مبارزه فرستاد اما در همان ابتدای کار، با شمشیر بڑان ماه بنی‌هاشم علیه السلام روبرو شد و نقش بر زمین شد. ابن شعثاء که عصبانی شده بود، فرزند دوم خود را فرستاد و او نیز مانند نفر اول، به هلاکت رسید. هفت پسر ابن شعثاء یکی بعد از دیگری رفتند و به راحتی کشته شدند و دست آخر، خود ابن شعثاء که هفت فرزند خود را از دست داده بود، با خشم و عصبانیت به میدان آمد! کسی که به قول خودش با ده هزار سواره برابر بود، وقتی وارد میدان مبارزه با قمر منیر بنی‌هاشم علیه السلام شد، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام به او حمله‌ای کرد و همان ابتدای کار، او را نیز نقش بر زمین کرد.

دیگر از لشکر معاویه کسی جرأت نکرد به تنهایی قدم به میدان بگذارد. امیرالمومنین علی علیه السلام به حضرت عباس علیه السلام فرمودند: بس است پسرم برگرد! تمام لشکر گفتند: یا علی علیه السلام بگذار جنگ را تمام کند اما امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: نه او پسرم عباس، قمر بنی‌هاشم و ذخیره برای حسین علیه السلام است!

درست است که حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام می‌وندار میدان جنگ است اما وقتی در کربلا امام زمان او به جای شرکت در جنگ، دستور آوردن آب برای اهل خیام را به او میدهد، حضرت عباس علیه السلام سریعاً می‌گوید: چشم؛ چراکه عباس علیه السلام با منوی امام لذت می‌برد.

حبیب‌بن‌مظاهر، در کوفه و با آرامش، زندگی خود را داشت اما همین که نامه امام را دریافت کرد، همه چیز را رها کرد و سریعاً خودش را به امام زمانش رساند. حبیب علیه السلام با منوی امام لذت می‌برد.

شب عاشورا وقتی امام حسین علیه السلام اجازه خروج از کربلا را به همه دادند،



میونداران امام قدمی از قدم برداشتند و مثل کوه ایستادند؛ چراکه آن‌ها با منوی امام لذت می‌بردند.

تنوع

صحبت از میونداران و غیورمردان کربلای حسینی شد، بیاپید شادی روح همه شهدا، مخصوصاً شهدای کربلا این صلوات خاص و همیشگی خودمان را به آن‌ها هدیه بدهیم.

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَى النَّبِيِّ

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ النَّبِيِّ

الهی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ دعاگوی همه شما غیورمردان ایران زمین باشد، بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

ادامه محتوا

پس میوندار با منوی امام لذت می‌برد؛ اما اجازه بدهید که یک سؤال مهم و اساسی را از شما میونداران آینده بپرسم. به نظر شما در حال حاضر راه شناخت منوی امام چیست؟ اگر قرار است من به عنوان میوندار با منوی امام لذت ببرم، خوب ابتدا باید با منوی امام آشنا شده باشم تا از آن لذت ببرم. خوب شما بفرمایید که الان راه شناخت منوی امام چیست؟^۱

از آنجاکه امام بر اساس دستورات خدای متعال، عمل می‌کند لذا یکی از ابتدایی‌ترین راه‌های شناخت منوی امام، شناخت احکام الهی است.

خب به نظر شما راه شناخت دقیق احکام الهی چیست؟^۲

همان طور که همه شما عزیزان هم گفتید، تقلید کردن از مراجع تقلید، راه شناخت احکام الهی است.

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۲. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.



بیاید کمی در رابطه با تقلید صحبت کنیم.

از آنجا که بحث تقلید یک امری تخصصی است لذا بر ما ضروری است که به متخصصین آن مراجعه کنیم.

کسی می‌داند مراد از تقلید چیست؟^۱

جالب اینجاست که باید بدانید مراد از تقلید مراجعه غیرمتخصص در یک امر تخصصی به متخصص آن می‌باشد. مهم‌ترین دلیل بر لزوم تقلید در مسائل دینی همین نکته عقلایی است که انسان غیرمتخصص باید در مسائل تخصصی به متخصص آن مراجعه کند.

البته آیات و روایات زیادی هم مبنی بر لزوم تقلید است که خواهیم گفت اما قبل از آن می‌خواهم از شما کمک بگیرم، کدام یک از دوستان آیه‌ای که دلالت بر مراجعه به متخصص یا همان تقلید باشد را بلد است؟^۲

تقدیر و تشکر می‌کنم از همکاری خوب شما عزیزان!

خدای متعال در کتاب راهنمای خودش یعنی قرآن کریم^۳ در سوره مبارکه نحل، آیه ۴۳ می‌فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (اگر چیزی را نمی‌دانید از آگاهان و عالمان آن سؤال کنید).

یعنی چی؟ یعنی وقتی با مشکلی برخورد کردید به متخصصین آن باید مراجعه کنید.

کسی از شما می‌داند توقیع شریف چیست؟^۴

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بعد از این که از طرف خدای متعال متوجه به شروع غیبت

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۲. مریبان گرامی در ابتدا باید از متریبان کمک و مشارکت بگیرند و اگر کسی پاسخ صحیح داد، مورد تشویق جمع قرار می‌گیرد و سپس به ادامه بحث پرداخته می‌شود.

۳. چه زیباست که جهت تلاوت آیات از یکی از متریبان خوش صدای کلاس استفاده شود.

۴. مریبان گرامی در ابتدا باید از متریبان کمک و مشارکت بگیرند و اگر کسی پاسخ صحیح داد، مورد تشویق جمع قرار می‌گیرد و سپس به ادامه بحث پرداخته می‌شود.



کبرای خود شدند، به جهت هدایت ما و به گمراهی و ضلالت نیفتادن ما نامه‌ای را به آخرین نائب خاص خود دادند که آن نامه به توقیع شریف معروف شده است. امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهْنَا إِلَيْهِ در آن نامه اینگونه می‌فرماید: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَازْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»؛ (در پیشامدها و حوادثی که اتفاق می‌افتد به روایان احادیث ما مراجعه کنید که آن‌ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنها)؛ یعنی اگر می‌خواهید گمراه نشوید و در مسیر ما باشید به متخصصان این عرصه که نایبان ما و روایان احادیث ما می‌باشند مراجعه کنید.

نکته مهم اینجاست که این روایت شامل هرکسی نمی‌شود و هرکسی که روایت می‌خواند راوی حدیث نبوده و باید شرائطی ویژه داشته باشد. امام یازدهم ما شیعیان یعنی امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ، وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ»؛ (هرکس از فقیهان که مالک نفس خود و نگاهبان دین خویش باشد و با هوای نفس خود مخالفت کند و مطیع فرمان خدای خویش باشد بر عوام است که از او تقلید کنند و این امر نیست جز در برخی از فقیهان شیعه نه همگی آن‌ها.) پس متخصصان و میونداران عرصه فقه و فقاہت با این شرائط انتخاب می‌شوند.

حالا یک سؤال: اگر یک نفر پیش شما آمد و گفت آیا من خودم می‌توانم احکام خودم را به دست بیاورم و دیگر تقلید نکنم؟ چه پاسخی به او می‌دهید؟^۳

آفرین به پاسخ‌های هوشمندانه برخی دوستان. اگر کسی گفت آیا من می‌توانم نیازی به تقلید نداشته باشم؟ سه پاسخ باید به او بدهیم:

۱. محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۴.

۲. محمد رضا حکیمی، الحیاء، ج ۲، ص ۵۵۷؛ احمد بن علی الطبرسی، الاحتجاج، ۲/۵۱۰/۳۳۷.

۳. ضروری است که به صورت دقیق و هوشمندانه مشارکت گرفته شود.



پاسخ اول این است که عقل می‌گوید کار تخصصی را باید به متخصص آن ارجاع داد و لازم است از نظر دادن در همه چیز پرهیز کرد. علاوه بر این که در تعریف تقلید هم گفتیم که اصلاً تقلید یعنی مراجعه غیرمتخصص به متخصص. این از پاسخ عقلی مورد نظر.

پاسخ دوم این است که:

آیا شما می‌توانید خودتان، عمل جراحی قلب انجام بدهید؟

آیا شما می‌توانید خودتان، عمل جراحی قرنیه چشم را انجام بدهید؟

آیا شما می‌توانید خودتان، مهندسی یک برج را انجام بدهید؟

آیا شما می‌توانید خودتان، کار نقشه راه یک مترو شهری را بکشید؟

قطعا پاسخ همه سؤالات خیر است. حتی اکثر ما مردها نمی‌توانیم یک مرغ را به راحتی یک قصاب پوست بکنیم. چرا؟ چون تمامی این کارها یک امر تخصصی است و کار هرکسی نیست.

کار هرکس نیست خرمن کوفتن

گاو نر می‌خواهد و مرد کهن

اما پاسخ سوم این است که:

آیا می‌دانید برای شناخت احکام شرعی و رسیدن به یک پاسخ دقیق، نیازمند اطلاعات و آگاهی‌های فراوانی است؟

آیا می‌دانید فهم آیات و روایات در شناخت احکام شرعی ضروری است؟

آیا می‌دانید فهم احادیث صحیح و درست از احادیث غیر صحیح ضروری است؟

آیا می‌دانید روش ترکیب و جمع آیات و روایات و احادیث ضروری است؟ و مهم تر از همه، این که آیا می‌دانید تسلط به همه این‌هایی که ذکر شد، نیازمند سال‌ها تلاش است؟



دوستان من شاید باورتان نشود اما اسلام دست هیچ‌کس را نمی‌بندد و جالب اینجاست که اگر به رساله عملیه مراجع تقلید مراجعه کنید می‌بینید همان ابتدای رساله، تمامی مراجع تقلید راه‌های رسیدن به احکام را که به ما معرفی می‌کنند، با سه راه بیان می‌دارند:

الف) راه اول این است که خودتان مجتهد شوید، یعنی مانند مراجع تقلید سال‌ها درس بخوانید و تلاش کنید تا به درجه اجتهاد برسید که این مسیر، طولانی‌ترین راه ممکن برای رسیدن به پاسخ است و شاید بیش از بیست یا سی سال و حتی بیشتر این اتفاق طول بکشد.

ب) راه دوم این است که شما اهل احتیاط شوید، یعنی برای هر مسئله و سؤالی ابتدا تمامی نظرات و آرای موجود را مطالعه کنید و سپس بگونه‌ای عمل کنید که مخالف همه آراء نباشد یا به قول معروف اهل احتیاط شوید که به نظر من این روش از روش اول بسیار سخت‌تر و دشوارتر و زمان‌برتر است.

ج) اما سومین راه این است که شما آسان‌ترین و سریع‌ترین روش را انتخاب کنید و از رأی و نظر تخصصی کسی که این علوم را بطور کامل آموخته است و در این مسیر کارشناس است بهره‌جوئید که به قول معروف از آن مجتهد متخصص در احکام شرعی تقلید کنید.

دوستان من توجه داشته باشید که این سه راهی که گفتیم، راه‌های اختصاصی برای احکام و فقه نیست و به هر کار تخصصی دیگری نیز تعمیم پیدا می‌کند. برای مثال یک مهندس متخصص را در نظر بگیرید که دچار بیماری می‌شود، او برای درمان بیماری خود همین سه راه را پیش رودارد؛

یک: شروع به تحصیل در رشته پزشکی کند تا خودش بتواند خودش را درمان کند که احتمالاً تا آن موقع...!

دو: شروع به مطالعه نظر تمام متخصصان در این عرصه کند و بگونه‌ای خود را درمان کند که بعداً پشیمان نشود که این راه نیز دست کمی از راه قبلی ندارد.



سه: به ساده‌ترین و دقیق‌ترین راه ممکن رجوع کند یعنی به پزشکی متخصص مراجعه نماید.

خلاصه و در یک کلام مراجعه به متخصص امری کاملاً عقلی است و ضرورت تقلید نیز علاوه بر آیات و روایات، امری کاملاً منطقی و مطابق با عقل است.

جمع‌بندی

خب، در این جلسه گفتیم که: می‌ونداران جامعه اسلامی باید مسیر زندگی خود را با مسیری که امام دوست دارد، تنظیم کنند. می‌وندار، با منوی امام لذت می‌برد! می‌وندار، از خواسته‌های امام لذت می‌برد و تمام زندگی خود را بر اساس خواسته‌های امام تنظیم می‌کند و تمام حرف دل می‌وندار فقط یک جمله است: «پسندم آنچه را جانان پسندد.»

در ادامه پرسیدیم که در حال حاضر راه شناخت منوی امام چیست؟ و پاسخ این شد که یکی از ابتدایی‌ترین راه‌های شناخت منوی امام، شناخت احکام الهی است و البته تقلید کردن از مراجع تقلید، راه شناخت احکام الهی است. در انتها نیز کمی درباره تقلید با هم گفت‌وگو کردیم.

تکلیف

از آنجا که عرض کردیم یکی از راه‌های آشنایی با منوی امام، تقلید کردن است، لذا بیاید بعد از برنامه و با کمک همدیگر و البته با توجه به شرائطی که به شما خواهیم گفت، یکی از مراجع تقلید را به عنوان مرجع تقلید خود انتخاب کنیم تا با منوی اماممان آشنا شویم.

دعای پایانی

در انتهاهای کلاس نیز بیاید با همدیگر دعا کنیم^۱.

خدایا! ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را برسان.

خدایا! ما را از می‌ونداران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار بده.

۱. مریبان عزیز می‌توانند در صورت کم بودن تعداد متریبان، از هر نفر بخواهند که یک دعا کنند.



خدایا! ما را در راه شناخت احکام الهی و تقلید یاری بفرما.

بارالها! مسیر زندگی ما را با مسیر امام زمانمان هماهنگ بفرما.

خدایا! به مراجع تقلید ما مخصوصاً مقام معظم رهبری سلامتی عنایت بفرما.

خدایا! چنان کن سرانجام کار

تو خوشنود باشی و ما رستگار

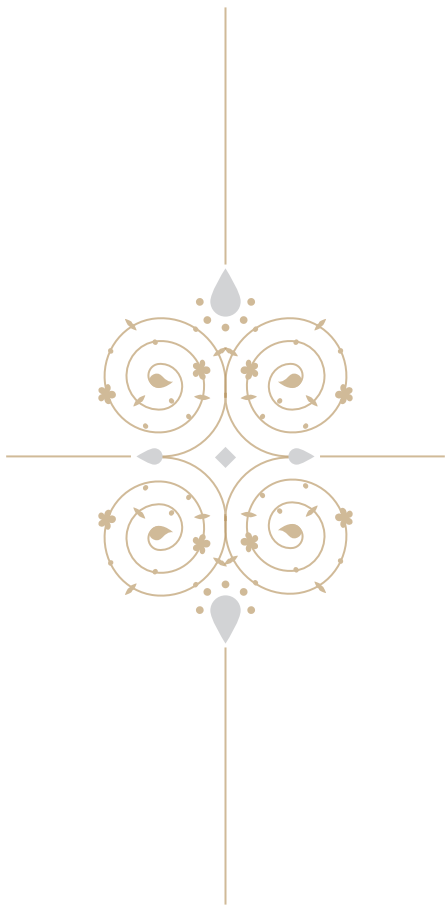
سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ





کتب منتشر شده
در این مجموعه





مخاطب: کودک و نوجوان
سال تولید: ۱۳۹۹
نوع محتوا: طرح درس کودک و نوجوان
موضوعات مرتبط: جمعیت، تربیت
فرزند، پیوندهای اجتماعی

کاری از گروه تولید محتوای غیور
مردان ایران زمین

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● نسل حسینی

آشنایی کودکان و نوجوانان با مفاهیم عمیق عاشورا

دوران نوجوانی، دورانی است که شخص علاقه زیادی به شرکت در گروه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی دارد و به نوعی در صدد است تا شخصیت اجتماعی خود را شکل دهد.

«طرح درس نسل حسینی» با الهام از معارف عاشورایی و حسینی به نوجوانان یاد می‌دهد که چگونه در اجتماع به فعالیت بپردازند و در قبال دیگران مسئولیت‌پذیر باشند و با دیگران به خوبی همکاری و همدلی کنند.

● عناوین جلسات

- درس اول: شیرینی کنار هم بودن!
- درس دوم: به من همکاری بده!
- درس سوم: دختران فرشته‌اند!
- درس چهارم: از تنهایی بدم می‌آید!
- درس پنجم: با هم قوی‌تریم!
- درس ششم: ما همه با هم هستیم!
- درس هفتم: به کسی نگو، ولی...!
- درس هشتم: کشتی نجات!
- درس نهم: فقط به عشق حسین (ع)!
- درس دهم: برای ظهور کاری کنیم!

● سر سفره بچه‌ها

برکت فرزندآوری

انسان‌ها ذاتاً فرزندخواه‌اند اما ممکن است در اثر تاثیر پذیری از جامعه و وضعیت معیشتی و ترس از فقر در امر فرزندآوری تردید کنند. ما دلایل عقلی و علمی و شرعی زیادی داریم که اثبات می‌کند فرزند برکت الهی است. «کتاب سر سفره بچه‌ها» مجموعه‌ای از سوالات مردم در زمینه فرزندآوری را با زبانی انتقادی مطرح کرده است و با بیانی شیوا، علمی و مردم‌پسند جواب آن را بیان کرده است.

● عناوین جلسات

۱. خرج و برج بچه‌ها و جیب ما
۲. تحریم و جنگ و قحطی
۳. گر جان دهد دندان و نان با هم دهد
۴. جامعه کند است آقا زودتر
۵. سری که درد نمی‌کند دستمال چر؟!!
۶. تربیت بهتر شود، وقتی که بچه کم شود
۷. ما خود هنوز اول راه نرفته ایم
۸. بچه داره بیچاره؛ آن هم به مقادیر زیاد
۹. مگر «فرزند کمتر زندگی بهتر» نبود؟!
۱۰. بچه‌ها مانع رشدش شده‌اند
۱۱. من که کلفت نیستم
۱۲. بچه‌های بیشتر درگیری ما بیشتر
۱۳. اختلافات است در جایی که جمعی جمع شد



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۳۹۹
نوع محتوا: محتوای پشتیبان
موضوعات مرتبط: فرزندآوری، جمعیت

کاری از اداره امور مبلغین سازمان
تبلیغات اسلامی

برای دریافت کتاب اسکن کنید





مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۳۹۹
نوع محتوا: متن ترویجی

کاری از اداره راهبری محتوای تبلیغی با همکاری موسسه امیر بیان

● کتابچه ازدحام تنهایی

هم‌بستگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

آدم‌ها زیادند؛ اما زیاد تنهاییند. وقتی بیرون خانه‌ایم، چندین برابر اجدادمان آدم می‌بینیم. وقتی هم داخل خانه‌ایم، چندین برابر اجدادمان با دیگران پیام ردوبدل می‌کنیم؛ اما با هیچ‌کس نیستیم. به این‌ها که می‌اندیشیم، چرای بزرگی چنبیره می‌اندازد بر ذهن و ضمیرمان. واقعاً چرا؟ چرا من در میان جمع و دلم جای دیگر است؟ چه چیزی سر جایش نیست؟

«کتابچه ازدحام تنهایی» با طرح مسائلی در مورد زندگی فردی و جمعی سعی دارد به گره‌های ذهنی مخاطب در زمینه همبستگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پاسخ دهد.

● عناوین جلسات

۱. در تراجم عبادات فردی و عبادات جمعی اولویت با کدام است؟
۲. آرامش واقعی انسان در تنهایی است یا جمع؟
۳. در هنگام خطر، آسیب‌پذیری انسانی که تنها منافع خود را می‌بیند بیشتر است؟ یا کسی که منافع جمعی برایش مهم است؟
۴. راه‌حل مشکلات ما منفعته طلبی فردی است یا همبستگی اجتماعی؟
۵. همدلی چطور از بین می‌رود؟

برای دریافت کتاب اسکن کنید



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۳۹۹
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از اداره راهبری محتوای تبلیغی با همکاری موسسه امیر بیان

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● ازدحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها

چرا حسین علیه‌السلام تنها ماند؟

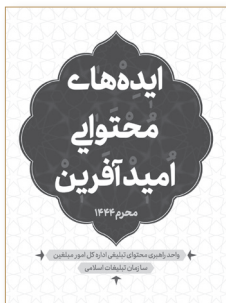
ما انسان‌ها فطرتاً موجوداتی اجتماعی آفریده شده‌ایم و قدرت و برتری ما در باهم بودن است و هر قدر از هم دورتر شویم، ضعیف‌تر خواهیم شد. بر همین اساس، شیاطین جن و انس برای ضربه‌زدن به انسان‌ها همواره به دنبال ایجاد تفرقه و جدایی میان آدمیان بوده‌اند. در نقطه مقابل نیز ایجاد همدلی و هم‌بستگی میان مردم.

«کتاب ازدحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها» با قلمی شیوا، اقناعی و احساسی و الهام گرفته از عاشورای حسینی به بیان مطالبی در این مورد می‌پردازد.

● عناوین جلسات

- مجلس اول: اشک تنهایی
- مجلس دوم: تن‌های آرام
- مجلس سوم: رنج تنهایی
- مجلس چهارم: تنها میان تن‌ها
- مجلس پنجم: همدلی در خطر
- مجلس ششم: شیرین‌ترین شهد
- مجلس هفتم: فرمانده دل‌ها
- مجلس هشتم: اجتماع عزیز
- مجلس نهم: دست‌های هم‌آهنگ
- مجلس دهم: همدلان عاشق
- مجلس یازدهم: همراهان سنگ‌دل





مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: ایده

کاری از واحد راهبری محتوای تبلیغی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● کتابچه ایده‌های محتوایی امیدآفرین

«ایده‌های محتوایی امیدآفرینی»

امید کلید اساسی همه‌ی قفهاست و بدون آن هیچ گامی نمی‌توان برداشت. سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم از آینده است. «کتابچه ایده‌ها» ده ایدهٔ برتر محتوای تبلیغی امیدآفرین است که توسط ده مجموعهٔ تولید محتوای تبلیغی ارائه شده است. این کتاب سعی دارد ده ایده که می‌تواند با الهام گرفتن از مضامین عالی عاشورایی امید را در دل مخاطب زنده کند. را معرفی کند.

● عناوین ایده‌ها

ندای امید: زیباترین نوای عاشورا
هفتاد و سومین یار
ز جامعهٔ حسینی تا جهان مهدوی
آبروی دو عالم
به توان او
حسین پیروزترین رهبر جهان
با کاروان عشق در کربلا
فتنهٔ اعتقادی، مشروطهٔ اقتصادی
سلام فرمانده
باپچه‌هایم سر یک سفره!

● هفتادوسومین یار

«نقش آفرینی و زمینه‌سازی برای ظهوری»

کربلا، هر سال تکرار می‌شود و حرکت کاروان حسینی تظاهرات حضرت حجت ارواحنا فداه ادامه دارد، ما باید به این کاروان بپیوندیم و نقش خود را در این کاروان پیدا کنیم و در عرصه فردی و خانوادگی و اجتماعی نقش آفرینی کنیم. «کتاب هفتادوسومین یار» با قلمی شیوا و تبلیغی و با الهام از معارف عالی عاشورایی حسینی به لزوم نقش آفرینی افراد در دوران قبل از ظهور می‌پردازد و با نگاهی امید آفرینانه حوادث عاشورا را برای مخاطب تحلیل می‌کند.

● عناوین جلسات

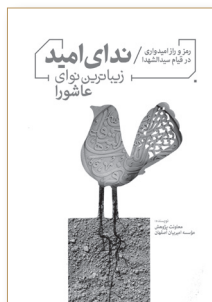
جلسه دهم: سریش به نی نمی‌شد اگر...
جلسه اول: بوی پیراهن خونین کسی می‌آید
جلسه دوم: حسین را جدی بگیر
جلسه سوم: به چشم خدا بیا
جلسه چهارم: نبرد برای آرامش
جلسه پنجم: بی‌قرار امامت باش
جلسه ششم: قوی باش
جلسه هفتم: جور دیگر باید دید
جلسه هشتم: چشم انتظار حضور
جلسه نهم: پیمانۀ پُر ندای امید زیباترین نوای عاشورا
امید و امیدآفرینی در قیام سیدالشهدا

مخاطب: مسجدی-هیئتی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از معاونت پژوهشی امیر بیان قم

برای دریافت کتاب اسکن کنید





● ندای امید زیباترین نوای عاشورا

امید و امیدآفرینی در قیام سیدالشهداء

حماسهٔ کربلا به مثابه یک کتاب مقدس است که سوره‌ها و آیه‌هایی دارد و تا قیام قیامت برای هر انسان آزاده‌ای درس آموز است. روح حاکم بر همهٔ این سوره‌ها و آیه‌ها امید و امیدواری است. «کتاب ندای امید، زیباترین ندای عاشورا» با بیان نشانه‌هایی از امید در کربلا به ضرورت و اهمیت امید و امیدواری در جامعه امروز می‌پردازد و مخاطب را به این سمت وسو سوق می‌دهد.

● عناوین جلسات

- جلسه اول: اهمیت مسئله امیدواری و جایگاه آن در قیام عاشورا
- جلسه دوم: از گرفتاری تا امیدواری
- جلسه سوم: سبک زندگی حسینی؛ امیدوار زیستن
- جلسه چهارم: حر الگوی امیدواری در وقت اضافه
- جلسه پنجم: امید حسینی و یزیدی
- جلسه ششم: امید کارآمد
- جلسه هفتم: بزرگ‌ترین حربهٔ یزیدیان زمان
- جلسه هشتم: بهترین الگوی امیدواری برای جوانان
- جلسه نهم: مهم‌ترین ویژگی علمداران منجی
- جلسه دهم: نبرد امید و یأس، کربلایی به وسعت تاریخ

مخاطب: عمومی

سال تولید: ۱۴۰۱

نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از موسسه تخصصی خطابه
امیر بیان اصفهان

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● فتنه اعتقادی، مشروطه اقتصادی

«تحلیلی از علل «تورم مزمن» در ایران

یکی از عوامل اصلی که امروز اعتقادات مردم را هدف قرار داده است، مشکلات اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران است. «کتاب فتنه اعتقادی، مشروطه اقتصادی» به بررسی علل تورم در ایران پرداخته و از تورم به عنوان مسئله‌ای که مشکلات متعددی را به مردم تحمیل کرده، آسیب‌شناسی جدیدی ارائه می‌دهد؛ سپس با الهام از سیره ائمه معصومین مخصوصاً سیدالشهدا برای حل این مشکل راه‌حل‌هایی ارائه می‌کند.

مخاطب: عمومی

سال تولید: ۱۴۰۱

نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای حسینیة
اندیشه

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● عناوین جلسات

- جلسه اول: مشکلات اقتصادی؛ عامل هجمه به اعتقادات ملت ایران
- جلسه دوم: مقابله ملت ایران با فاصله طبقاتی
- جلسه سوم: سیره علوی در برخورد با فاصله طبقاتی
- جلسه چهارم: نقش فرهنگ «جمع‌المال» در شهادت امام حسین
- جلسه پنجم: اخلاقیات رذیله، عامل تحقق فرهنگ «جمع‌المال»
- جلسه ششم: برخورد امیرالمؤمنین با ساختارهای اجتماعی مادی
- جلسه هفتم: تحلیلی جدید از روایت «التأش عبیدالتنیا»
- جلسه هشتم: ضرورت هم‌زمانی حجم عظیم تولید با اوج زهد در مصرف
- جلسه نهم: تناسب اوقاف با انگیزه‌های ملت ایران
- جلسه دهم: علت غلبه ابن‌زید بر قیام مسلم





مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای گام دومی‌ها

● از جامعه حسینی تا جهان مهدوی ویژگی‌های جامعه حسینی مقدمه‌ساز ظهور

یکی از تلقی‌های غلطی که از دین اسلام وجود دارد این است که دین اسلام دینی فردی است و به ساحت‌های اجتماعی کاری ندارد در حالی که کاملاً برعکس است و دین اسلام اساساً در وهله‌ی اول اجتماعی است. «کتاب از جامعه حسینی تا جهان مهدوی» با مقایسه انواع جامعه‌ها و بیان ویژگی‌های اجتماعات مختلف به مخاطب می‌فهماند می‌کند که دین اسلام دینی اجتماعی است و قابلیت این را دارد که یک جامعه با اهداف بزرگ، مستقل، مقاوم و قوی را تشکیل می‌دهد.

● عناوین جلسات

- جلسه اول: جامعه‌ای با هدف بزرگ، جامعه‌ای با هدف کوچک
- جلسه دوم: جامعه رابطه محور، جامعه ضابطه محور
- جلسه سوم: جامعه اجتماعی، جامعه تنها
- جلسه چهارم: جامعه مستقل، جامعه منفعل
- جلسه پنجم: جامعه مقاوم، جامعه شکننده
- جلسه ششم: جامعه هوشمند، جامعه ساده‌اندیش
- جلسه هفتم: جامعه کلان‌نگر، آینده‌نگر و جامع‌نگر
- جلسه هشتم: جامعه خودباور، جامعه خودتحقیر
- جلسه نهم: جامعه شجاع، جامعه ترسو
- جلسه دهم: جامعه قوی، جامعه ضعیف



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: طرح درس کودک و نوجوان

کاری از گروه تولید محتوای غیورمردان
ایران زمین

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● سلام فرمانده

«آشنایی با شخصیت‌ها و مفاهیم سرود «سلام فرمانده»

سرود «سلام فرمانده»، کار فرهنگی صحیحی بود که با اینکه مختص قشر کودک و نوجوان بود؛ اما تمامی اقشار جامعه را درگیر خود کرد. «کتاب سلام فرمانده» به معرفی شخصیت‌ها و مفاهیم سرود سلام فرمانده با قلمی شیوا و کودکانه می‌پردازد.

● عناوین جلسات

- بخش اول: نامه‌ای به امام زمان علیه‌السلام (زندگی‌نامه علی بن مهزیار)
- بخش دوم: مشعل تاریخ (زندگی‌نامه میرزا کوچک‌خان جنگلی)
- بخش سوم: یار سید و سیزدهم (معرفی ۳۱۳ نفر یار امام زمان)
- بخش چهارم: سردار دل‌ها (زندگی‌نامه حاج قاسم سلیمانی)
- بخش پنجم: ثروتمندترین مرد جهان! (زندگی‌نامه آیت‌الله بهجت)
- بخش ششم: می‌خواهم گمنام بمانم! (معرفی مفهوم سرباز گمنام)
- بخش هفتم: یار وفادار! (زندگی‌نامه عمار یاسر)
- بخش هشتم: مرد اهل بیته! (زندگی‌نامه سلمان فارسی)
- بخش نهم: در مسیر امام حسین علیه‌السلام! (زندگی‌نامه علی لندی)
- بخش دهم: لشکر تک‌نفره! (زندگی‌نامه حسین فهمیده)



● ظلم سکوت

سکوت در برابر ظلم، هم یاری ظالم و هم خوار کردن مظلوم است.

سخنرانی ویژه روز قدس «روایت نامسلمانی سکوت کنندگان در برابر ظلم»

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ تُعَصَّدَ ظَالِمًا، أَوْ تُخَذَّلَ مَلْهُوفًا»

خدایا! به تو پناه می‌بریم از این‌که ظالمی را یاری کنیم، یا ندای دردمند و ستم‌دیده‌ای را بی‌جواب بگذاریم؛ و البته سکوت در برابر ظلم، هم یاری ظالم و هم خوار کردن مظلوم است.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِخَضْرَى فَلَمْ أَنْصُرْ»

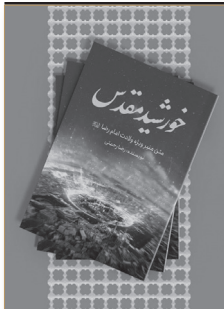
خدایا از تو عذر می‌خواهیم، از اینکه در برابر دیدگانمان به مظلومانی ستم شده و ما ایشان را یاری نکرده‌ایم.



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب

● خورشید مقدس

متن سخنرانی ویژه ولادت امام رضا علیه السلام در پاسخ به اهانت به مقام نورانی امام مهربانی



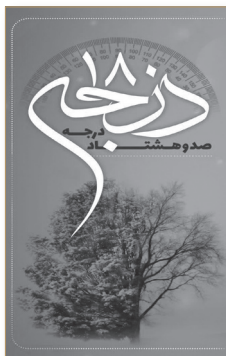
مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب

وقتی دشمن مقابل نور علی بن موسی الرضا علیه السلام کم می‌آورد، چه می‌کند؟ می‌خواهد هتک خورشید کند. او نابودی خودش را دیده، دست به انتحار می‌زند، یک روز به ساحت نور عالم امکان یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اهانت می‌کند. نوری که پیغمبر فرمود: «اولین نوری که خدا در این عالم خلق کرد، نور من بود؛ اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» وقتی دشمن، متعرض به وجود نورانی امام رضا علیه السلام می‌شود معلوم می‌شود که کار امام رضا علیه السلام در جهان گرفته است.

کاری از گروه تولید محتوای کام‌دومی‌ها

برای دریافت کتاب اسکن کنید





مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای

کاری از گروه تولید محتوای امیریان
(شعبه مرکزی)



برای دریافت کتاب اسکن کنید

● سخنرانی چندرسانه‌ای ۱۸۰ درجه

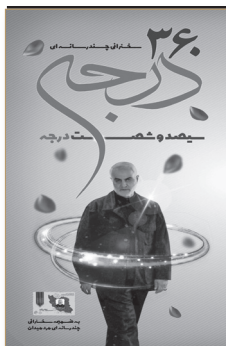
سواد رسانه و مقابله با جنگ رسانه‌ای

یکی از مشکلات اصلی ما در انقلاب اسلامی این است که همیشه روایت اول را از وقایعی که اتفاق می‌افتد برای ما نیست و اگر روایت نکنیم دشمن روایت می‌کند و برای ما مشکلاتی درست می‌کند و باعث شکست ما در جنگ رسانه‌ای می‌شود.

کتاب «۱۸۰ درجه» در قالب یک جلسه سخنرانی پیرامون سواد رسانه، انواع و روش‌های تحریف در فضای مجازی تهیه شده و در پایان هم راهکارهای مقابله با آن نیز بیان شده است.

● سخنرانی چند رسانه‌ای ۳۶۰ درجه

اتصال به خدا راه‌گشای محاصرات ۳۶۰ درجه در زندگی



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای

کاری از گروه تولید محتوای امیریان
(شعبه مرکزی)



برای دریافت کتاب اسکن کنید

وقتی در محاصره ۳۶۰ درجه قرار می‌گیریم باید باور داشته باشیم که تنها نیستیم و خدا و امام زمان در کنار ما هستند؛ باید بدانیم وقتی نگاه حاج قاسم در مقابله با محاصره ۳۶۰ درجه نظامی جواب می‌دهد، در همه محاصره‌های ۳۶۰ درجه‌ای دیگر که در بحران‌ها و امتحانات روزگار به آن‌ها برخورد می‌کنیم نیز جواب می‌دهد. چه این محاصره اقتصادی باشد و چه اجتماعی و آبرویی و حیثیتی و چه جمعیتی و نسل و نیروی انسانی؛ اتصال به خدا و توکل بر خدا راه‌گشا است.



● سخنرانی چندرسانه‌ای امید صادق

امید واقع‌بینانه به آینده انقلاب و ایران



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای
کاری از گروه تولید محتوای امیربیین
شیراز

برای دریافت کتاب اسکن کنید



رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم فرمودند: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم... اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم... شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی [نامید] باشید؛ در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»

سخنرانی چند رسانه‌ای «امید صادق» نقاط امیدواری نسبت به انقلاب و آرمان‌های آن را جهت ایجاد امید در مخاطب بیان می‌کند.

● سخنرانی چندرسانه‌ای شهید کم‌نظیر

معرفی اسطوره جهاد تبیین «شهید بهشتی»



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای
کاری از مؤسسه تخصصی خطابه
امیربیین اصفهان

برای دریافت کتاب اسکن کنید



یکی از شاخص‌ترین و بارزترین قربانیان شهدای ترور در زمان معاصر شهید کم‌نظیر، عالم، مجتهد، مبارز و شخصیت خودساخته آیت‌الله شهید دکتر سید محمدحسین بهشتی است. شخصیتی که از حیث علمی و عملی حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و تعابیری که دوست و دشمن در مورد ایشان به کار برده‌اند انصافاً کم‌نظیر است.

البته تلخ‌تر و سخت‌تر از ترور فیزیکی افراد و اشخاص، ترور شخصیت‌ها و واژگونی حقایق است که با توجه به جمله‌ماندگاری که امام خمینی(ره) در رثای این شهید عزیز فرمودند: «بهشتی مظلوم زیست، مظلوم مُرد و خار چشم دشمنان بود» جهت امتثال همه‌جانبه‌ی امر امام خامنه‌ای در عرصه‌ی جهاد تبیین و جنگ روایت‌ها بر آن شدید تا گامی هرچند ناچیز در مسیر روایت صحیح برداشته و به از بین بردن مظلومیت این شهید بپردازیم.

این اثر بر محور بیان حرکت شهید بهشتی در ۴ عرصه: «بهشتی که بود؟» «بهشتی چه کرد؟» «بهشتی چه شد؟» و در ادامه «در مورد شهید بهشتی و ادامه راه او چه باید بکنیم؟» سازمان‌یافته است.





مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب
کاری از گروه تولید محتوای شهید
حاج قاسم سلیمانی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● قدرت پنهان «ویژه مخاطب عام»

بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی

ما قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم. ما یک جامعه زنان داریم که به برکت ائمه معصومین علیهم السلام این‌ها دور هم جمع می‌شوند؛ اما چون این ظرفیت و قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم از این ظرفیت بزرگ استفاده خاصی نمی‌شود. این‌ها می‌توانند با هم دیگر فضای خانواده و جامعه و شهر را تغییر بدهند.

کتاب «قدرت پنهان» به بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی و تبیین جایگاه زنان ایران اسلامی در سه عرصه: فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است. این محتوای تبلیغی قابل استفاده برای عموم مبلغین است.

● عناوین جلسات

- مجلس اول: زن میدان
- جلسه دوم: اقتدار علوی و عظمت فاطمی
- جلسه سوم: کدام آزادی؟
- جلسه چهارم: مادر عاطفه‌ها!
- جلسه پنجم: الگویی برای همیشه

● قدرت پنهان «ویژه مخاطب خاص»

بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی

ما قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم. ما یک جامعه زنان داریم که به برکت ائمه معصومین علیهم السلام این‌ها دور هم جمع می‌شوند؛ اما چون این ظرفیت و قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم از این ظرفیت بزرگ استفاده خاصی نمی‌شود. این‌ها می‌توانند با هم دیگر فضای خانواده و جامعه و شهر را تغییر بدهند.

کتاب «قدرت پنهان» به بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی و تبیین جایگاه زنان ایران اسلامی در سه عرصه: فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است. این محتوای تبلیغی برای مخاطب خاص بوده و برای فضای علمی و نخبگانی قابل استفاده است.

● عناوین جلسات

- مجلس اول: از «سیده نساء العالمین» تا «رهبری جامعه زنان»
- مجلس دوم: رهبری جامعه زنان؛ از «مدیریت عواطف اجتماعی» در اسلام تا «مردوارگی زن» در غرب
- مجلس سوم: از «پرده‌نشینی» تا «مدیریت عواطف اجتماعی»
- مجلس چهارم: انقلاب اسلامی و رستاخیز «مدیریت عواطف اجتماعی»
- مجلس پنجم: مدیریت عواطف اجتماعی؛ از «مصدق‌یابی» تا «نهادسازی»

مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب
کاری از گروه تولید محتوای شهید
حاج قاسم سلیمانی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● آغوش جاودانه

تکرار فاطمه علیها السلام در مادری‌ها

زنان سرور تاریخ که به‌کنار، سرور زنان تاریخ هم به «مادری» خود می‌بالید. فاطمه داستان ما عمری داشت و نگاهی داشت به‌بلندای تاریخ؛ پس به کیفیت و عمق زندگی‌اش پرداخت. وقتی نداشت برای هدر دادن؛ برای همین، در همین فرصت کوتاه، خواست که مشغولِ «بهترین» کار باشد و مشغول «مادری» شد.

کتابچه «آغوش مادری» با پاسخ به شبهات زنان در حوزه فرزندآوری به این مسأله می‌پردازد که مادری‌کردن جایگاه پرافتخاری است برای زنان، و عمیق‌ترین لذت‌ها و عبادت‌ها و خاطره‌ها را مادران می‌چشند؛ اما این دارد کم‌رنگ می‌شود.

● برشی از کتاب

دغدغه‌های مادرانه در فرزندآوری می‌خواهم رشد فردی کنم بچه نمی‌گذارد وقت کم دارم، بچه وقت می‌خواهد آرامش لازم دارم، بچه شلوغ است تربیت سخت است، من بلد نیستم من کلفت نیستم، بچه داری یعنی بشور و بپاس یکی دو تا بچه شیک است ولی بچه زیاد بی‌کلاسی است من پول ندارم بچه خرج دارد زنگ خطر و آمارهای درنگ‌آور روضه‌های مادرانه

● فاطمه‌ای دیگر

باز تعریف نقش مادری در خانواده

با این الگوگیری از فاطمه زهرا علیها السلام می‌توان کاری کرد که زنانمان «فاطمه‌ای دیگر» باشند و فرزندانی علوی بیاورند و سربازانی مهدوی تربیت کنند. کتاب «فاطمه‌ای دیگر» کوشیده است با الگوبرداری از زندگی فاطمه زهرا علیها السلام و بررسی ویژگی «مادری» آن حضرت، ارزش این مفهوم عمیق و عزیز یعنی «مادری» را توصیف کند. به این امید که با «بازتعریف نقش مادری در خانواده» بتوانیم تکرار فاطمه زهرا (س) را در خانواده‌های خود ببینیم و از آن بهره‌ها بگیریم.

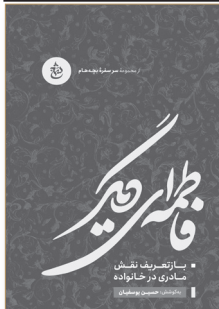
● عناوین جلسات

- مجلس اول: مادرانه‌های فاطمی
- مجلس دوم: مادری که مادری می‌کرد!
- مجلس سوم: رنج شیرین مادری
- مجلس چهارم: مانند فاطمه علیها السلام
- مجلس پنجم: عبادت‌های خانوادگی



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از: محمدمهدی باقری و حسین یوسفیان
برای دریافت کتاب اسکن کنید



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۰
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از: اداره راهبردی محتوای تبلیغی

برای دریافت کتاب اسکن کنید





مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: متن ترویجی

کاری از اندیشکده سعدا

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● تبیین با نور قرآن

تبیین در پرتوی ۳۰ آیه از ۳۰ جزء قرآن کریم

تبیین همیشه در تاریخ پراهمیت بوده اما در عصر حاضر اهمیت بیشتری پیدا کرده است تا جایی که رهبر حکیم انقلاب، فرمان «جهاد تبیین» را صادر کرده و آن را فریضه‌ای قطعی و فوری نامیده‌اند.
کتاب «تبیین با تبیان» با الهام از کتاب تبیین به بررسی ۳۰ موضوع تبیینی در حوزه جهاد تبیین که فریضه‌ای قطعی و فوری است می‌پردازد.

● فهرست کتاب

جلد اول: تعریف و لوازم تبیین

۱. تعریف (تبیین و جهاد تبیین)

۲. لوازم تبیین

ایشار و شهادت، وحدت، بصیرت، خوش اخلاقی، شجاعت، مردم‌داری، تقوا، غیرت دینی، استقامت، دشمن‌شناسی

جلد دوم: موضوعات نیازمند تبیین؛ اصول و امهات تبیین

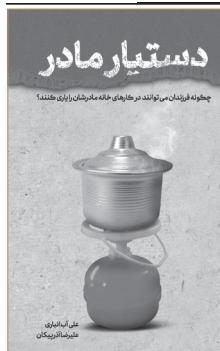
ظلم‌ستیزی، امریبه‌معروف، فرزندآوری، استقلال، عدم اعتماد به دشمن، زنان، جهاد اقتصادی، ولایت‌پذیری، انتظار، جهاد کبیر، توحید

جلد سوم: موضوعات نیازمند تبیین؛ واقیعت‌های میدان و نقاط امیدبخش

ظرفیت‌ها، چالش‌ها، دستاوردهای نظام، افول دشمن، عبور از بحران‌ها، امید به وعده‌ها، نگاه جهانی به انقلاب

● طرح درس دستیار مادر

چگونه فرزندان می‌توانند در کارهای خانه مادرشان را یاری کنند؟



مخاطب: کودک و نوجوان
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: طرح درس

کاری از گروه تولید محتوای غیورمردان
ایران زمین



برای دریافت کتاب اسکن کنید

کتاب «دستیار مادر» وظایف کودکان و نوجوانان در همیاری مادرشان را بیان می‌کند و آموزش‌هایی دربارهٔ مسائل اقتصادی در قالب داستان و بازی و معما بیان می‌کند.

● عناوین جلسات

ماه میهمانی

قوانین زندگی

مسئولیت‌پذیری

رعایت حقوق همسایه

تمیز باش

مسیر موفقیت

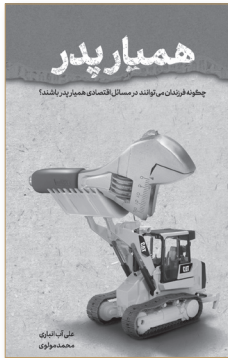
استاد شو

سالم باش

خلاقیت

مادر همیار





مخاطب: کودک و نوجوان
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: طرح درس
کاری از گروه تولید محتوای غیورمردان
ایران زمین



برای دریافت کتاب اسکن کنید

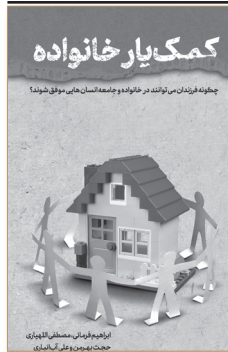
● طرح درس همیار پدر

چگونه فرزندان می‌توانند در مسائل اقتصادی همیار پدر باشند؟

این طرح درس تلاشی است در جهت تولید محتوای متناسب برای مبلغانی که در ایام تبلیغی برای کودکان و نوجوانان کلاس برگزار می‌کنند. در این کتاب با بیان وظایف کودکان و نوجوانان در همیاری پدرانشان در مسائل اقتصادی آموزش‌هایی در قالب داستان و بازی و معما بیان شده است.

● عناوین جلسات

- محافظان منزل
- راز سلامتی
- دل‌های بزرگ
- اشتباهی بزرگ
- همیار پدر
- رمز موفقیت ۱
- رمز موفقیت ۲
- شیرین زبونی
- قشنگترین شب دنیا
- بهترین الگوها



مخاطب: کودک و نوجوان
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: طرح درس
کاری از گروه تولید محتوای غیورمردان
ایران زمین



برای دریافت کتاب اسکن کنید

● طرح درس کمکیار خانواده

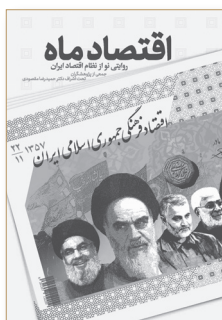
چگونه فرزندان می‌توانند در خانواده و جامعه انسان‌هایی موفق شوند؟

کودکان علاقه زیادی به ایجاد نقش در جامعه دارند و خانواده به عنوان یک جامعه کوچک و واحد تشکیل‌دهنده جامعه مکانی است برای ایفای نقش فرزندان. کتاب کمکیار خانواده با بیان وظایف کودکان و نوجوانان در همیاری خانواده‌شان در مسائل اقتصادی آموزش‌هایی در قالب داستان و بازی و معما بیان شده است.

● عناوین جلسات

- محراب خونین شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
- بهترین واژه‌ها (پدر و مادر)
- دعای مقبول
- نشان ادب (سلام)
- بهترین هم‌نشین (دوست)
- مثل آینه
- سنگ‌های صبور (روز قدس)
- سرمایه گرانبها (ارزش عمر)
- آداب خواب و بیداری
- فروغ جاودانی (روز معلم، شهادت شهید مطهری)





مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۲
نوع محتوا: پشتیبان

کاری از مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



● اقتصاد ماه

پاسخ به ۱۰ سؤال مهم در مورد آقای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

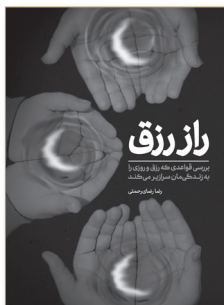
فضای اقتصاد ایران آلوده است و تصور ما از اقتصاد ایران چیزی غیر از واقعیت است، چیزی است که دشمن برای ما تصویر کرده نه واقعیت آن. کتاب «اقتصاد ماه» با ارائه روایتی نو از نظام اقتصادی ایران مبتنی بر نظام جامع مسائل اقتصادی است که هدف آن، ارائه پاسخ‌هایی کوتاه به مهم‌ترین مباحث و گره‌های ذهنی مردم همچون شکاف طبقاتی، تورم، گرانی و اوضاع اقتصادی ایران است و مبلغ را برای پاسخ به سؤالاتی که حتماً در فضای تبلیغی امسال، با آن مواجه هست، فراهم می‌کند.

● عناوین جلسات

جمهوری اسلامی، شاخص فلاکت
از اقتصاد دنیا چه خبر؟
این بود عدالت؟!
داستان شکاف طبقاتی
رابطه دولت‌ها و اقتصاد
دولت انقلابی و تورم؟!
ماجرای خودرو!
ماجرای مسکن!
این همه مشکل چرا؟
بن بست شکن‌های اقتصاد

● راز رزق

بررسی قواعدی که رزق و روزی را به زندگی‌مان سرازیر می‌کند.



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۲
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای گام دومی‌ها

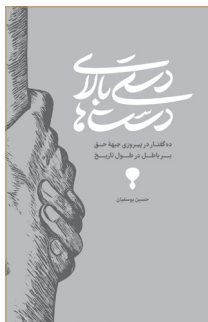
برای دریافت کتاب اسکن کنید



● عناوین جلسات

جلسه اول: رمضان پُررزق
جلسه دوم: زیباترین رابطه
جلسه سوم: از روزی لذت تا لذت روزی
جلسه چهارم: رنج شیرین روزی‌ها
جلسه پنجم: استقلال روحی، رزق و روزی درونی
جلسه ششم: رزق روحی آرامش
جلسه هفتم: رزق تربیتی
جلسه هشتم: رزق زمان
جلسه نهم: رزق اجتماعی
جلسه دهم: نقش ولایت در رزق و روزی





مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۰
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از حجت الاسلام حسین یوسفیان

● دستی بالای دست‌ها

ده گفتار در پیروزی جبهه حق بر باطل در طول تاریخ

تاریخ را دست‌های پنجه‌درپنجه دو جبهه ساخته‌اند: جبهه حق، جبهه باطل. ما انسان‌ها نیز بازیگران میدانیم که با انتخاب خودمان پشت سر فرماندهان دو جبهه حرکت می‌کنیم. خبر خوشی هم در کار است: دست خدا با جبهه حق است و هم‌او وعده پیروزی داده است به دسته پیامبران و رسته پیروان آنان. کتاب «دستی بالای دست‌ها» با قلمی زیبا و امید آفرین پیروزی‌های جبهه حق بر باطل را در ادوار مختلف تاریخی بیان می‌کند.

● عناوین جلسات

- گفتار اول: دست به کار شو
- گفتار دوم: معجزه دست‌های خدا
- گفتار سوم: دست‌های شیطانی
- گفتار چهارم: دستی که رو شد
- گفتار پنجم: تردستی ابلیس
- گفتار ششم: دنیا دست کیست؟
- گفتار هفتم: دست‌های شفا بخش
- گفتار هشتم: دست‌های رحمت
- گفتار نهم: دست‌های پشت پرده
- گفتار دهم: پیروزی دست‌ها

● «به توان او»

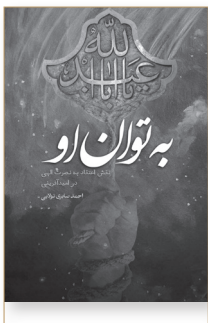
«نقش اعتقاد به نصرت الهی در امیدآفرینی»

بخشی از کتاب:

مهم‌ترین علت پیروزی امام حسین در کربلای سال ۶۱ ثبات قدمی بود که ایشان و یارانشان در کربلا داشتند. مهم‌ترین عامل ایجاد ناامیدی و وجود مشکلات حل‌نشده در زندگی است.

● عناوین جلسات:

- جلسه اول: نهضت حسینی، تدابیر مدافعین، اقدامات مهاجمین
- جلسه دوم: ویژگی‌های تربیت‌شده مکتب حسینی
- جلسه سوم: عوامل ایجاد مشکلات
- جلسه چهارم: موضعگیری‌ها در برابر مشکلات
- جلسه پنجم: ابزار نصرت الهی
- جلسه ششم: ابعاد و عرصه‌های نصرت الهی
- جلسه هفتم: شرایط نزول نصرت الهی
- جلسه هشتم: شرایط نزول نصرت الهی
- جلسه نهم: شرایط نزول نصرت الهی
- جلسه دهم: شرایط نزول نصرت الهی



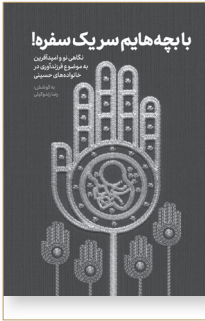
مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای به سوی ملکوت



برای دریافت کتاب اسکن کنید





با بچه‌هایم سر یک سفره

نگار و تصویرگری
محمود و فاطمه حسینی
میرزا محمد حسینی



مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای شهید
حاج قاسم سلیمانی



برای دریافت کتاب اسکن کنید

«با بچه‌هایم سر یک سفره»

«نگاهی نو و امیدآفرین به موضوع فرزندآوری در خانواده‌های حسینی»

معرفی

۱۰ جلسه منبرک و ۱۰ جلسه منبر کامل به همراه روضه برای پاسخ به دغدغه‌ها و سؤالات مهم مردم در حوزه جمعیت و فرزندآوری که هر طلبه در تبلیغ با آن مواجه است تولید شده است. این محتوا تحت اشراف فعالین حوزه جمعیت و اساتیدی همچون استاد عباسی ولدی نوشته شده است.

عناوین جلسات:

- جلسه اول: سر سفره بچه‌های حسین!
- جلسه دوم: چشمانی که به دست اوست!
- جلسه سوم: به سختی اش می‌ارزدا!
- جلسه چهارم: سفره تنهایی
- جلسه پنجم: سر کدام سفره نشسته‌ای؟
- جلسه ششم: معامله شیرین!
- جلسه هفتم: سفره را او پهن می‌کند!
- جلسه هشتم: تربیتش با ما!
- جلسه نهم: جای پای عباس
- جلسه دهم: سفره همیشه بازا!

«با کاروان عشق در کربلا»

«تبیین انواع کربلا در زندگی امروز ما، برای دستیابی به قله‌های امیدآفرین در آزمایش‌های زندگی»



**با کاروان
عشق
در کربلا**

تألیف: آقا میرزا محمد باقر
نگار و تصویرگری: آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر

میرزا محمد باقر

مخاطب: عمومی
سال تولید: ۱۴۰۱
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای تبلیغی
امیران بیان (امیربیاں شعبه قم)



برای دریافت کتاب اسکن کنید

بخشی از کتاب:

حضرت آقا می‌فرمایند: تاریخ را با قصه اشتباه نکنیم. تاریخ یعنی شرح حال ما در صحنه‌ای دیگر. آزمایش کربلا در صحنه‌های دیگر و در زمان‌های دیگر نیز روی می‌دهد؛ یعنی در ادامه کربلای امام حسین در سال ۶۱ هجری، کربلاهای دیگر نیز هست.

عناوین جلسات:

- جلسه اول: تبیین موضوع بحث
- جلسه دوم: کربلای اقتصادی
- جلسه سوم: کربلای علمی
- جلسه چهارم: کربلای جهاد تبیین
- جلسه پنجم: کربلای رسانه‌ای
- جلسه ششم: کربلای رسانه‌ای
- جلسه هفتم: کربلای خانوادگی
- جلسه هشتم: کربلای خانوادگی
- جلسه نهم: کربلای سیاسی
- جلسه دهم: کربلای فرهنگی

